

Date: 11/26/ 2020



مدیریت نامه

نویسنده و طراح : محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای ویادگیرنده مادام العمر



Mahmoud saneipour

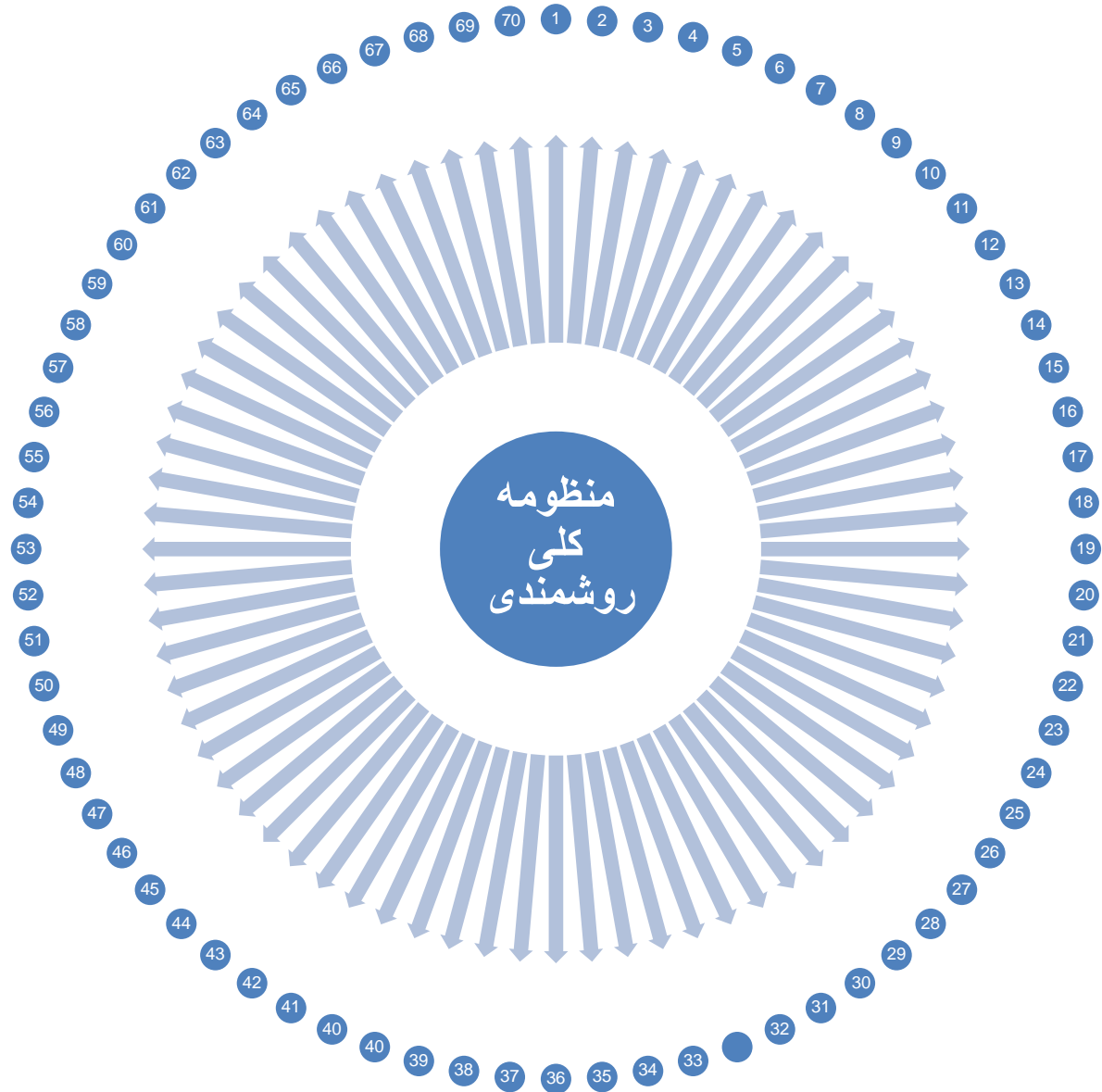
مشکلات ناشی از قرانت های غلط مبتنی بر برداشت های قرینه ای تحریف شده وگمراه کننده

به عنوان ضمیمه مقالات حکمرانی (قسمت اول)

گزاره های کلیدی بر اساس تفکر منظومه ای و تفکر سیستمی (روش شناسی ساخت قواعد مدیریتی در تنظیم احکام حکمرانی)، فعالیت های فکری ، تحقیقاتی ، ضروری ، یقینی در دین اسلام مبتنی بر منظومه های روشمند و عناوین منظومه های تبعی آنها در قالب های زیر میباشد و به اضافه سایر منظومه های دیگری نظیر چلچراغ هدایت و بیش از یک میلیون شامل مضمون ، متون و محتوا قابل تبدیل به دیتا بیس و سیستم ها و تهیه نرم افزارهای مدیریتی برابر مدل جهانی (UKRM) از این طراح

شکل 1

بخش کوچکی از منظومه کلی روشمندی با شیوه تعلیمی نوین و هرمنوتیک جدید



- (1) تکلیفی
- (2) ابداعی
- (3) تعینی
- (4) یقینی
- (5) تعلیمی (ضروری - واجب)
- (6) ایجابی
- (7) ابتکاری

	(8) ابداعی
	(9) تاسیسی
	(10) متوازن فکر کردن
	(11) علی
	(12) توصیفی
	(13) تشخیصی
	(14) منوطی
	(15) ربطی
	(16) سیستمی
	(17) تحقیقی
	(18) نوآوری
	(19) الگویی
	(20) تنظیمی
	(21) حقیقی
	(22) برهانی
	(23) توحیدی
	(24) نظری (مبنتی بر فرضیه و یقینیت در وجود آن)
	(25) منظومه ای
	(26) مدیریتی
	(27) فنی
	(28) کیفی
	(29) کمی
	(30) اثر بخشی
	(31) کارآمدی
	(32) کافی (حد کفایت)
	(33) بدیعی
	(34) بصیرتی
	(35) عزمی جزمی
	(36) ساسله مراتبی
	(37) زنجیره وار (فاز های تبعی دنبال هم از مبداء تامقصد)
	(38) مرکزیتی (بارعایت راسی)
	(39) یکپارچگی
	(40) همگرانی
	(41) هم افزائی

رگولاتوری	(42)
متقارن	(43)
تالیفی	(44)
معیار مند	(45)
حد وسط	(46)
کشف و شهودی	(47)
تدبری	(48)
بصیرتی	(49)
شایستگی	(50)
بدیعی (بکر، بی سابقه، تازه، خوب، خوش، طرفه، عجیب، نادره، نادیده، نو، نوظهور، نیکو)	(51)
تفکر استعلانی	(52)
اولویت بندی	(53)
تجسمی	(54)
شرایط پذیرش دلیل یا بحث مطروحه	(55)
همسانی طرفین گفتگو	(56)
تشخیص وعده های پوچ و تهی	(57)
تشخیص بضاعت علمی	(58)
احساس یک نگاه نوین و بدیع در خود	(59)
احساس یک قدرت نهفته در خود	(60)
فی البدایه	(61)
صدای قلب	(62)
ترجیح حقیقت بر دوست داشتن ها	(63)
علاقه شدید به مطالعه و دانستن	(64)
تشدید عشق به عشق آفرین	(65)
تشدید تلاش	(66)
تشدید نظم مداری	(67)
شرایط معاشرت و دوست یابی	(68)
سکوت را دوست داشتن	(69)
احساس تنهایی نکردن	(70)

1. بعضی از اهل فضل میگویند: قرآن، اخبار معصومین (ع) و بطور کلی دین اسلام **سرمایه** است، این قرانت از اسلام و مبانی آن یک گزاره ای کلیدی و سرمایه یک کلمه ای کلیدی و به قرینه

گرفته شده است، برای مفهوم سرمایه در تعریفی جهانی و جامع در واژگان اقتصادی به عنوان قدرت ملی و توان لازم برای زندگی مردم و حداقل معیشت مردم بیان میشود، سرمایه به عنوان راس المال یک سری دارائی های قابل مبادله، با قابلیت های تجاری، آبادانی، انجام زیر ساخت ها و روساخت ها و برای همه ذیفعانی است که در تبلور آن برحسب مناط های فنی، دارائی و بضاعت لازم خلق میکنند که اساس آن باید در حکومت دینی در لجستیک عدالت توزیعی متبلور شود و دین بازدارنده هر عمل خلاف و جرم از تنافر و عدم النفع های احتمالی از چپاول گران باشد از شروع و نه در تخریب با چگالی فراوان که سفره مردم را خالی کند، این نتیجه سعی و کوشش و خلاقیت و متحمل رنج بردن ها از اصول قرآنی و اسلامی در عمل و تبلور احکام حکمرانی میباشد، که باید در سفره معیشت مردم دیده شود و در نظام اقتصادی- سیاسی کشور های اسلامی نمودار گردد و ایجاد قدرت نماید، سرمایه ثروتی متبلور شده از فناوری، از تولید و کارخانجات فعال، از آمایش سرزمین، از کشاورزی و... بوده که شاخص جهانی تولید ناخالص ملی (GDP) را با آن مشخص و ارزیابی میشود و بموجب این شاخص و شاخص های تبعی آن قدرت و توان همه جانبه ملی را معلوم میگردد، این گونه قرائت های که فاضلانه بیان میشود و گاهی فقر را نشانه پرستش الهی تقریر میکند، جز افاضات بکار نرفته و ناشی از کم سواد و نداشتن، سواد و خبرگی میان رشته از گوینده و سخنران است که یک تریبون مجانی بدست آورده و افاده فیض میکند و برای حکمرانی مضرر بوده و بدفهمی از دین اسلام و قرآن مجید و سایر مقدسات یقینی دارد و ربطی به ادیان الهی و احکام کتب مقدس ندارد! مدرک: **(مشکلات کنونی دنیا در اثر برداشت های غلط از مفاهیم قرآنی است/ دشمنان می خواهند از اسلام دینی بی رمق و ناتوان جلوه دهند)**

2. تجربه به تنهایی کافی نیست، حوادثی بزرگ و کوچک بر حسب زمان و مکان مقتضی خودش بوده بروز کرده است و دانستن این حوادث تاریخی بسیار مفید است ولی باید بر اساس عقل برهانی دلیل نما و علت تراکی و با تفکر سیستمی مورد تحلیل قرار گرفته و مفادی که در حکم قواعد ثبوتی و دائمی داشته باشد و قابلیت تعمیم داشته، احصاء و بکار گرفته شود، مقتضای زمانی و مکانی بر اساس تغییرات و دگرگون کننده بزرگ جهانی (به مقاله مولف در این مورد مراجعه شود) از لحاظ جغرافیای سیاسی، منابع موجود، اقوام و اقالیم مربوطه را در بر گرفته، مذهب و فرهنگ سازنده و بسیاری دیگر از مولفه های تاثیر گذار در توسعه همه جانبه یک کشور با نگاه تالیفی، تعیینی، تاسیسی، مدیریتی و غیره از تجربه، الهامات، و کسب معارف عرفانی و غیره که در خلاقیت مدیران و رهبران نقش اساسی داشته است الگوبردای کند که برخی از اینالگوها در این روش شناسی آمده است، این سلسله آگاهی های ضروری فراسوی اداراکات زمینی و طبیعت آن بوده و ما را متوجه احکامی میکند که نیاز و صف نگاری از تجربیات، دین، عبادات، عشق و ورزی و پرستش و... در تنظیم ادبیات جدید به عنوان یک هرمنوتیک جدید در توسعه کشور و مقتضای احکام استصوابی و مدیریت های سلسله عملیات در این مورد است.

1. هرمنوتیک دینی (حوزه های تخصصی فلسفه و منطق فلسفه غرب رویکرد تاریخی دوره معاصر (قرون 20 و 21) فلسفه قاره ای هرمنوتیک) که ما آنرا دنبال میکنیم، خود تفسیر است

ودارای مولفه های صریح، مضمون، متون، محتوا بوده و کسی باید آنرا انشاء کند که این بسته را میتواند به دیتا تبدیل کرده و سیستم مدیریتی از آن ایجاد نماید، در این قاعده ای که در مدل (UKRM) از این مولف و طراح آمده است با تفصیل گسترده بیان شده است، این ادبیات فهم روشمندی رابه خواننده داده و نه اینکه با اساس دین و عدالت مخالفتی داشته باشد، بلکه در استحکام احکام الهی که سعادت بشر را تضمین میکند، به قواعد و مصادیقی محکم و مقوم استحکام یافته و به یقین برسد و در عمل آنچه در توسعه کشوری با کمک دین میسر است، عینیت ببخشد و بی جهت و از روی اعتقاد مرتباً از خود کفائی و برتری داد سخن ندهد و غایت عملکردی آن، مردم مجاب کرده و مطمئن ساخته که این مشی الهی در عمل و با سلطه احکامی در انضباط اجتماعی و تصمیمات اقتصادی- سیاسی که مراد مصلحان الهی بوده اینک عینیت یافته است، حتی تنها فرستادن آموزگاران در حیثت انسانی روی زمین برای هدایت انسان کافی نبوده و حکومت دادرس مکلف است به تجلی و تبلور عینیت های پیامبر دورنی انسان همت گمارده و قدرت کشف و شهود را که در دستگاه حسی میسر نیست به عنوان ضامن اجرایی احکام در جمهور مردم ایجاد نماید و اعتقاد به معاد و جهان دیگر و انجام تمام احکام متافیزیکی و ایدئولوژیکی و فیزیکی مدیریتی را از احکام تکوینی و شریعت احصاء کرده و به رشته تدبیر در آورده، قانونمند کرده و اقبال مردم و ملت خود را بدست آورده و آنگاه از آنان انتظار مشارکت و همکاری اجتماعی انتظار داشته و سرمایه اجتماعی فراهم شود، این روشمندی اینک به چشم نمی خورد و با گوش ها شنیده نمی شود، در سفره ها و زنجیره های اقتصادی - صنعتی لمس نمی شود و راس المراكز بی بدین سبقه ممتاز در تاریخ ایران نمایان نشده و تا این تدابیر انجام نشود، تالیف قلوب ملی و تالیف باور جهانی برقرار نمی گردد و الگو برین متبلور نشده و رتبه سرآمدی بدست نمی آید

این بحث از یک سوی تعلیمی و از سوئی دیگر ایجابی است، و فراسوی موعظه و اندر است، به شاخص ها، مناط فنی و دستور العمل اجتماعی و اجرای بدون چون و چرای احکام حکومتی نیاز دارد و هرگونه مماشات (به سلسه مراتب مماشات از این مولف مراجعه شود) برای هررده مجاز نیست و احکام حکومتی بر هر دستور و آئین دیگری استیلاء دارد، نوشتن و با تغییر اصولی جهان حرکت کردن، قدرت تغییر دادن، الگو شدن، رتبه دار گردیدن و داوطلب چنین امور برین در جهان شدن، اینک اساس کار ما را در توازن قوا نشان نمیدهد غیر این شعار دادن است) **چرا باید هر دو سال یک تفسیر قرآن نوشته شود معارف** « **حوزه علمیه** کد خبر: ۳۶۷۷۱۷۲) گروه حوزه های علمیه: عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با طرح این سؤال که چرا به تعبیر علامه طباطبایی (ره) باید هر دو سال، یک تفسیر قرآن نوشته شود؟ گفت: علامه پرسش های خود را بر قرآن عرضه و مطالب جدیدی به دست آورده و چون در این زمان، پرسش های جدیدی مطرح است که در دوره علامه نبوده است می توان برداشت های جدیدی داشته باشیم.

برای اینکه ما ابتکار تغییر جهانی را در دست بگیریم که فراسوی تجربه است، فراسوی این روش های منسوخ شده است، فراسوی رشته های فعلی دانشگاهی است و..... چرا که هرمنوتیک و معرفت شناسی بهم جوش خورده است که مردم دنیا به تدریج بسوی آسمان و معارف الهی توجه میکنند ولی راه و روش این پیوند را بلد نیستند، مراکز در جهان در این

مورد بوجود نیامده است ما هم از سیستم ها و ساختاری کهنه جهان استفاده میکنیم، باید از این فرصت جهانی که مردم طالب آن هستند، آغازی نوین و خلاقیتی برین داشته باشیم، آنچه از علوم حسی - ابطالی وارد دانشگاه و حوزه شده باید زوده شود و از قالب های حکمی و حیانی تخصص ها، روش ها و، شاخص ها، مناط های فنی و علیت تراکمی و خلاقیت بروز کند، در غیر این صورت ما را خواب فرا گرفته است و از عطیه الهی که در فرا انقلاب اسلامی و شعار اسلام محمدی (ص) نصیب ما شده است محروم شده و شاکر نبوده و عذاب نصیب ما شده است، تجربه مردم روزگار معدود و قلیل بوده و قدرت تعمیم برای حکمرانی ما ندارد ولی در عوض الگوهای قهرمانان میدان کار زار از همین حوزه ها برخاسته که در این روش شناسی آمده است، به فرضیه های جدید و راستی آزمائی نوین و روش های جدیدی که رهبری و مدیریت کشور را ارتقاء بخشیده و این مهمات و نرم افزار ها و سخت را ابداع نماید به سختی نیاز داریم بقیه که در مقابل این اولویت ها غیر ضرور نیست باید کنار گذاشته شود که نیازمند به هرمنوتیک جدید برای تغییر دادن مناسبات یقینی جهان باشد

3. نقد نظریه تکثر قرائت دین (فصلنامه معرفت، شماره 48)، آنچه ما بدنبال آن هستیم وحدت است یعنی توحیدی، نظری عملی و محققانه و برابر منظومه کلی از منظومه های فوق (شکل 1) است، امور باشد روشمند بوده و به تبع آن قانون، مقررات و نظم و انضباط گرفته و قابلیت مدیریتی داشته باشد هرگونه اندرز، موعظه، سخنرانی، جدل و تضارب افکار و روش های سنتی ساده گرانه و از سر و آسان گرفتن و غیر علمی و فنی که مراد بعضی ها است به عنوان تکالیف اجتماعی و یا فردی و یا احکام حکومتی ضرورتی ندارد، حکمرانی با این روش های ساده واداری و بخشنامه ای میسر نیست و محلی از اعراب ندارد، امروزه تکثر و قرائت های برخاسته از روش های سنتی تمام زندگی بشر را مختل کرده و از لحاظ مختلف در برگزیده قرائت های متنافر، عدم النفع، منکراتی و انحراف از حق حقیقت و از نوع سلبی و مطرود است و سعادت بشر را بر نمی تابد، دینا پذیر نبوده، ابزار مند نبوده و قابلیت تبدیل به نرم افزار و سخت افزارهای مدیریتی را ندارد، و از کم و کیف لازم برای تدوین استاندارد لازم و کاربردی بر خوردار نبوده و فاقد شاخص و مناط های فنی لازم است، یعنی فهم عمومی و افهام اجتماعی جوامع بشری تابع احساسات، فلسفه بافی، تخیل، عقاید شخصی، مطلوب شخص متقاضی و.... بوده و مبتنی بر قرائت صحیح و روشمند از منظر تخصصی ما مبتنی بر اسلام. قرآن و و برداشت ها یقینی از روایات و منابع در اختیار نیست.

اسلام و قرآن و تفسیر و تعبیر ها این چنین در نهفتگی تاریخی پنهان مانده و اثر بخشی خود را نمایان نکرده و منافع مبتنی بر قانون معدلت اسلامی خود را ایفا ن ننموده و به مردم استفاده بحق نرسانده و باعث هرز منابع، حق خوری، چپاول گری و هرج و مرج و تدبیری برای مداخله هر آدم بی سواد، افاضه گر، دور از اسلام و قرآن و مبانی اصل مدبرات الهی و سعادت انسان سبب شده است، این بساط باید جمع شود که شایسته طرح در حکمرانی نیست و باید بساطتی مطابق مجموعه منظومه های شکل یک مجموعه روشی و تعلیمی برای شالوده بندی و ساختار توحیدی در جایگزین ساختن احکام و مقررات حکمرانی اسلامی باشد، باید هرگونه نظری و فعلی بر موازین قرائت

توحیدی از مرکز یتی باشد که این چنین منظومه ای آنرا هدایت کرده و قرائت های متنافر و غیرتوحیدی ممنوع و یا پس از تنقیح لازم و ارزیابی تطبیقی با این اصول در معرض مردمی ، یا آموزش ، یا تعالیم آموزشی و پرورشهای علمی و فنی قرارگیرد و این قطعه قطعه شدن های جسمی و جانی در همه عرصه های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی در شالوده ها و ساختار جمع طرد شود و از صلابت و حیثیت اسلامی مشحون و از تهاجم علوم حسی - ابطالی و پوزیتیویستی و ایسم های کفر آمیز مصون گردد، **این ها تکلیف امروز ما است که خیلی زود ، دیر شده است .**

این بدیعی شائسی باید روشمند باشد و از قواعد مدیریتی که بیش از یک میلیون صفحه مضمون ، متون و محتوا با قابلیت ساخت دیتا بیس (از این مولف) ، برخوردار بوده و برابر قواعد اصلی محکم و کاربردی ، در چارچوب اسلام ناب محمدی (ص) تصدیق میشود در اصول حکمرانی در تمام زمینه و لزوم توازن قوای ملی و الگو برای ایران منطقه ای و ایران جهانی و ایران فردا قوت های ذاتی خود را پیدا کند ، جهان در انتظار ناجی و امید به آینده ای که برای مردم جهان قابلیت بارقه امید قلبی شده و زمینه های ظهور را فراهم تر ساخته و قدرت تغییر را از حالت تقدیری با اتکال به خداوند متعال به فعلیت در میآورد ، ممکن ساخته ، و قلمروهای نرم و سخت اسلام ناب را ممکن ساخته و تمدن آینده و حکمرانی واحد را به فرهنگ جهانی تبدیل میکند نه در حرف و شعار دادن ، بلکه به عمل و احراز رتبه ای استعلائی جهانی و رضایت مردمی و اساس ترضیه متقابل را در تکالیف و حقوق متقابل با محبت و صداقت و رعایت تمام اصول و فروع برابر منظومه شکل 1 فراهم آورد ، **دنیا منتظر این پدیده مبارک است** در این مورد فرصت های ذی قیمتی را از دست داده ایم و منبعد مجاز به ائتلاف فرصت ها نبوده و مجبور به جبران مافات هستیم ، خیلی از کارهای اساسی که راس ال مرکز فعالیت حکمرانی را در فرضیات یقینی خود به رمز و اسرار دارد ، در نهان مانده و یا مورد غفلت قرار گرفته و علیرغم نقد بموقع منتقدان دلسوز ، مورد عمل قررنگرفته است .

لذا تصریح و تسریع و تصحیح مسیر و با تدوین رهنامه نظام و رهبردهای تبعی آن در حد احکام استیلائی در عمل و ایفای معدلت حکمرانی و دولت مداری با انسان شناسی شالوده ها و ساختاری ناب اسلامی و نه به بهانه انتخابات و امورات اداری و با تکیه به ولایت اختیاری و قدرت ماشه چکاندن و آتش به اختیار انتخاب مواضع شده و با بضاعت بر علیه دشمنان فراوان داخلی و خارجی در حوزه های اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی و لزوم شجاعت و جسارت های بی بدیل که از این منظومه سیر تصاعدی دارد ، ، یک پارچه ، همگرا هم افزا، با رگولاتوری ملی و مراکز توحیدی و وحدت کلام و رویه ، ساختار قطعه قطعه شده نظام منتسکیونی را به وحدت کشانده و قرائت را همسان ساخته و شان و بصیرت و شجاعت ملی را تشجیع و تحریک و تجهیز نموده که عظمت این نهضت از نهضت اول بزرگتر و از دفاع 8 ساله قوی تر و با صلابت تر و خواهد دید که بالین تکانه های بزرگ و تشر های مهیب به چپاول گران و مزدوران و تضییع کنندگان حقوق مردم و فقط ترهیبون در دفاع نظامی ندیدن ، امت وسط شکل گرفته (به نامه من در این مورد به سازمان صدا و سیما مراجعه شود) و چنان هنگامه ای ایران را در بر میگیرد که دشمنان گیج ما را گیج تر و عقل روباھی آنان را مختل می کند .

این ها کار های واجب ما در نظر و عمل والگواره ، عدالت محور با لجستیک عدالت توزیعی در مدیریت ملی ، منطقه ای و بین المللی است و عدول از این قواعد و اجازه دادن به قرائت های گوناگون برای تقریرهای بر خلاف اسلام و شایستگی های کشور اسلامی ابراز گردد، شدیداً صیانت شود و الگوئی برای ادیان دیگر باشد و توان نظری و عملی به منصف ظهور برسد ، از دانشگاه ها "ایسم" زدائی شود ، به حوزه یاد داده شود که بیک هرمنوتیک مصرّحه و تعلیمی ملی دست بیازد ، که نقش همگان در آن مشخص و معین گردد و تنها و فقط اصول عبادی نباشد ، نقش کشف و شهود در حد یقین مردمی باشد ، همانطور که نقاش خلاق کشف و شهود میکند، هندسه شناس حکمرانی مثلث های قواعد آنرا ترسیم میکند ، معلم با فهم منظومه ای مکلف به انجام تعالیم و اخلاق و اعتلای بصیرت دانش آموزان و دانشجویان بصورت توحیدی و مجموعه ای باشد و استادان ، استاد مهارت و خبره میان رشته ای باشند و روحانی در حکم حکیم و مراد مردم باشد که درد ورنج های مداوم میکند و.... حالا ملاحظه کنید چه دکاکین و کسبه فضولی و غیر ضرور جمع شده اند و ظرف پاک ایران را مظروفیت داده اند (به مقاله تحلیل ظرف و مظروف از مولف مراجعه شود) و پاک سازی بمعنی اصیل معرفتی خودآغاز گردد، برش های فعلی از مجموعه بهم بافته فعلی و بخصوص در عدم توازن قوت ها و استعدادها نظام ، برش های درهم و برهم و با پازل های ناهمگون و در هم تنیده است که قابل قرائت توحیدی نیست، از تقارن و تالیف لازم حکایت نمی کند .

روشمند کردن اصول و فروع حکومتی در نظر و عمل موجب میشود که قواعد ثلاثی 5000 (از این مولف) واحدهای درسی از مدیریت در سلب و ایجاب ها ، و ادعا های اکتناهی ، بدیعی شناسی ، قدرت بداهه در نظر و عمل بوجود آید و سهم غالبی در جریان و امواج ترانه گوئی ها ، طنزهای ها ، اطواری ، پرستیژ بازی ها ، برند طلبی ها ، نیرنگ های بورس ، تکنولوژی های منسوخ شده ، ... که در این مجموعه های بکار رفته است ، داشته باشد و کمک شایانی به مهندسی کردن امور دینی و احکام و دستورالعمل های مدیریتی و راستی آزمائی فرضیه های منبعث از حکمرانی و تمدن آینده تسهیل نموده است ، از مداح ، ترانه خوان ، برند بازان و کاخ نشینان ، این همت ها و قهرمان شدن در میدان کارزار بر نمی آید.

4. در تنظیم "نگاه یک" (شمخانی: عده ای از واژه "نفوذ" برای حذف رقیب استفاده می کنند/ د

ستگیری های اخیر تسویه حساب سیاسی است) ، در مورد فرجام میگوید: " اما جنس این موارد [گفتگوها] از نوع ملاحظه، چگونگی قرائت از برجام و نیز شروط اجرای بعضی از بندهای برجام است و یا اینکه مثلاً اقتصاد مقاومتی در حین اجرای برجام در چه وضعیتی قرار خواهد داشت یا در خصوص تسلیحات دفاعی و موشکی و یا کانال های خرید ابزارهای دوگانه در حین برجام چه وضعیتی خواهیم داشت. در روند بررسی برجام (که هنوز آقای روحانی به رفتن ترامپ و ابوسفیان زمان خوش کرده و برگشت به برجام را نوید میدهد - مولف) در شورا برخی ابهامات روشن و برخی قرائت ها از برجام تصحیح شد" (اصلاح قرائت ها بیک قرائت در مورد برجام ، جدا اینکه چقدر به استصواب نزدیک است ، اصولاً کار درستی است و باید در همه حوزه تسری یابد ، یکی از نگاه واحد در یگانه سازی قرائت ها داشتن معیار و برای هر چیز معیاری مشخص

داشتن و بررسی فنی انحراف از معیار ونیل به حد وسط بر مبنای امت وسط به عنوان یک الگو و خاص جمهوری اسلامی ایران و کاهش تدریجی انحراف از وضع فعلی به عدی نظیر 3.6 از یک میلیون که ژاپنی های و شرکت موتورالا به عنوان برای محصولات خود به این عدد حیرت آور نائل شدند - مولف)

5. لزوم تدوین هرمنوتیک جامع دین اسلام در قرن بیست یکم با استفاده از منابع معتبر نظیر قبسات حوزه تخصصی (17011379) و سایر منابع مبنائی در روشمند کردن و منجمله قرائت های توحیدی ، هرمنوتیک به مفهوم مثلث " مولف مدار ، متن مدار ، مفسر مدار " از قواعد هزاره ثلاثی مدل UKRN از مولف و مقصود از این قاعده در این آذرخش ها (قبسات- آیه 7 سوره نمل) اینست که هم در قرائت واحد وهم در نگاه توحیدی به اصول و فروع دین اسلام به عنوان راس المرکز نگاه شود و بازدارنده هر قصد و غرض انحرافی باشد، عناوین زیر (بخشی از عناوین بطور تابعی از عوامل و مولفه های منوط شده با مناط فنی و مربوطه در هندسی معرفت دینی که در یک هرمنوتیک واحد گرد در زیر آمده است :

a. مخلوق گاهی بجای خالق تعبیر میشود و این تنها به خدایان زمینی و آسمانی ادیان دیگر بسنده نمی شود ، بلکه با اندیشه حسی - ابطالی مربوط به کلیه اقوام و دین گرایان و نخله های فکری است

b. دین باید در آثار و ثمرات از ناحیه خود برای مردم نمایان و عیان شود و اعتقاد بر حسب اعیانی احکام دینی در مردم نهادینه شده و فرهنگ شود

c. خداوند متعال ما را برای هدف و غایت دین خود آفریده و در همین مسیر آزمون میکند و نمایندگان خالق یکتا در روی زمین به مثابه آموزگاران این غایت پذیری هستند (نمایندگان خدا در روی زمین در قران- آیه ۳۰ سوره بقره) ، (واز نظر این مولف این روش تعلیمی که در منظومه شکل I آمده است به پیامبران و صالحان بسنده نمی شود و روش دائمی و روش های هوشمندانه با عقل برهانی در مقتضای زمانی و مکانی در طول تاریخ حیات بشر بوده و امری واجب شمرده میشود و حد کفایت آن با احکام حکومتی تعیین و تاسیس میشود و شمول آن در مدل مولف بسیار است - مولف) .

d. دنیا بر اساس فطرت خدای جوی انسان فهم و اجراء میشود (این مورد که دارای تفصیلی مستوفی است در مقالات و رساله ای مولف آمده است)

e. اصولاً دین موضوعی روشمند است و تبلیغ آن به صورت مبهم و غیر واضح و معما گونه جایز نیست ، باید خطا زدائی شده و نظم پذیر باشد

f. دین باید متکی بر علائم فطرت نظیر یافته های عقل برهانی دلیل نما باشد

g. قرآن کتاب شریعت و قانون است و مستلزم روش های قانون گذاری از کل آغاز شده و با روش سیستمی و مقتضیات زمانی و مکانی (استصواب) به جزئیات تبدیل شده و شاخص مند شود

h. قواعد زبان قرآن نیازمند مراجعه به مفردات و مداخل ذیربط است (مولف در تحقیقات گسترده

بجای این کلمات کلیدی و با رعایت این مفاد ، توصیه می کند گزاره های کلیدی و برابر ثلاثی و منظومه های تدوین شده توسط مولف به روش شناسی مبادرت شود، ایشان مفردات را کافی نمیداند)

- i. دین ادیان گذشته قبل از اسلام از لحاظ تغییرات شگفت علمی و فناوری عصر حاضر ، متفاوت و مکفی نیست ، این موضوع با هرمنوتیک مورد بحث در این مبحث **جبران** میشود
- j. نبودن روش های قطعی در کار فلسفه مربوط به متون دینی نیست ، راستی آزمائی فرضیه های دینی در عمل آزمون میشود با کاغذ بازی و در انکوباتورهای مراکز رشد دانشگاهی مسیر نیست
- k. ما به پیش فرض یا فرضیه در امور دین نیاز داریم این فرضیه ها در مسیر های تعلیمی و عینی شدن ارزش های قطعی ، راستی آزمائی میشود
- l. قالب های ذهنی و منبعث از علوم حسی- ابطالی که راه تکرر را پیموده است تفسیر صحیحی از دین را بروز نمیدهد
- m. فهم و کسب معرفت از دین و غیر دین یک فهم یقینی را ایجاد میکند
- n. داوری و قضاوت نباید قربانی و دستاویزی بنان فرض ها یا مفروض ها باشد
- o. یکسان اندیشی همه آدم ها ی یک کشور ، یک ساده اندیشی است ، حقایق یکسان نیستند و حق و باطل در هم آمیخته شده است
- p. ما بیک حجت نیاز داریم نه اجتهادی که برای یک مجتهد حجت باشد نه مجتهد دیگری ، این موضوع یک نوع شکاف بین مجتهدین است
- q. وفاق ادیان در دانشنامه جمع شود و اصول قرارگیرد و موارد خلاف بر چیده شود
- r. اصلاح مقدس بودن کتب ، قدسیتی برای یک کتاب دینی تحریف شده نیست
- s. هرمنوتیک باید از سطح معرفت به سطح روش شناسی و تبدیل به اصول .مبانی در حد افهام عامه رسوخ کرده و کاربردی شود و کلامی باشد که در سیر همیشگی خود اصولی بایسته و شایسته و متقن را به وجود آورد
- t. بدیهی است این روش مندی مبنائی میشود که به شالوده شکنی و ساختار شکنی موارد خلاف و تحریف شده فعلی خاتمه داده و ضروریات را بر می تاباند
- u. انسان شناسی قرائت های یگانه و هرمنوتیک یگانه و رسیدن بیک ادبیات دینی برای همه یک امر ضروری بوده و تشخیص انسان شناسی آن در طرح ها و اجرای منظومه های قواعدی دین ضروری میباشد و الگوی برای سایر کشورها
6. اصول حکمرانی قسمت اول(از این مولف) بر حسب تقریرتوحیدی و برابر مثلث " نیت ، نظر ، عمل " رهیافتی برای اقدام از مولف در سامانه (www.elmemofid.com) ، این اصول مبتنی بر عقل برهانی حجت نما ، برای حکمرانی یک ضرورت تام است ، قرائتی واحد با دیدگاه واحد که نشان میدهد نتایج حاصله در حال ، آینده و برای رفع مشکلات و حل مسائل موجود رهگشا است ، با نیت صادقانه که در عمل راستی آزمائی شده و صاحب نیت در حسن سلوک ، حسن نظر و حسن ظن تصدیق شده و اینک مراد از انتقاد (این مولف) برای اعتلاء و برتری نظام بوده و از حکمت و تفکر حکیمانه برخوردار است و کمک کننده برای رهبری و مدیریت کشور کارساز ، و از قضایا و فرضیات مقتضی برخوردار بوده و دارای غایت نگری اهداف در خیر الدنیا و الاخره بوده ، یعنی خیر خیز بوده و شرّ افکن باشد بر اساس ملاک های که در منظومه " چلچراغ " آمده است (به اصل مقاله در آدرس فوق مراجعه شود) .

این تقریر ها و قرائت ها باید مبتنی شکر عملی وزدودن کفر عملی باشد ، اخلاق عملی جامعه به عنوان محور اصلی فرهنگی برتباوند ، و طبق قاعده " تکلیف ، حقوق ، ایفای این حقوق " صدق کند و از منظومه 50 مولفه امام سجاد (ع) تبعیت نماید و به قانون و مقررات تبدیل شود ، مبتنی بر قواعد مصرّحه در امت وسط باشد (به نامه این مولف به سازمان صدا و سیما در مورد ایجاد شبکه "امت وسط" در انتهای این مقاله توجه شود-مولف) ، در عمل اکوسیستم های خیر و شرّ و بخصوص مبداء وقوع جرم نظام نظارتی و کنترل ابداع شود و سیستمند گردد (به دونا مه اینجانب در این موضوعات مهم به ریاست محترم دستگاه قضاء و سازمان بازرسی کل کشور در آدرس فوق مراجعه شود) ، از سلسله مماشات و اغماض از صدر تا ذیل جلوگیری گردد، و امور تولید و غیره از مبنا تا مصرف و سفره مردم بصورت نظام زنجیره ای طراحی و پیاده شود و هر کدام از این زنجیره ها که در حکم " زنجیره لجستیک عدالت توزیعی " است به لکوموتیو اقتصادی - صنعتی درآمده و با سیستم رگولاریته ریل گذاری گردد یعنی "تنظیم، تعدیل، دستورالعمل ها ، ایین نامه، قانون، قاعده، روش های عمل " بصورت یک سیستم جامع و یک پارچه طرح و ایجاد گردد و از کارهای هزینه بر و غیر ضرور اجتناب گردد .

آنچه بیان شد از تکالیف حتمی و قطعی حکومت است که باید بر سایر امور سلطه و استیلاء یابد ، با این دستور العمل ها که بخش اندکی از آن بیان گردید ، زنجیره های فساد ، چپاول ، قاچاق و تبه کاری پایان یافته و مجرم ها به سزای اعمالشان میرسند و از آنها تقاص گرفته شده و حقوق مردم ایفاء شده و اموال چپاول شده به صاحبان حق برمیگردد تا رضایت حاصل گردد ، تا زمانی که زنجیره های فساد و فساد ساختار یافته ، کلونی فساد و لابی های آقازاده ها و ثروتمندان با سرمایه های باد آورده در مجاری دولت ، خصولتی و خصوصی بطور زنجیر وار پیوندی ناگسستی دارند این ساده انگاری است که بتوان با حل مسائل اداری و کارهای الله بختگی این شرّ را از ساحت کشور طرد کرد ، کار خاصی می خواهد که در دیگر مقالات آمده است ، برای طیف های دگرگون کننده باید عوامل بازدارنده تدارک شود تا فرصتی نباشد برای کسان دیگر که هر گونه تهدید ی را به فرصت تبدیل و سپر اندازی کنند .

مدیران باید یاد بگیرند در حکومت اسلامی ، هر کاری باید برابر اصول حکمت و حکیمانه انجام گیرد و مدیران در این مورد باید به بلوغ رسیده و سپس در سمت ها نصب شوند ، این مهم جوان و غیر جوان ندارد ، آنچه را مدیر را مدیر میکند موضوع سنّ نیست ، لیاقت ها و شایستگی های مدیریتی برای یاری رساندن به رهبری کشور است ، کله باید کار کند ، قلب باید بصیرت پذیر و نورانی باشد ، عقل باید برهانی و مدبرانه مدیریت کند و هکذا ، اگر این شایستگی تاکنون وجود داشت نبایستی دلار به 32 هزار تومان در قبال یک دلار برسد ، دردوره قاجار یک تومان ایران 3.5 دلار آمریکا ارزش داشت و قیمتی ترین پول جهان بود اینها رتبه آور و در ردیف عوامل اعتلای کشور است و مردم در قیام سال 1357 این چنین برداشتی از انقلاب ایران داشتند و نمی توانند این ننگیت امروز را که مدیران و مسئولین کشور ببار آوردند را بپذیرند ، قواعد دانش مفید که برای مدیریت طراحی شده است ، این گونه تکالیف محوری را تعیین کرده و استفاده از منابع

کشور در جهات الگوسازی برین و برجسته در مسیر سعادت و توسعه خاطرنگاری مردم برای فرزندان و نوه های خود باشد .

7. حکمرانی اسلامی یعنی چه؟/ایده‌های روشن برای پیاده‌سازی عدالت نداریم (همایش ها و

میزگردها) (۱۸ خرداد ۱۳۹۹، ۱۳:۱۹)، در این مقال حجت الاسلام غلامی مدعی است که **نظام برای برقراری عدالت ایده روشنی ندارد** ولی از نظر این خبره میان رشته که دهها طرح بزرگ و اساسی در توسعه و عدالت به بیت رهبری، مجلس، شورا، خبرگان، مجمع و غیره نظیر لوکوموتیوهای اقتصادی، خوشه های صنعتی، زنجیره های تولید و عرضه از تولید تا سفره مردم و مصرف، طرح آمایش سرزمین، لجستیک عدالت توزیعی و... ارائه داده و با 300 مقاله به مبادی مسئول و ذیربط داده است (به کارنامه 1850 اثری ای خبره میان رشته ای مراجعه شود) و نظیر اینجانب شخصیت های دیگر، اینکه یک نفر بگوید ما دارای ایده برای عدالت و یا حکمرانی نیستیم، دقیقاً بی سواد است و نظیر این بی سواد ها فراوان هستند که به عنوان پژوهشگر و ریاست پژوهشگاه ها مشغول کارهایی هستند که اصلاً خروجی ندارد، جزء قرائت های ضعیف و یا متنافر از موضوعات مهم مملکتی چیز دیگری نیست، مشکل مملکت از همین جا شروع شده که شخصیت های خود را که عمدتاً از خبرگان و صحیح عمل با کارنامه های پر اثر بودند به بهانه سن، جوان گرایی و یا چند راهبرد غافل کننده از دست داده است و گوشه نشین کرده است و هیچ کدام از آقایان مدعی نه ایمیل ها و نامه و پیام و نقد را خوانده اند و نه پاسخی داده و نه دعوتی برای مشاوره داشته اند، بحمدالله خود بسنده و خود کفا هستند! وقتی من از دوستان محقق خود سوال می‌کردم، مگر این آقایان حوزوی و دانشگاهی و دولتی و مسئول در جای جای کشور چرا به مقاله ها و رساله ها و نامه های ما توجه نمی کنند، پاسخ دادند که آنها حوصله خواندن مطالب و نقد ها را ما را ندارند، نخوانده ملا هستند، نتیجه اینست، گیرکردن در قرائت گوئی و غفلت از کشور که ملاحظه میشود.

علمای اعلام میگویند که ایده های حکومتی اسلام در قرون گذشته بدلیل تفاوت های علمی و فناوری و تغییرات شگفتی که در مبانی و فلسفه وجودی حکمرانی به دلیل همین تغییرات شگفت پیش آمده است، نمیتوان با نسخه قدما و ایده پردازان سلف، حکومت انجام داد که جای تامل زیاد دارد تعمیمی کلی و خالی از اشکال نیست، بعضی نکاتش درست و بعضی دیگر ناشی از بی اطلاعی و یا سپر اندازی است (این محقق خبره میان رشته ای، در یک میلیون صفحه مضمون، متون و محتوا از اینجانب در وب سایت شخصی (www.ekmemofid.com)) که آماده بازدید بوده و در عمل نشان داده شده و در کارنامه عمل خود درج کرده است، اطلاعاتی از ایران بزرگ دارد که صدها طلبه و دانشجو ندارند و حتی بزرگتر از آن بی خبر هستند و این عیب بزرگی این بر حوزه، بر دانشگاه و بر فرد درگیری که از قدرت های بی مثال و بی بدیل ایران با شش هزار سال تاریخ تمدن ساز، یکتا پرست و الگوهای اسلامی ناب و غیره ندارند، این پوچ انگاری و تفکر **نهیستی بر مردم بدبختی آورده است**.

حالا حوزه با این دانش وسیع و تغییر دهنده و عدالت محور که در من در بازدیدهای خود در کشورهای مختلف رویت کردم و در ایران در سازمان های بزرگ صنعتی - اقتصادی به منصفه

ظهور رساندم ، یک طلبه حتی آرائ علمای حکومت شناس خودش را نخوانده و سخنان کلی و رفع تکلیفی بیان میکند ، باید سوال از این افراد بی سواد (که میگویند ما فاقد دانش حکومتی هستیم) و حتی از گلیم خود پا را فراتر گذاشته و با کنایه و کلمات تحقیر کننده ، مشغول محکوم کردن بینانگذار جمهوری اسلامی و اسقاط حکومت فاسد بودند که آثارش در بعد از انقلاب هم ریشه دوانید ، چه رشته های از علوم و فناروی را بلد هستند و در پژوهشگاه ه خود چه متخصصانی را در ساختار سازمانی خود دخالت داندن ، من به صراحت عرض میکنم ، دانشگاهیان عقاید خود را در مقالات و رساله فارغ التحصیل های بروز داده که ملاحظه میکنم و حوزویان باید علوم روز را بخوانند و اهل تحلیل های علمی و فنی گردند تا قرائت بهم نزدیک شود نه اینکه یک گزاره از علوم فقهی و کلامی را تز دکترا و از دانشگاه دکترا بگیرند و افاده بفروشد و صندلی کسب کنند علوم توسعه اقتصادی را از علوم اقتصادی منسوخ شده نگیرید از توصیه ها و احکام پیشگامان توسعه کسب کنید و از دروس انتقال تکنولوژی ، مراتب خلاقیت و مواردی که بارها یاد آوری کردم را یاد بگیرند تا قرائت های بیان شده به قرائت توحیدی نزدیک شود ، در این دانشگاه ها اشتباهاتی وجود دارد که با اشتباهات خود را از صحنه توسعه جامع دور شده و اتهاماتی را متحمل میشود

طلبه فوق در این اقرار بدون اینکه شرایط تقریر مواضع حکومتی را داشته باشد و مواضع حکومتی و سیاستی بزرگانی چون شهید بهشتی را استماع کرده و نسخه ای از حکمران شناسان اسلامی سرفراز را رویت کرده باشد ، قانون و قانون گذاری را مسئول میداند ، البته مجلسیان هم دچار غفلت هستند برای اینکه حوزه اجراء که باید مجری قانون باشد از 6 سند معتبر توسعه کشور وده ها سند برنامه و بودجه و بودجه سالیانه ، و احکام استصوابی که عمدتاً بایگانی شده است که باید به مرّ خود قانون و این نسخ توسعه نه کمتر و نه بیشتر عمل میکردند ، یک بار دیگر مثل بنده بیائید این اسناد را مطالعه کنید ، لنگی ها و وقفه ها و بی اعتنائی های دستگاه به دستتان می آید ، بیائید از من سوال کنید ، چه کلونی ها ، لابی ها و... از آقا زاده همین روسای جمهوری چه بسرا این مملکت آورده اند که خط به خط آنها نوشته شده و تصویر شده و فیلم سازی شده و دستگاه اجرائی کشور به مرّ قانون عمل نکرده ولی به مرّ استتباط های خود بسنده خود در تغییر دکنترین و راهبردهای نظام دست درازی کرده و یا بعضی مفاد اولویت دار نادیده گرفته و از مشارکت حیرت آور مردم در بزرگترین دفاع تاریخ به فتح الفتوح درس نگرفته و باین هم بسنده نکرد و از این تهدیدات داخلی و خارجی ، فرصت فراوانی برای دشمنان اسلام و ایران سود برده که اینک دستگاه قضاء در گیر کرده است ، لیکن با الگو گرفتن از حماسه و شهادت مردمی ، نیروی سپاه به توسعه و ارتقای توان و قدرت دفاعی رسیده و به رتبه پنجم جهانی صعود کرده است که برای تمان بخش میسور بوده است ، یعنی در بقیه بخش های حکومتی این غفلت و خواب ماندگی باعث شده که ما از توازن قوا (به مقالات این طراح خبره میان رشته ای در این مورد مراجعه نمائید) محروم شویم و بجای توازن قدرت ها و استعداد های ملی ، تومان ایران با ارزشی معادل 32000 تومان در قبال دلار رسید و تحریم و بدتر از تحریم ها معاذیری برای عفلت بود.

یاد کردن از هیتلر و مقایسه با امام امت (ره) یک ناشی گری مسلم است و نشان از هرج و مرج های سیاست گذاری کشور و نشان از عدم تمیز درست از نادرست و صحت و سقم قرائت های در هنگامه هجمه های چپاول گری و سلطان گرایی دشمن داخلی و خارجی میدهد ، ضایع کردن اقتصاد ، فرهنگ ، تعطیلی صنایع و صدها مورد دیگر در گروهی تصمیم های مدیریتی و مسئولین و سیاست های مقطعی و برای مقاصدی است که نمی توان به صراحت پیرامون آنها سخن گفت ولی آثارش برای مردم بیان گویائی را آشکار میسازد، علی ایحال ، خیلی از قرائت های بمعنی رهیافت نیست ، کمکی به حل مسائل ندارد که هیچ ، بلکه برای نشان راه درست کمکی نمی کند و در بیراهه گام برداشتن است و دشمن ساز است ، امید دادن اینست که توازن قدرت ممکن است ولی با نه این مشی اداری و بخشنامه ای ممکن نیست با مشی بسیجی به شرط دانش بینان بودن آن و سایر اصول و فروع مدیریتی که قوای بسیج باید رعایت کند و بخش قدرت دورنی حاصل از علم النفسی و توان متافیزیکی با توان دانش بنیانی و خلاقیت که ثمره سیاست برین ژاپن بوده است در مشی علیت تراکمی بکار بگیرد ، هنوز به عنوان الگو برین کار ساز است تا برسد به روزی که حکمرانی ایران اسلامی نسخه جدیدی در کارکرد های بسیجی نوین داشته باشد(به 10 فرضیه متافیزیکی از علم حضوری از این نویسنده مراجعه شود) .

بقول آیت الله جوادی آملی در کتاب ارزشمند ایشان به عنوان تحریر ، "ما به سلاطین معرفت نیاز داریم" تا از شرّ سلاطین زر و زور داخلی نجات یابیم ، نجات از غم و تله های تنظیم شده از بیدادگری های درروی زمین با حکمت و حکما حل و فصل میشود که نمونه هائی در حکمرانی دوران دیالمه و صفوی ایران بوده و ایران را از گزند خلفای جبار بی عباس و امپراطوری منطقه ای ایران و نجات از کشت و کشتار مغول و غیره رهائی داده است و یک وجب از خاک ایران را از دست نداده ، نه حکمرانی شهوت آلود قا جاریه و پهلوی که قلمرو و ژئوپلیتیکی کشور را به یک سوم رساندند و پول ایران را که پر ارزش ترین پول جهان بوده از یک تومان در قبال 3.5 دلار آمریکا به 10 تومان بیک دلار تضعیف کردند ، مردم به امر مرد شجاعی چون آیت الله خمینی (ره) قیام کردند که این آبرو رفته را بازستانند ولی اگر پای شعرا که امروز ها مثل ترانه خوان بازارشان گرم است بنشینند حرف های زیر را میزند به رسم ناامیدی :

که دگر ناید آب رفته به جوی [سعدی]

در حفظ آبرو گهر باش سخت تر، کاین آب رفته باز نیاید به جوی خویش! [صائب]

آب رفته به جوی بر نمی گردد. مترادف آب ریخته، (به کوزه) جمع نمی شود. * روغن ریخته را جمع نمی شود کرد، فرصت هدر شده را به چنگ باز نمی توان آورد.

کار حکومت کار شاعران نیست و اصولاً امری مدیریتی است ، یک مقاصدی را در بر دارد که بکار سیاسیون نمی خورد و یا کار ترانه خوانی نیست که مغول ها مثل عطار نیشابوری میشکند و بقیه گریه کرده و غم نامه می خواندند ولی امید و امید شناسی ایرانیان با غیرت را در تاریخ قبل از اسلام و بعد از اسلام را بخوانید و مثل من دوترا بابت از 40 رشته اقتصاد ، تاریخ ، تکنولوژی و.... مطالعه و تدریس و پروژه ای

بزرگ در ابعاد توسعه شهری داشته باشید که بدیند ایران و ایرانی تاریخی را گذرانده که شرح حال امروز ما اگر چه غمناک است ولی در قیاس با غیرت بی مثال و بی بدلیل ایرانی ، مثل پشه ای در مقابل کوه نامدار دماوند است (به شعر دماوندیه این مولف و شاعر در پایان این ضمیمه حکمرانی توجه شود) وچگونه مشکلات نشدنی را شدنی کرده البته تدبیر و نه آئین مماشات و نه همکاری با سلاطین زر و زور و نه حال شلوکی (اصطلاحی از گویش شاهرودی خودمان بمعنی شلّ بودن ، ضعیف بودن ، سست بودن ، بی تفاوت بودن و نزدیک به بی غیرتی و....- مولف) ، غیرت میخواهد اگر نبود آن غیرت شهیدان در رگهای بسیجیان و لشکر سپاه اسلام و مطیع فرمان امام (ره) ما امروز مثل سایر حوزه ها و بخش های کشور قدرت دفاعی و بازدارنده نداشتیم ، من سه مورد از غیرت ها را از اعظم فقها و علما و سلاطین و حکام غیور و مدبر در ذیل آورده ایم که اگر این غیور مردان و زنان چون شیر ژیان به میدان کارزار نیامده بودند ، ایرانی در کار نبود ، همین حالا تلاش میکنند ایرانی در کار نباشد ، لذا خواهید دید که مدعیان دولتی امروز ما کار دیگری کردند !، در مقابل این قدرت های نهان ملی ، جزء خدمت کم رنگی، چیز دیگری در بر نداشتند ، به دقت بخوانید تا غیرتان رخ نشان دهد و متافیزیک جانتان متجلی گردد و **ایران به قول صاحب مراد یعنی امام خمینی زنده گردد و جان تازه ای بگیرد ، و بدانید که پرگاری اینک دشمن داخلی و خارجی در دست خود بسوی شیطان بزرگ می چراخاند ، به امر خداوند متعال و با اتکال به قدرت لایزال ذات ربوبی و همت و غیرت مردان و زنان ایران در مسیر تدابیر مدیریتی مقوم و پیروی از رهبریت کشور ، ایران آینده ، ایران منطقه ای ، ایران جهانی (از نوشته ای این مولف) با شاخص های نوین و برتر ایجاد خواهند کرد و از ایام غم خواری به گلستان شادی راه باز کنند.**

8. **هرگوشه ای از این مملکت ، تاریخ جهان را تغییر داده است** و اینک به تناسب بحث پیرامون حکومت اسلامی از ابتکارات و ابداعات و نورآوری دانشمندان اسلامی و حکام دین دار و در حال فقیه زمان خودشان شمه های ذیلاً نقش میشود و از بین سایر شاهکارهای تمدن ساز و ایجاد امپراطوری ها و سلطنت جهان گشا که در سایر مقالات و رساله های من، قلم به روانی رودخانه روان مسیر یاب بوده است در اینجا ذکری نمی کنم ولی خواننده محترم میتواند به وب سایت این مولف رجوع کرده و بخواند و تأمل کند ، لاهیجان یکی از این گوشه های ایران زمین با تمدن با شکوه است ، خیلی این شهرستان را با چای و برخی با برنج و تپه ماهورهای سرسبز آن در استان گیلان میشناسند شهری پر جمعیت و از قوم گیل گیلان که مردمش به زبان گیلکی باهم سخن میگویند ، این شهر تاریخی که دارالملک کل ایالت و پایتخت تاریخی بیه پیش بوده ، نقش برین والگویی در تاریخ و حکمرانی اسلامی ایران ایفا کرده است



نام لاهیجان در نقشه ادریسی (یا هررسی) به سال ۱۱۵۴ میلادی (۵۳۲ هجری شمسی)

لاهیجان بخاطر ابتکارات تاریخی خود ر درجاده ابریشم و مشارکت در مسیر جاده ابریشم یا ولایت داری های گسترده به شهر ابریشم ، **شهر شیعه جهان بوده** ، شهر بافندگان و دارالاماره معروف بوده است و در مقابل استیلای اعراب و خلفای بنی عباس بر ایران مسبب حکومت تاریخی صفویه در ایران گردید که مغول با استبداد و وحشی گری هایش ، در دستان خود چرخانده است ، امپراطوری مغول در آن زمان که بر سرزمین ها سیبری تا مرزهای ایران بزرگ و ایران و آسیای مرکزی و جنوب غربی را حکومت میکرد ، و در آن موقع قابل قیاس با امپراطوری شیطان بزرگ در اوضاع فعلی جهان بوده یک حکومت جهانی بود که در قرن هیجدهم از هم پاشید ، حکومت شیطان بزرگ هم که مثل مغول رفتار میکند در حال پاشیدگی است (آنچه باقی میماند حق است و باطل رفتنی است - مولف) ، این شهر از ابتدای قرن هشتم مرکز حکومت سادات مویدی و سپس سادات کیایی گردید و دوران با شکوه حکومت کیاییان را به یادگار گذاشت ، لاهیجان علاوه بر اینکه محل رفت و آمد فیسوفان نظیر د **آرتور شوپنهاور** بود محل دانشمندان اسلامی در

ایجاد تمهیدات در رهائی از خلفای بنی عباس و نجات دادن سرزمین های ایران از دست حکام محلی بوده و خود نیز از زمان اشکانیان دارای دژهای مستحکم و جنگجویان دلآوری در خطه مازندران داشته و در گیلان و حکومت دیلمیان دارای قلمروی بزرگ بوده و در مقام سروری، تولید؛ اقتصاد، کشاورزی، رفا و فراوانی زبان زد بوده و لاهیجان اولین عصر طلایی خود را قرن نهم به نمایش گذاشت.

دیگر دوره مهم در تاریخ شهرگیلان نقش ولی غیر مستقیم کیا هنگام ظهور سلسله صفوی است که ادعای داشتن تبار علی زین العابدین امام چهارم شیعه را می‌کرد. با این انضمام به امپراطوری و انتخاب رشت به عنوان مرکز فرمانداری ایالت مشروع بر لاهیجان بود. راه قزوین به دریای خزر از طریق رشت و سفیرود جایگزین مسیر قزوین لاهیجان با کاروانسراهای کوهستانی اش (توتکی و سرداب) و پل با شکوه انبوه آن بر رود شاهرود شد، **جزء قلمروی این امپراطوری بوده است، در واقع از هفت منطقه با نفوذ در ایران آن روز، یک منطقه مربوط به تاریخ گیلان پر نفوذ در ایران و در مقابل دشمنان و مداخله کنندگان صایت کرده و قوت های بازدارندگی تحسین انگیزی را بکار میبرده است** که برای ما میتواند الگو تلقی شود، این امپراطوری در پی تلاش خود در دارالاماره و آکادامی خود، شالوده امپراطوری صفویه را ایجاد کرد که بجای اسکناس کاغذی لیره و اشرفی از طلا و نقره در دستان مردم کشور تحت سلطه خود بود

این قوم روشن ضمیر بقول ما از تهدید فرصت میساخت، از قیام زیدیه در حکومت بنی امیه و قیام های بعدی در دوران بنی عباس، به جمع آوری شیعه 12 امامی، اخبار و روایات و منابع لازم گرد آورده و مذهب شیعی را از منطقه کاسپین از مازندان، گیلان تا قزوین فعلی و تا نزدیکی زنجان و الموت و غیره را به یک منطقه تاثیر گذار تبدیل نمود و دکتترین های قابل تاملی برای مخالفان تدوین نمود، بدین نحو دودمان **بوییان** که نواحی مرکزی و غربی ایران و فارس را از تصرف خلفا آزاد کردند در سده چهارم از لاهیجان برخاستند. این سلسله دیلمی در دوران فرمانروایی خود به بغداد لشکر کشیدند و خلیفه عباسی را شکست دادند

تاریخ لاهیجان در دوره بعد مبهم است؛ ولی احتمال دارد که جستانیان پس از این که مناطق مرتفع دیلم به دست مظفریان یا **سالاریان** یا **لنگریان طارم** افتاد از قدریشان در آنجا دفاع کردند و این "شاه جستانی دیلم" بود که در قزوین در برابر سلجوق **طغرل بیگ** در ۴۳۴ گردن فرو نهاد، پس از آن شاهد خاندانی با ریشه محلی به نام ناصروندان هستیم که از لاهیجان بر بیه پیش حکومت می‌کردند، در زمان هولگو ایلخان مغول، جمال الدین شلوک بن شلوک نصیروند در لاهیجان حکم می‌راند، چند دهه بعد در دوره الجایتو خاندان به دو شاخه شلوک بن سالار در کونم و نوپادشاه در لاهیجان تقسیم گردید. این آخری وقتی ایلخانیان به گیلان آمد در لاهیجان در ۷۰۶ تسلیم او شد و دختر یکی از فرماندهان مغول را گرفت و بر دیگر شاهزادگان گیلان سروری گرفت. رشید الدین ثروت و اعتبار نوپادشاه در این زمان شهادت می‌دهد که خود لاهیجان در حال رشد بود و حمدالله مستوفی لاهیجان و فومن را دو شهر بزرگ گیلان می‌نامد. در نزدیکی لاهیجان تولید ابریشم و بافندگی به‌طور فعالی انجام می‌شد و ذرت، برنج، پرتقال و دیگر میوه‌های شبه استوایی کشت می‌شد.



مقبره شیخ زاهد گیلانی، پدر همسر و استاد شیخ صفی الدین اردبیلی نیای بزرگ دودمان صفویان در لاهیجان

حمدالله مستوفی درباره لاهیجان نوشته است: "از اقلیم چهارم است. طولش از جزایر خالادات فدک و عرض از خط استوا لح شهری بزرگ است و دارالملک جیلانات آیش از جبال برمی‌خیزد و حاصلش برنج و ابریشم و اندک غله می‌باشد و نارنج و ترنج و میوه‌های گرمسیری فراوان است. لاهیجان در زمان اولجایتو ضرابخانه داشته که سکه ضرب می‌کرده، نمونه‌هایی از سکه‌های دوران ابو سعید بهادرخان اولجایتو، فتحعلیشاه قاجار و شاه طهماسب صفوی مشاهده شده که در لاهیجان ضرب شده‌اند. که ارزش هر تومان آن در قیاس در زمان حکومت آمریکا معادل 3.5 دلار آمریکا بود که تا اول قاجاریه، محمد شاه قاجار به همین ارزش باقی ماند، مسجد چهار پادشاهان در لاهیجان بقعه چهار تن از شاهان کیایی بیه پیش است. به همین ترتیب میرزا علی بن سلطان محمد کیا (حکومت ۸۸۳-۹۱۱) در اوج قدرتش قزوین، تارم، سلطانیه، ساوه، زنجان، فیروزکوه، تهران، ری و ورامین را زیر سلطه داشت.

از آخر قرن نهم اطلاعات تاریخ‌نگاران محلی شمال ایران چون ظهیرالدین مرعشی با تاریخهای صفوی کامل می‌شود، علاقه آخری به دلیل نقش مهم ایفا شده توسط میرزا علی کیا در پناه دادن به اسماعیل بن حیدر صفوی جوان متمرکز است (اولین پادشاه صفوی - مولف). اسماعیل از ۱۴۹۳ تا ۱۴۹۹ در کوه‌های لاهیجان تحت تربیت صوفیان به دور از کودکان، زنان و با سوگند شهادت می‌زیست. به دلیل قرارگرفتن بقعه شیخ ابراهیم زاهد، پیر و مرشد شیخ صفی الدین صفوی در روستای شیخانبر در راه لاهیجان-لنگرود، خاندان سلطنتی آینده ایران یعنی صفویه از قبل پیوندهای نزدیک با منطقه لاهیجان داشت. زمانی که اسماعیل از آق قویونلوها فرار می‌کرد میرزا علی از او پذیرایی کرد و دانشور لاهیجانی شمس الدین لاهیجی را برای استادی برای آموزش او گماشت. او در ۹۰۵ که ۱۱ سال بیشتر نداشت لاهیجان را برای به دست گرفتن قدرت ترک کرد و نهایتاً بر آق قویونلوها پیروز شد و آذربایجان را فتح کرد. در طی قرن دهم بیه پیش و کارکیاها از ۹۰۹ تا انضمام نهایی منطقه به

امپراطوری صفوی در ۱۰۰۰ خراجگزار آن‌ها شدند. در ابتدا، یک حاکم قزلباش برای نظارت بر کارکیانیان گماشته شد و سپس در سالهای میانی قرن، امرای سلطنتی از جمله برادر و دو پسر شاه تهماسب اول به عنوان فرماندار عمل می‌کردند. کارکیا سید احمد بن علی (حکومت: ۹۴۳-۹۷۵ و ۹۸۵-۱۰۰۰) **به دستور شاه تهماسب مذهب اثنی عشری را جایگزین زیدیه کرد.**

صفویان دودمانی ایرانی و شیعه بودند که در سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۱۴ (خورشیدی) برابر ۱۱۴۸-۹۰۷ قمری و ۱۷۳۶-۱۵۰۱ میلادی **به مدت ۲۳۵ سال بر ایران فرمانروایی کردند.** شاهنشاهی صفوی را شاه اسماعیل یکم که در سال ۸۸۰ خورشیدی در تبریز تاجگذاری کرد، بنیان گذاشت و آخرین شاه صفوی، شاه سلطان حسین بود که در سال ۱۱۰۱ خورشیدی از غلزایی‌ها شکست خورد و بعداً نادرشاه افشار در سال ۱۱۱۴ خورشیدی سلسله صفویان را برانداخت، **دوره صفوی از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران به‌شمار می‌آید، زیرا با گذشت ۹۰۰ سال پس از نابودی شاهنشاهی ساسانیان؛ یک پادشاهی متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی نماید.** این دوره یکی از سه مرحله دوران طلایی اسلام و دوره اوج تمدن اسلامی است و یکی از امپراتوری‌های باروت به‌شمار می‌رود، این پادشاهی توسط شاه اسماعیل یکم بنیان‌گذاری شد (که در لاهیجان تعلیم دیده بود- مولف) و در نهایت با سقوط شاه سلطان حسین در اصفهان در سال ۱۷۲۲ میلادی فروپاشید. البته احترام صفویان در میان مردم حتی پس از سلطان حسین نیز پابرجا ماند و حکمرانان بعدی ایران با انتساب خود به نوادگان صفوی مشروعیت‌سازی می‌کردند. آخرین پادشاه صفوی، شاه اسماعیل سوم (نوهی دختری سلطان حسین) بود که در ۱۷۵۰ میلادی توسط کریم‌خان زند در اصفهان به شاهی برگزیده شد و تا ۱۷۷۳ میلادی شاه صوری ایران محسوب می‌شد و از احترام برخوردار بود. بر همین اساس کریم‌خان زند خود را "وکیل الرعایا" می‌نامید.

صفویان، آیین شیعه را مذهب رسمی ایران قرار دادند. روش فرمانروایی صفوی تمرکزگرا و نیروی مطلقه (در دست شاه) بود. پس از ساختن پادشاهی صفویه، ایران اهمیتی بیشتر پیدا کرده و از ثبات و یکپارچگی برخوردار گردیده و در زمینه جهانی نام‌آور شد. در این دوره روابط ایران و کشورهای اروپایی به دلیل دشمنی امپراتوری عثمانی با صفویان و نیز جریان‌های بازرگانی، (به ویژه داد و ستد ابریشم از ایران) گسترش فراوانی یافت. در دوره صفوی (به ویژه نیمه نخست آن)، جنگ‌های بسیاری میان ایران با امپراتوری عثمانی در غرب و با ازبک‌ها در شرق کشور رخ داد که علت این جنگ‌ها جریان‌های زمینی و دینی بود. ایران در دوره صفوی در زمینه مسائل نظامی، فقه شیعه و هنر (معماری، خوشنویسی، و نقاشی (پیشرفت شایانی نمود).

این مولف می‌گوید در زمانی که طرح بزرگی مثل شهر سلامت جهان، شهر گردش‌گری، پروژه بزرگ سیلیکون ولی و... در طرح و برنامه شرکت کارآفرینی داشتیم، فرماندار لاهیجان مرا دعوت کرد که طرح بزرگ شهر شیعه جهان را درست گرفته و برنامه توسعه استراتژیک آنرا تدوین نمایم، این دعوت در دوره دولت آقای احمدی نژاد بود که چپاول‌گری شدت شده و بعد در دولت روحانی به اوج خود رسید که مجالی برای من و امثال من نبود و فقط تلاشم این بود که در تله‌های عمیق این چپاول‌گران نیافتم و غرق

نشوم ، تمام کارهایم را تعطیل و منحل نمودم و مشغول کشف الغطای در کشور ایران شدم و دردیوان خود (محمودیه) شعر زیر را گفتم :

حقیقت و زیبایی ، نفرت و زشتی (Truth and beauty, hate and ugliness)

حق در نظر بندگان چه زیباست	چو خرمن گل به باغ میناست
چو سرو بلند ناز شیراز	درباغ ارم ، به قامتی راست
حق و حقوق مردمان چه زیباست	حق همیشه هست ، روایتی راست
شاید یک نفر از فقر کند فسادی	لیک باید عدلی باشد بی کم و کاست
آنکه که برد آشترا و بارش	در کاخ بلند و صاحب آنچه از ماست
لطف نیکو سخن راست گویان	این مایه خشنودی دل ماست
معیار حوادث هست حق و ناحق	هر واقعه چنین زشت و زیباست
ناحق در جهان نکند جز جفا کاری	افشای جفاکاری، کتاب فرداست
امروز در دام ناصحان گرفتار	گویند این زشتی زماست که برماست
چه کنم که شدم اسیر حبس دوران	اصحاب دروغ ، معشوق دلهاست
من باید چه کنم ، این اسیر دنیا	اصحاب یمین کجا و اندام خسته ما

بنشینم و نگارم حق و حقیقت زمانه

یا از اجحاف و حرمان زشت زمانه

مرا زیبا سخنی گفت یارم	آنان که کم کند از این نغارم
محمود مگر تودر بند خویشی	باید فریاد بلند باشد، جمله کارم
آنجا که کتاب آزادی نوشتند	از فرق سیاه و سفید بی قرارم
هر روز اخبار جهان کنم تماشا	از قتل و غارت ، مُرده ها شمارم
گفتا مگر به اختیار خویشی	تا چشم حقیقت بر هم گذارم
عقل و حقیقت است که حق است	هرگز یا برحق کسی نمیگذارم
عقل و حقیقت است که اصل است	هرکس باید حسب لیاقتش گمارم
عقل و حقیقت که ذات عدل است	جانرا بهر حقیقت طلبان سپارم
عقل و حقیقت است که حق جو	هر شب بر سوخته دلان بنالم

گر فریاد کند ز ظلم، مظلوم
گر وعده دهند، هی کماکان
تو جبر روزگار مگر ندانی
من هرگز نشوم یار زشت خویان

بر احقاق حق او، بسی نگارم
با تدبیر قلم، حاجت مردمان نگارم
آیدش به فردا از آنچه می نگارم
دایم با معیار حق طلبان، قلم فسایم
بنشینم و نگارم حق و حقیقت زمانه
یا از اجحاف و حرمان زشت زمانه

زشت و زیبا باشد حقیقت ما
اینست سخن لطیف شیطان
زیبایی کی بود منظر زشت خویان
بلبل از رقص گلان نغمه سراید
شاعر دلسوز بنالید از این درد
آنجا که مظلوم میزند فریاد خروشان
این مجمع خاصان و حسرت دل مردم
من حیران از این امر، همه عمر
مغرور زمان بود و با ناز همی گفت

کدامین سود دهد به شهرت ما؟
با نغمه دلنواز برد، هوش سر ما
این منظر نبیند هرگز چشم سر ما
این نغمه بیداری ما، در سحر ما
این همه مدح کنندگان، در سفر ما
کی حقیقت شنود این گوش گر ما
هرگز نبیند خاص، این چشم تر ما
کی خبر گیرد از ما، آن با خبر ما
ای محمود دست بردار تو از سر ما

بنشینم و نگارم حق و حقیقت زمانه
یا از اجحاف و حرمان زشت زمانه

افسوس که روزگار غمگساران
این سنگ صبور داده از دست
این موی سیاه بوده در سر
آخر شده چه حاصل در این دهر
سخت است تمیز زشت و زیبا
جمعی خواب هستند و ما بیدار
محمود برو کتاب توبه بردار
مصلحت کدامست این دو روزه عمر

برگشت و تازه گشت قصه کناران
در بیداری شب، نور چشمان
زودا سپید گشته مثل زلف یاران
گویا با هم فرقی نکند هیچ روزگاران
سهل است به سخن، تمیز فیل و فنجان
کرده ما را ماده شب سیه، پریشان
که چنین است، رسم روزگاران
گوشه ای نشینم، رها ز پند یاران

بنشینم و نگارم حق و حقیقت زمانه

9. "دیالمه" به اینجا تغییر مسیر دارد. برای دیگر کاربردها، دیالمه (دیلمیان طوایفی کوه‌نشین بودند که جغرافی‌دانان عرب قرن دهم میلادی آن‌ها را همان ساکنان دیلم) ارتفاعات گیلان) می‌دانستند. گرچه می‌توان توزیع گسترده‌تری تا جنوب ارمنستان و قفقاز هم می‌توان نتیجه گرفت. زیاریان و آل بویه، دو خاندان دیلمی از نواحی کوهستانی گیلان بودند که توانستند در بخش بزرگی از ایران حکومت کنند. در واقع، بعد از حکومت نیمه مستقل طاهریان و پس از صفاریان و در ایام امارت امیری سامانی در ماوراءالنهر، این حکومت‌های محلی توانستند بر قسمت عمده ایران غربی، یعنی از خراسان تا بغداد تسلط یابند. حکومت این طوایف به دو نام مشخص و دو دوره پی در پی در تاریخ شهرت یافته با نام: زیاریان، آل زیار، بوییان و آل بویه. قدیمی‌ترین اشاره به دیلمی‌ها به قرن دوم پیش از میلاد در کتاب «تاریخ جهانی» نوشته پولیبیوس برمی‌گردد، منشأ نخستین دیلمی‌ها به‌طور یقین نامعلوم است و احتمالاً مربوط به دوره پیش از ظهور نژاد ایرانی است. به قول برخی مأخذ دیلمی‌ها هرگز در فرمان شاهان ایران نبودند بلکه به عنوان سرباز با اجرت خدمت می‌کردند.

پروسوپيوس، از یک دیدگاه غربی، در دولومیتای در محاصره آکروپولیس در منطقه مورد مناقشه لازیکا در دوره حکومت خسروی اول (حدود ۵۵۲) گزارش کرده است: آن‌ها متحدین مستقل پارسیان بودند، در کوه‌های غیرقابل دسترسی در قلب ایران می‌زیستند (یعنی مادیه و) مانند یک پیاده نظام می‌جنگیدند، هرکدام با شمشیر، سپر، و سه زوبین مسلح بودند و به جنگ در مناطق کوهستانی آشنا بودند. در حین لشکرکشی‌های خسرو انوشیروان مکرر از دیلمی‌ها ذکر شده است؛ از جمله در حدود ۵۷۰ میلادی که انوشیروان به یمن لشکر فرستاد عده بسیاری از مردم دیلم در لشکر او بودند. فرمانده آنان هم پیرمردی بود به نام وهرز دیلمی یا "وهریز دیلمی" در عهد باستان دیلمیان قبایلی کوه نشین بودند که معمولاً جغرافی‌دانان عرب قرن دهم آنان را ساکنان دیلم، ارتفاعات گیلان می‌دانند. توزیعی به طرز قابل توجهی وسیعتر تا جنوب ارمنستان و قفقاز هم به هر روی قابل نتیجه‌گیری است.

در سده‌های نخستین اسلامی دیلمیان مناطق کوهستانی جنوب و جنوب شرقی گیلان) همان مناطقی که امروزه بیشتر به نام‌های رودبار، دیلمانات، اشکورات، الموت و طالقان می‌شناسند) زندگی می‌کردند که این نواحی در واقع همان بخش بیه پیش گیلان می‌باشد که شامل کلیه مناطق جلگه‌ای و کوهستانی حفاصل دره سفیدرود و دره چالوس به مرکزیت اولیه رودبار و بعدها لاهیجان شناخته می‌شد و امروزه شهر دیلمان از شهرستان سیاهکل پرچم و نماد سرزمین دیلمیان می‌باشد. ریشه اصلی آن‌ها هر چه بوده باشد، در آن زمان آن‌ها و همسایگان گیل‌شان عموماً ارتباط نزدیکی با هم داشتند و اغلب با هم ذکر

می‌شدند. ادعا شده بود که این دو مردم از دو برادر، دیلم و گیل، از قبیله عرب بنو ذبه ریشه گرفته‌اند؛ به نظر می‌رسد این افسانه ریشه‌های عرب دیلمیان به هنگام گسترش اولیه اسلام شناخته شده بوده‌است. دیلمیان مطمئناً به هنگام فتح یمن توسط ایرانیان در حدود ۵۷۰، میان اعراب شناخته شده بوده‌اند و طی روزهای نخستین اسلام فیروز و گشنسب (جشنس) دیلمی نقشی کلیدی میان ابنای ایرانی حامی دین جدید در یمن داشته‌اند. خانواده فیروز دیلمی به سوریه و فلسطین مهاجرت کردند جایی که بسیاری از نوادگان شان به مسلمین شناخته شده‌ای تبدیل شدند. در پایان عهد ساسانیان و هم زمان با آغاز ورش و هجوم عرب دسته‌های دیلم در داخل ولایات مرکزی ایران تاخت و تاز می‌کرده‌اند و به غارت و راهزنی می‌پرداخته‌اند. به دلیل وجود حصار البرز آن‌ها همچون مردم طبرستان سال‌ها در مقابل لشکریان اعراب مسلمان مقاومت می‌کردند و مدت‌ها پس از انقراض سلسله ساسانی همچنان به آیین قدیم خود باقی‌ماندند و با آنکه مسلمانان چندین بار به آنجا لشکر کشیدند نتوانستند تمام آن را تسخیر کنند و به همین جهت دیلم پناهگاه امنی برای سرکشان و مخالفین خلفای عباسی گردید

تقریباً نخستین مسلمانانی که از حدود سده دوم هجری به بعد وارد این سرزمین شدند و توانستند در آن جا اقامت گزینند، علویان بودند که به علت مخالفت یا مبارزه با حکام عباسی به آن سرزمین روی آوردند. به این ترتیب، پذیرش اسلام دیلمیان با مذهب تشیع آغاز شد و از میان فرقه‌های شیعه، مذهب زیدیه، نخستین و پرطرفدارترین آن‌ها بود. البته، مذهب اسماعیلیه با تبلیغات و فعالیت ابوحاتم رازی در دیلم، پیروانی پیدا کرد؛ و این مذهب در میان مردم دیلم همچنان پیروانی داشت. در زمان سلجوقیان نیز با استقرار حسن صباح در الموت، این مذهب رونق بسیاری در منطقه دیلم پیدا کرد. مذهب امامیه از طریق فرزندان ناصر کبیر وارد آن منطقه شد و طرفداران بسیاری یافت. سرزمین‌های طبرستان و دیلم که در قسمت شمالی البرز و در پناه کوه‌ها و دره‌های سخت‌گذر و جنگلهای انبوه قرار دارد، از قدیم‌الایام (حتی پیش از اسلام) حاکمیت خود را حفظ کرده بود، چنان‌که زمان انوشیروان (خسرو اول ۵۷۹ - ۵۳۱ م) تا مدت‌ها این ولایت یک نوع حکومت خود مختار داشت. بعد از فتوحات مسلمانان در اکناف ایران) با اینکه تا اقصی نقاط خراسان تحت نفوذ اعراب مسلمان درآمد) باز هم طبرستان و دیلمستان از حملات آنان محفوظ ماند. خاندانهای قدیم آن ولایت، مانند اسپهبدان و قارنیان و خانواده جستان (حدود رودبار و منجیل) همچنان به آداب و رسوم خود زندگی می‌کردند. همچنین، بسیاری مذهب خود را نیز حفظ کردند، تا روزگاری که گروه‌های از اعراب طرفدار خاندان علی و شیعیان زیدیه به آن نواحی پناه بردند و مورد حمایت همان خانواده‌ها قرار گرفتند. چنان‌که وقتی «داعی کبیر» حسن بن زید در آن نواحی سکنی گزید، جمعی کثیر از مردم طبرستان و گیلان به طرفداری او برخاستند. همچنین در جنگ‌هایی که میان او و یعقوب لیث صفاری رخ داد، مردم گیلان از او حمایت بی‌دریغ نمودند. آل زیار از نواحی کوهستانی جنوب شرقی گیلان (که امروزه بیشتر اشکورات می خوانندش) بودند که در برهه‌ای بر بخش عظیمی از ایران حاکمیت داشتند ولی حاکمیت آن‌ها بر مناطق شمالی ایران از گرگان تا آستارا بسیار بیشتر بود. بعدها ارتفاعات دیلم کمابیش تحت سلطه سلسله کارکیانیان گیلان شرقی) بیه پیش (که مرکزشان در لاهیجان بود قرار گرفت. در ۸۱۹ هجری قمری سیدرضی لاهیجانی دیلمیان را به کنار سفیدرود دعوت کرد و ۲ تا ۳ هزارتن از ایشان را با سرکردگانشان بقتل رسانید، دیلمیان تیره‌ای ایرانی و ساکن دیلمستان بوده‌اند که تا قرن هشتم

هم وجود داشته و از تیره گیل جدا بوده است. در قرن مذکور سادات کیایی گروه بسیاری از آنان را کشتند، ظاهراً آنچه بازماندند با مردم گیل در هم آمیختند و گیلکان امروزی فرزندان و بازماندگان هر دو تیره اند.

سلسله نهضت‌های شیعه، عقبه تاریخی انقلاب اسلامی

10. نخستین حکومت شیعیان در طول تاریخ اسلام، حکومت امیرالمؤمنین (ع) است که بهرغم مدت کوتاه حدود چهارساله، بسیاری از تفکرات سیاسی و سیره حکومتی شیعیان را شکل‌دهی کرد، حمیدرضا محسنی سرویس اندیشه جوان آنلاین می‌گوید: بر خلاف آنچه برخی می‌گویند شیعیان را تا پیش از ظهور دولت صفوی خارج از فرآیندهای سیاسی معرفی نمایند و حتی شیعه را برساخته ایدئولوژی صفویان و دستمایه آنان برای اعمال قدرت سیاسی در مقابل حکومت‌های اهل سنت بدانند، بررسی تاریخ نشان می‌دهد شکل‌گیری حکومت صفویه و رسمی شدن تشیع در ایران به عنوان مذهب رسمی، زمینه‌ای از سلسله حرکات و نهضت‌های سیاسی شیعه در طول تاریخ اسلام دارد که از صدر اسلام شروع شده است. نخستین حکومت شیعیان در طول تاریخ اسلام، حکومت علوی امیرالمؤمنین (ع) است که بهرغم مدت کوتاه حدود چهارساله، بسیاری از تفکرات سیاسی و سیره حکومتی در تفکر شیعیان را شکل‌دهی کرد. گرچه این الگوی جاودانه دیری نپایید و پس از شهادت ایشان، توسط امویان مورد غصب قرار گرفت. نحوه مقابله و مواجهه امام حسن (ع) با حکومت غاصب و قیام اباعبدالله (ع) نیز تفکر سیاسی شیعیان را ارتقا بخشید.

در روزگار حکومت صدساله امویان که خود را میراث بر اقتدار پیامبر اکرم (ص) می‌دانستند، پس از رویداد عاشورا در دو گروه عمده در برابر امویان فعالیت کردند. گروه اول بر استراتژی دفاع تأکید کردند، مبارزه را بیشتر در ساختاری فرهنگی و عقیدتی پیش بردند و به لحاظ سیاسی کوشیدند پایه‌های مشروعیت اقتدار سیاسی امویان را بی‌آن‌که مستقیماً با دشمن درگیر شوند فروریزند. اما گروه دوم آشکارا به مبارزه پرداختند و با قیام‌های پی‌درپی مبارزه‌ای خونین و مسلحانه را در برابر اقتدار سنت مدار اموی پیگیری کردند. نماینده گروه نخست شیعیانی بودند که به «قطعیه» یا «امامیه» مشهور شدند و رهبری آن را امامان از نسل امام حسین (ع) بر عهده داشتند. گروه دوم در شکل قیام‌های مختلف کیسانیه و زیدیه سازمان یافتند که اولی به محمدبن حنفیه، فرزند غیرفاطمی علی (ع) باور داشتند و از این رو جایگاهی مانند جریان‌های دیگر شیعه نداشتند. قیام توابعین، قیام مختار و قیام مردم مدینه نخستین قیام‌های شیعه بودند که با رهبری غیر از امام معصوم به پیش رفتند و حتی در خصوص حکومت مختار، توانست برای چندین سال به یک حکومت شیعی دست یابد که در هدف اصلی تشکیل حکومت (قصاص قاتلین امام (ع)) موفق باشد. گروه دوم به عنوان شاخص‌ترین گرایش در قرن دوم و سوم هجری فعالیت داشت و به مبارزه با اقتدار سیاسی حاکمان اموی پرداخت.

زیدبن علی نخستین فرزند امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (س) بود که بعد از واقعه کربلا علیه امویان قیام کرد. با اینکه قیام زید شکست خورد، دیدگاه عقیدتی و تدبیرهای او هنگام مبارزه، کم‌کم به عنوان باورهای فرقه‌ای جدید از شیعه پابرجای گردید. قیام یحیی بن زید و عبدالله بن معاویه نیز از جمله قیام‌های

پس از زید بودند که به تاسی از قیام زیدبن علی نهضتی در راستای تعمیم عقاید سیاسی شیعه محسوب می‌شود. **نهضت‌های شیعه در دوران بنی‌عباس** فرآیندهای حکومتی مفسده‌آمیز در دوران حکومت عباسیان، خصوصاً اینکه این سلسله با سوءاستفاده از نام خاندان پیامبر (ص) و شعار «الرضا من آل محمد» روی کار آمد؛ سبب شد نهضت‌های شیعه در این عصر همچنان فعال بماند. بسیاری از این نهضت‌ها موجب آشنایی بیشتر مردم ساکن کشورهای اسلامی با ایدئولوژی و مکتب مذهبی- سیاسی تشیع گردید به گونه‌ای که در طول قرن چهار هجری، جمعیت فراوانی از شیعیان در عرصه حکومت اسلامی زندگی می‌کردند؛ این در حالی بود که عباسیان و امویان در این قرون، تحت لوای اسلام و با پرچم آن اقدام به کشورگشایی‌هایی با روش‌های غیراسلامی و اهداف غیرالهی می‌کردند و همین نوع مواجهه حکومت با مردم و شیوه تبلیغ دین از تریبون‌های رسمی، مردمان مسلمان را با نسخه‌ای غیراصل نسبت به اسلام ناب آشنا می‌کرد. در چنین کورانی، نهضت‌های انقلابی شیعه در جهان روح انقلاب و اسلام ناب را زنده نگه داشته و با وجود مقابله سنگین دستگاه خلافت توانستند در قرون سوم تا چهارم و بعد از آن، نتایج مهمی را نیز از بعد سیاسی به دست آورده و با شکل‌گیری برخی حکومت‌ها و دولت‌های انقلابی در نقاطی از جهان، بارقه‌های امیدی از ساختارمند کردن یک حکومت شیعه را در میان دلبستگان اسلام ناب و خستگان از ظلم و طغیان خلفای ستم پیشه پدید آوردند. **شیعیان در مسیر دولت‌سازی** از جمله نخستین نهضت‌های شیعه در این عصر، نهضت علویان طبرستان بود که از قرن سوم نهضتی سیاسی به پا کرد و به صورت مستقل از دستگاه خلافت عباسی، به حکمرانی پرداخت. متأثر از حکومت علویان طی قرن سوم و چهارم هجری، حکومت‌های شیعه در اقصی نقاط خطه اسلامی نضج یافتند و با برپایی نهضت‌هایی به نقش‌آفرینی سیاسی پرداختند، به طوری که پس از تشکیل اولین دولت شیعی، یعنی علویان طبرستان، دولت‌های بزرگ شیعی دیگری همچون آل بویه، فاطمیان و آل حمدان در قرن چهارم هجری شکل گرفت. این دولت‌ها در گسترش تعالیم شیعه امامیه، اسماعیلیه و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی، به خصوص آشکار کردن مظاهر شیعه در ایران، عراق و شمال آفریقا نقش غیرقابل انکاری ایفا کردند. در عین حال، این دولت‌ها با اینکه معاصر دولت عباسی بودند در اوج ضعف خود بودند و هرگز نتوانستند امپراطوری بزرگ شیعی را به وجود آورند و همواره برای گسترش قلمرو خود با یکدیگر در رقابت و نزاع بودند. آل بویه که از میانه قرن سوم تا چهارم در بخش‌هایی از ایران و عراق امروزی حکومت می‌کردند، متأثر از حضور علویان در خطه طبرستان به مذهب شیعه گرویده بودند و فرهنگ اسلام و تعالیم ائمه اهل بیت - علیهم‌السلام - را زیر بنای حکومت خویش قرار دادند و با وجود اینکه شیعی مذهب بودند درباره پیروان مذاهب دیگر و علمای آنان، رفتاری نیکو و بردبارانه داشتند و از تکریم و انعام آنان فرو گذار نبودند. این ویژگی تنها منحصر به «آل بویه» نبود و سایر دولت‌های شیعی در طول تاریخ تشیع از آن برخوردار بودند.

در قرن چهارم و پنجم که شیعیان توانسته بودند سر کار آیند، تمدن اسلامی دوران اوج خود را از حیث علمی تجربه می‌کرد و آزادی فکر و عقیده در پرتو این دولت‌ها توانست شکوفایی مسلمانان را در عصری طلایی قرار دهد. آرمانی بودن این دولت‌ها با انگیزه‌های والای مؤسسان آن بزرگ‌ترین عامل این ترقی و تمدن بوده است و به فساد آلوده شدن گام به گام و دور شدن از آرمان‌های اسلامی خود، عامل تباهی

و اضمحلال این دولت‌ها گردید. با فروپاشی دولت‌های انقلابی، در نتیجه اختلاف میان رهبران و آلوده شدن کارگزاران به فساد قدرت و دوری از آرمان‌های انقلابی و اصیل، جهان اسلام در قرن ششم و هفتم هجری، شاهد سقوط دولت عباسی و تجزیه قدرت سیاسی و شکل‌گیری دولت‌های کوچک و کشمکش‌ها، برادرکشی‌ها و رقابت‌های ابلهانه بر سر تصاحب قدرت بود. **هجوم به شرق و غرب ممالک اسلامی و تدبیر شیعیان**

در اواخر قرن پنجم هجری مقارن با آغاز «جنگ‌های صلیبی» در حالی تنازعی میان تمدنی شکل گرفته و جهان اسلام را تهدید کرد که در مرکز خلافت اسلامی، اندیشه‌ای جز خوشگذرانی حاکم نبود. از سوی دیگر حمله مغول به شرق ممالک اسلامی بیش از پیش حکومت خلافتی را تضعیف نمود و تا مرز فروپاشی فرو برد. در چنین وضعیتی حضور اندیشمندان شیعه و نقش‌آفرینی آنان در حکومت تا حدی از تبعات سوء این حمله‌ها جلوگیری نمود و حتی مغول‌های پیروزمند را در برابر اسلام خاضع گرداند و دل‌های آنان را به روی اسلام گشاد و آن‌ها را پیروز ساخت. اگر «هلاکو خان» پس از قتل عام ۹۰۰ هزار نفر بی‌گناه از اهالی بغداد قبل از بازگشت از بغداد دستور می‌دهد مسجد خلیفه و ضریح و مرقد حضرت کاظم را تجدید بنا کنند به خاطر حرکت شجاعانه و بازدارنده‌ای بود که «موید الدین ابن علقمه» و «خواجه نصیرالدین الطوسی» - دو شخصیت ممتاز شیعی - افتخار آن را از آن خود کردند. نفوذ عالم شیعه‌ای همچون علامه حلی و فرزندش در دربار سلطان الجایتو یا «سلطان محمد خدابنده» باعث تشیع او و ترویج و رشد آن مذهب حق در پهنه تحت کنترل این قوم شد. در چنین عصری حکومت خلفای بنی عباس به دست مغول‌ها به اتمام رسید. در قرون بعدی نیز گرچه سلسله‌های سنی مذهب نظیر سلجوقیان، غزنویان و خوارزمشاهیان توانستند خود را بر ایران حاکم کنند، اما در برخی خطه‌ها هنوز شیعیان حکومت‌های محلی داشتند. به طور مثال «اسماعیلیان» که فرقه‌ای شیعه محسوب می‌شدند، در اواخر قرن پنجم در ایران در استقلال کامل می‌زیستند. سادات مرعشی در «مازندران» و «قزوین» از نیمه قرن هشتم تا پس از قرن نهم سلطنت کردند. یا مثلاً «آق قویونلوها» در «تبریز» حکومت کرده و در برهه‌ای قلمرو آنان تا «فارس» و «کرمان» هم کشیده شد. به طور کلی، شیعه در این پنج قرن، از لحاظ رشد جمعیت در افزایش و از لحاظ قدرت و آزادی مذهبی تابع حکومت و قدرت سلاطین وقت بود. در این برهه در هیچ یک از مناطق اسلامی، شیعه، مذهب رسمی اعلام نشد.

در قرون مختلف تاریخ تشیع چهره انقلابی پیروان اهل بیت (ع) و گسترش آن را نباید فقط در میدان‌های قیام جست‌وجو کرد، بلکه این چهره را می‌توان در قالب انقلاب فرهنگی در شکل آرام تبلیغ نیز مشاهده کرد. «ادریس بن حسن مثنی» کشور «مغرب» را با تبلیغ فتح نمود، همچنین «اندونزی» و شرق دور جهان اسلام با تبلیغ گشوده شد و در قرن پنجم هجری انبوهی از مردم «هند» توسط دو نفر شیعی، مسلمان شدند. قرن‌های هشتم و نهم نیز شمال و شرق ایران شاهد به قدرت رسیدن دولت‌های انقلابی سربداران در «خراسان» و جنبش ضد منکرات در «هرات» و نهضت «حروفیه» در برابر تیموریان بود. ملات مکرر حکومت عثمانی‌ها به ایران که اکنون پس از از بین رفتن دستگاه خلافت بنی‌عباس، به عنوان محوریت حکومتی عامه، در درون ایران مقاومتی شکل داد که یکی از نتیجه‌های این نهضت، عرض اندام

«قرلباش»ها بود که مقدمه‌ای برای به قدرت رسیدن صفویان و قدرت‌بخشی به فرزندان «شیخ صفی‌الدین اردبیلی» و مقابل با عثمانی با بهره‌گیری از تجارب سیاسی حکومت‌های محلی شیعه علیه دستگاه حکومت خلفا بود. حکومت شیعه در اوج حکومت شیعه مذهب صفوی با استفاده و ادعای روح فتوت و شهامت و بهره‌گیری از مایه‌های انقلابی تشیع که در عمق وجدان جامعه ایرانی ریشه دوانده بود. به منظور استقلال ایران و تحقق بخشیدن به آرمان‌های اسلامی و دیدگاه‌های سیاسی تشیع با انفجاری از مجموعه نفرت‌های انباشته نسبت به حکومت‌های ستمگر که روی هم انباشته شده بود، نظام سیاسی شیعی خود را بر اعماق روح و وجدان اندیشه توده‌ها بنا کردند و تشیع در قالب نظام سیاسی مقتدری توانست در مقابل جبهه نیرومند اکثریت عظیم تسنن و امپراطوری عثمانی، با صلابت، استقلال خود را حفظ نماید. در ابتدای قرن دهم هجری، مذهب شیعه در قالب یک حکومت مقتدر (صفویه) توسط شاه اسماعیل ارائه و در سراسر ایران جریان یافت. حکومت صفویان یک بار دیگر فضای فرهنگی و شکوفایی قرون سوم تا پنجم هجری و استقرار حکومت‌های شیعه در ایران را به نمایش گذاشت. گرچه پایه نهضت صفوی مبتنی بر ایدئولوژی و انگیزه‌های دینی نبوده است، اما علمای تشیع از فضای به دست آمده در این حکومت بیشترین بهره را بردند و به گسترش مفاهیم شیعه و این بار در قالب فقه اجتماعی و طرح مباحثی که تا پیش از آن نظریه‌پردازی چندانی در آن خصوص صورت نگرفته بود پرداختند. متأسفانه اقتدار حکومت شیعه صفوی از زمان شاه صفی رو به افول نهاد و شاه سلطان حسین به حدود دو قرن حکومت صفویان پایان داد.

با افول صفویه و استقرار حکومت قاجار، گرچه حکومت‌ها شیعه باقی ماندند، اما دیگر عملاً بویی از دین و مذهب در انگیزه یا عملکرد سیاسی حکومت نمی‌شد یافت. علمای تشیع نیز از حکومت فاصله گرفته و به مخالفان تبدیل شدند و انگیزه قیام علیه ظلم قاجار در گروهی از دینداران شدت یافت. نمونه‌های این مواجهات را می‌شد در مبارزات ضداستبدادی نهضت مشروطه‌خواهی مشاهده کرد. همین رویکرد در دوران پهلوی نیز ادامه یافت و شکل‌گیری نهضتی شیعی برای مقابله با حاکمان مستبدی که با نام تشیع در حال ستم به مردم هستند، تبدیل به مطالبه‌ای عمومی گردید. نهایتاً در آغاز قرن پانزدهم هجری و بعد از مبارزه طولانی و مردمی با استبداد داخلی و استعمار فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خارجی، یک حکومت اسلامی از شاخص‌های غیرشیعی و بر اساس نظریه مترقی «ولایت فقیه» جامع الشرایط - با عبرت‌گیری از نقاط ضعف انقلاب‌ها و نهضت‌های گذشته در مبارزه با استبداد و استعمار - در ایران شیعه‌نشین به وجود آمد و آثار و برکات معنوی و مادی این انقلاب به شرق و غرب جهان اسلام گسترش پیدا کرد. نهضت انقلاب اسلامی، جهان را به عصری جدید وارد نمود و تا جایی موازنه قدرت در جهان را به هم ریخت که امروزه مشاهده می‌شود تمام ابرقدرت‌ها نیز برای مبارزه با مذهب شیعه اثنی عشری و خصوصاً اندیشه مقاومت و شهادت‌طلبی آن بسیج شده‌اند و در سوی دیگر، مبانی و نظرات شیعه به سرعت در تمام جهان اسلام و در شرق و غرب جهان رو به گسترش است.

جمع‌بندی

قیام‌ها و نهضت‌های منتسب به شیعه از همان ابتدای انحراف در موضوع رهبری اسلامی، پس از وفات پیامبر (ص) شکل گرفت و تلاش انقلابی خود را آغاز نمود و با حرکتی بی‌امان در مرکز جهان اسلام و

سایر مراکز کلیدی و در سراسر دوران ائمه (ع) و با راهنمایی آن بزرگواران، پرچم مبارزه را علیه طاغوت و طاغوتیان برداشته و یک سلسله متصل و پیوسته از نهضت‌ها را تا دوران غیبت کبری و تا عصر حاضر با گذشتن از فراز و نشیب‌های گوناگون به راه خود ادامه داده است. گاهی این نهضت‌ها شکست خورده و گاهی نیز به ثمر نشست است و دولت‌های انقلابی، در گوشه و کنار جهان اسلام و گاهی نیز در مراکز مهم و حیاتی جهان اسلام به وجود آورده‌اند. خاصه در نیم قرن اخیر، شیعه همواره در مرکز تشیع و در «ایران» اسلامی از قدرت مذهبی و سیاسی خوبی برخوردار بوده و پیام خود را به جهانیان ابلاغ کرده است. بسیاری از نهضت‌های شیعی در ملل دیگر همچون «عراق» در برابر قدرت خلفا، شاهان و مستبدان نیز دولت‌هایی در اقصی نقاط جهان به پا داشته است. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که اولاً شیعه هیچ‌گاه در طول تاریخ سنگر مبارزه سیاسی را رها نکرده و همواره شعار عدالت و امامت را به عنوان اصلی‌ترین پیام وحی به دوش کشیده است و تا تحقق نهایی این دو اصل، مبارزه با تمام قدرت‌های ظالم را بر خود واجب دیده است و بخشی اجتناب‌ناپذیر از ایمان می‌داند. در بیشتر قیام‌ها شیعه پیشتاز بود و شیعیان در صفوف مقدم، ولی این نهضت‌ها هرگز جنبه گروهی و مذهبی نداشت و به آن معنی نبود که پیروان اهل بیت جدا از مردم به این حرکت‌ها دست می‌بردند یا به منافع صرفاً مذهبی پس از استقرار حکومت توجه می‌کردند، بلکه عمدتاً جنس حکومت‌ها و نهضت‌های تاریخ تشیع نشان‌دهنده همراهی مردمی با رهبران قیام بوده و اغلب حاکمان و رویه حکومتی دولت‌های شیعه نیز همواره بر مبنای پذیرش تکثر نظرات و میدان دهی به تمامی عقاید و افکار به منظور رشد و شکوفایی فضای علمی و فرهنگی حاکم بر جامعه بوده است؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد بیشترین رونق و پیشرفت علمی تاریخ ایران در زمان استقرار دولت‌ها و نهضت‌های شیعه رقم خورده است

11. حکمرانی از دیدگاه صاحب جواهر الکلام

حکومت و مصلحت از دیدگاه صاحب جواهر

نویسندگان: [سید علی حسینی منبع: طلوع 1381 شماره 2](#)

در مقاله شماره پیشین اشاره شد که موضوع پژوهش در این سلسله از مقالات، مصلحت‌به معنی ضابطه و مبنای صدور احکام حکومتی است. در آن مقاله تفاوت میان معانی گونه‌گون **مصلحت** بررسی شد و سیر تطور آن به گونه‌ای فشرده تا زمان محمد بن مکی عاملی معروف به شهید اول (م 786 ق). فرار وی خوانندگان نهاده شد، و چکیده‌اش بدین سان بود که شیخ مفید (م 413 ق) **مصلحت** را بنیان نهاد و شاگرد دانشورش شیخ طوسی (م 460) ابعاد گونه‌گون آن را باز شناخت و باز شناساند و علامه حلی (م 726 ق) در ادامه کوشش‌های در خور تحسین محقق اول (م 676 ق) کاستی‌های نظریه شیخ را زدود و آن را به مصادیق جدید دیگری تعمیم داد در نقد و اصلاح نظریه شیخ تلاش‌های مؤثر و سودمندی داشت با این همه از قلمرو نظریه شیخ چندان فاصله نگرفت بل از نظریه او پا فراتر ننهاده و در واقع همان دیدگاه شیخ را با مقتضیات زمان خود منطبق ساخت و بدان، نظم، سامان، انسجام و پختگی بخشید

شمس‌الدین محمد بن مکی عاملی (م 786 ق) معروف به شهید اول، نخستین کسی است که طرحی نسبتاً جامع درباره مسائل مرتبط با مصلحت در انداخت، وی مصلحت را در مرحله اول در زمره قواعد فقهی بررسی کرد و در آثار فقهی خود در مرحله استنباط احکام شرعی از آن بهره برد و از سوی پیوند آن را با احکام حکومتی به احتمال بسیار در متن تعریف حکم حکومتی یاد آور شد و از طرفی ضابطه شناخت حکومتی بودن و مصلحتی بودن روایات حکومتی و مصلحتی را از دیگر روایات مطرح ساخت با این حال - همان طور که آوردیم - نظریه شهید کاستی‌هایی دارد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد، این مقاله در پی آن است که تطور مصلحت را پس از شهید با تکیه بر دیدگاه صاحب جواهر و تا زمان ایشان بررسی کند؛ از این رو پیش از مطالعه نظریه صاحب جواهر دیدگاه‌های فقیهانی متقدم بر او بطور فشرده آورده می‌شود

مصلحت از نگاه صاحب جواهر

ظهور سلطنت صفویان در قرن دهم هجری قمری تحولات مهمی را در ایران پدید آورد که دگرگونی در اوضاع و احوال جامعه تشیع در زمره مهم‌ترین آن‌ها قرار دارد. در این دوران از سوی کوشش‌های فقیهان پیشین زمینه را برای گسترش فقه فراهم آورده بود و از طرفی، ارتباط تنگاتنگ فقیهان و دانشوران شیعه با دستگاه سلطنت صفوی و ظهور سلسله‌ای از شاهان قدرتمند که خود را رسماً شیعه می‌دانستند و تشیع را به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام کردند، روحانیت شیعه را با موضوعات نو پیدایی رویا رو ساخت که باید بدان‌ها پاسخ می‌داد و در مقابل آنها موضع می‌گرفت، در قرن دهم سه فقیه عظیم الشان شیعه، محقق کرکی، شهید ثانی و محقق اردبیلی پا به عرصه حیات گذاشتند و فقه شیعه را به میزان قابل ملاحظه‌ای گسترانیدند. توسعه و گسترش فقه و استدلال‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر از این دوره و طرح مساله ولایت فقیه و دیگر مسائل مربوط بدان از ویژگی‌های مهم فقه شیعه در این دوره است و مساله مصلحت از هر دو ویژگی بی نصیب نبوده‌است، چه از سوی در سخنان این فقیهان به گونه‌ای مشروح‌تر آمده و از طرفی گاه با ولایت فقیه پیوند خورده است

محقق کرکی (م 940 ق) ضمن تاکید بر ولایت فقیه و نسبت دادن آن به دانشوران و فقیهان بزرگ پیش از خود، مانند سید مرتضی، خواجه نصیر طوسی و علامه حلی و توضیح معنی مصلحت از رهگذر بیان مصادیق آن، بر مصلحت‌به عنوان مبنا و ضابطه احکام حکومتی تاکید می‌ورزد و تصمیم‌ها و احکام ولی را هر گاه بر پایه مصلحت نباشد، مردود و فاقد اعتبار شمرده و نوشته است: "ولایت فقیه نوعی ولایت بر مصالح است"، به عنوان نمونه اگر کسی مکانی را برای مسجد یا مقبره وقف کند قبض به دو صورت محقق می‌شود... صورت دوم قبض حاکم شرع است، (مواردیکه این مولف در مقالات خود به عنوان مقتضیات زمان و مکان تصریح کرده است مبتنی بر مصلحتی و خود احکام حکومتی محسوب میشود) در استدلال بر این حکم چنین نوشته است

شهید ثانی (م: 966 ق) نیز در ابواب مختلف فقه در معنی مصلحت و ضابطه بودن آن برای احکام صادر شده از سوی مقام ولایت دیدگاهی مشابه محقق کرکی داشت، این فقیه بزرگ که شارح توانمند لمعه شهید است، دیدگاه‌های او را در این باره گسترانید و گاه مستدل ساخت. محقق اردبیلی (998 ق) ضمن اعتقاد به ولایت فقیه توضیحات مناسبی درباره سخنان علامه درباره مصلحت داشت؛ به عنوان نمونه اردبیلی در این مساله که چرا مال پیدا شده را به حاکم می‌توان سپرد، نوشته است: «چون حاکم «نایب» فرد غایب است و برای مصالح جامعه و مردم نصب شده است. . . حاکم این مال را نگهداری و اگر مصلحت‌بداند به فروش می‌رساند، پیش از این به احکام فقهی جزیه و لزوم مراعات مصلحت در آنها اشاره شد، لیکن ظاهر مطالب فقیهان نشان می‌دهد که این احکام را درباره زمان حضور امام‌علیه السلام فرموده‌اند و درباره زمان غیبت سکوت کرده‌اند) **سکوت فقیهان فعلی و یا عدم توسعه احکام حکمرانی که مطابقت با مقتضیات زمانی و مکانی داشته باشد، این مولف را نگران ساخته است** که آیا در زمان غیبت هم می‌توان احکام جزیه را جاری ساخت یا این احکام ویژه زمان حضور امام‌علیه السلام است. محقق اردبیلی در این باره نوشته است: «در زمان حضور حکم جزیه آشکار است. امام آن گونه که مصلحت‌بداند مصرف می‌کند.

ولی در زمان غیبت مشکل است. ممکن است گفته شود حاکم شرع که نایب امام معصوم‌علیه السلام است می‌تواند جزیه بگیرد و آن را در زمره بیت المال مسلمانان قرار دهد و در راه مصالح مسلمانان صرف کند. . . « بدین سان محقق اردبیلی به رابطه مصلحت‌با ولایت فقیه اشاره می‌کند که پیش از وی به نظر ایشان مطرح نبوده است. محقق اردبیلی در همین سخن بدان اشاره می‌کند و از این فقیهان پیشین به مسایلی از این دست نپرداخته و حکم این گونه مسایل را تنها در زمان حضور بیان کرده‌اند و حال آن که در زمان غیبت مورد نیاز و ابتلا است، گلايه کرده و نوشته است: «با این حال مساله، روشن نیست که آیا غیر از امام معصوم‌علیه السلام کسی چنین اختیاری دارد؟ چه این که برای این حکم نه دلیلی یافته‌ام و نه در سخنان فقیهان شیعه مطلبی دیده‌ام، بلکه عبارات آنان در این باره گنگ و مجمل است. شگفتا که آنان چرا احکام مربوط به عصر حضور امام‌علیه السلام را مطرح می‌کنند و این گونه مباحث را [که مردم بدان نیاز دارند] رها می‌کنند. شاید بدین دلیل باشد که به مستند و حجتی درباره آن دست نیافته‌اند.

لیکن سزایند است که به صراحت این نکته را بگویند تا ذهن امثال من روشن شود و شبهه‌ها رخت‌بریند بدین سان اندیشه‌های این سه فقیه ارجمند در عصر صفوی دریچه‌های نوینی برای فقیهان بعدی در بحث مصلحت گشود و راه را برای برداشتن گام‌های بعدی در این مساله هموار کرد اما دیری نپایید که نهضت اخباریان بخش گسترده‌ای از جهان تشیع را در بر گرفت و به طور کلی زمینه و ریشه مسایلی از این دست را خشکانید (اگر نبود این تلاش فقهی که در رسائل امام امت به صراحت آمده است، امپراطوری صفویه رخ نمیداد، محمد باقر بن محمد اکمل، وحید بهبانی (م: 1205 ق) افزون بر دفاع سر سخنان از استواری و صحت ضوابط و قواعد اصولی، واحیا دوباره روش فقیهان پیشین به صراحت، ولی فقیه و حاکم شرع را نایب امام معصوم دانست و زمینه را برای روشن شدن مساله مصلحت در عصر غیبت فراهم آورد. جعفر بن خضر جناحی نجفی (کاشف الغطاء) (م: 1228 ق) از شاگردان بر جسته وحید بهبهانی کتاب

کشف الغطاء را در زمان جنگ‌های ایران و روسیه نگاشت و در باب جهاد این اثر ارزنده به مسایل مصلحت‌بیشتر از فقیهان پیشین پراخت و نیز رابطه مصلحت را با حکومت در زمان غیبت روشن‌تر ساخت . نراقی (م: 1245 ق) نیز افزون بر بررسی مشروح ولایت فقیه پیوندی روشن‌تر میان مساله ولایت و مصلحت برقرار کرد . مصلحت در جواهر الکلام محمد حسن بن محمد باقر نجفی (م: 1266 ق) که از شاگردان کاشف الغطاء و احتمالاً از شاگردان وحید بهبهانی، با نگارش کتاب ارزنده و جامع فقهی خود جواهر الکلام در شرح و بسط و مستدل‌تر کردن مصلحت کوشید و پیوند آن را با ولایت فقیه در عصر غیبت روشن‌تر ساخت صاحب جواهر - همانند فقیهان پیش از خود - باب مستقلی را به مصلحت اختصاص نداد بلکه در لا به لای مسایل مختلف فقهی احکام آن را بیان کرد.

تعریف مصلحت صاحب جواهر به مناسبت‌های مختلف مصادیق متعددی از مصلحت را بیان کرده و از مجموع مواردی که وی این واژه را بر آن‌ها اطلاق کرده چنین به دست می‌آید که مصلحت به معنی منفعت است و مصلحتی که ضابطه تصمیم‌گیری حاکم و ولی است، منفعتی است که به نحوی به عموم مردم و جامعه بازگردد (**بیک عبارت مصلحت و احکام آن به عنوان ضابطه احکام حکومتی تلقی میشود که باید تسوط خبره میان رشته بیان یا صادر شود و تا جائیکه این مولف خبر دارد اکثر احکام مصلحتی حکمرانی ایران توسط دولت های 5 تا 12 ایران بایگانی گردید - مولف**) به همان سان که از مطالب مختلف ایشان به روشنی به دست می‌آید که احکام مقام ولایت بر استوانه مصلحت مبتنی است، از نگاه او به طور کلی ولایت بر مسلمانان اقتضا می‌کند که والی همواره مصلحت‌های آنان را مراعات کند . به عبارت دیگر، همه جا بر ولی واجب است مصالح موالی علیهم را در همه تصمیم‌هایی که درباره آنان می‌گیرد، در نظر داشته باشد . این نکته درباره وصی که مسئولیت اموال وصیت کننده را به عهده دارد و درباره ولی کودکان و دیوانگان و درباره کسی که مسئولیت ولایت بر مسلمانان را دارد، یکسان است، تفاوت آن‌ها در گستره ولایت است

وی در باب زکات، جهاد، جزیه، هدنه، خراج، مقاسمه غنیمت، نکاح، وصیت، قضاء و . . . بارها و بارها در لابه‌لای مطالب خود و به مناسبت تاکید کرده است که هر گونه حکم صادر شده از سوی ولی باید با مراعات مصلحت باشد. مطالب صاحب جواهر نشان می‌دهد که او بر مراعات اهم و مهم تاکید داشته و نیز مصلحتی را معتبر می‌دانسته است که در چهار چوب احکام شرعی در نظر گرفته شود . آنچه را تا این‌جا به گونه‌ای فهرست وار از صاحب جواهر گزارش کردم بانکته‌هایی که فقیهان پیش از او آورده‌اند چندان تفاوتی ندارد و تنها تفاوت در آن است که وی مطالب را شرح و بسط بیشتری داده، و آن‌ها را یا مستدل و یا مستدل‌تر کرده است . بدین سان که اقوال فقیهان پیشین را نقل و گاه نقد کرده و روایات را به عنوان مستند و دلیل سخنان خود آورده و گاهی به بررسی معنی و سند آنها پرداخته است . ولایت و مصلحت تنها موضوعی که در مطالب ایشان در این باره جدید است و افق‌های نوینی را برای شیفتگان . این گونه موضوعات گشوده است، مساله پیوند ولایت فقیه و مصلحت است . صاحب جواهر از سویی مساله ولایت

فقیه را اصلی مسلم دانسته و درباره آن نوشته است ولایت فقیه از امور مسلم قطعی، ضروری و روشنی است که نیاز به دلیل ندارد. استوانه‌های مذهب بدان حکم کرده‌اند، و فقیهان در موارد متعددی آن را ذکر کرده‌اند، و منکر ولایت فقیه طعم شیرین فقه را نجشیده و به راز سخنان امام معصوم علیه و همو مصداق اولی الامر است و اطاعت از وی واجب. (از سوی درپاره‌ای از موارد که فقیهان پیشین مراعات مصلحت را درباره امام علیه السلام گفته‌اند به ولی فقیه نیز تعمیم می‌دهد. بدین سان از دیدگاه او در بسیاری از مواردی که امام علیه السلام به عنوان ولی امر و رهبر جامعه اسلامی باید بر طبق مصلحت تصمیم بگیرد درباره ولی فقیه نیز چنین است، به عنوان نمونه فقیهان شیعه معتقدند که خراج و منافع زمین‌های موات را امام علیه السلام باید در مصالح مسلمانان هزینه کند و هر تصمیمی که درباره چگونگی هزینه آن‌ها می‌گیرد باید بر پایه مصلحت جامعه اسلامی باشد

یک نمونه از پیوند ولایت و مصلحت: اکنون این پرسش مطرح است که در زمان غیبت وظیفه چیست؟ فقیهان شیعه اتفاق نظر دارند - به دلیل روایات موجود در این باره - که هر گاه کسی از سر ناچاری زمینی را که مربوط به امام علیه السلام است از سلطان جائز اجاره کند و خراج آن را به وی بدهد، مرتکب گناه نشده و در آمد حاصل از آن حلال است. اگر در زمان غیبت امام عصر - روحی له الفداء - کسی اجاره این زمین‌ها را به ولی فقیه بدهد چه حکمی دارد؟ صاحب جواهر به تفصیل از آن بحث کرده و با نقل و نقد مطالب فقیهان پیشین و به طور مستدل معتقد است می‌تواند آن را به فقیه تحویل دهد؛ زیرا او نماینده امام علیه السلام است و همان منصب امام را در این باره دارد، وی در این باره چنین نوشته است: «نهایت سخن آن که جایز است خراج را به حاکم ستمگر داد. اما این سخن که تنها باید به وی داد و اگر به فقیه داده شود مجزی نیست، سخنی است باطل. در همه حال پرداخت خراج به فقیه کفایت می‌کند؛ زیرا ادله ولایت فقیه مطلق است. . . .» صاحب جواهر در این جا با این پرسش مواجه می‌شود که اگر چنین است چرا فقیهان هیچ اشاره‌ای بدان نکرده‌اند و در کتاب‌های فقیهان نیامده است که پرداخت خراج به ولی فقیه مجزی است؟ ایشان در پاسخ چنین نوشته است: «اما این که فقیهان تنها از پرداخت خراج به سلطان ستمگر بحث کرده‌اند و از پرداخت خراج به فقیه سخنی به میان نیاورده‌اند، بدین سبب است که پرداخت خراج به حاکم ستمگر در مقام منع است، اما درستی پرداخت خراج به فقیه پر واضح است؛ زیرا دست او دست امام و منصب امام است و فقیهان با اتکال بر همین مطلب (که منصب فقیه مانند منصب امام است) که آن را در جای دیگر ذکر کرده‌اند، در این جا بدان اشاره نکرده‌اند و مقصود آنان تنها بیان حکم پرداخت خراج به سلطان ظالم بوده است که در مظان ممنوع بودن است. از این روی که غاصب و ستمگر است. . . و شاید این نکته (جایز بودن پرداخت خراج به فقیه) در زمره مسائلی باشد که با کمترین تأمل فقیه می‌تواند به یقین بدان دست‌یابد. محقق کرکی در این باره پس از آن که ادعای اجماع بر جایز بودن پرداخت خراج به سلطان جائز می‌کند، نوشته است: پس اگر پرسیده شود آیا فقیه جامع شرایط که نیابت از امام دارد می‌تواند متولی خراج شود؟ می‌گوییم: فقیهان شیعه در این باره به صراحت چیزی نگفته‌اند. ولی کسی که برای فقیهان در دوران غیبت، اجرای حدود و دیگر آثار و پیامدهای مقام امامت را جایز دانسته، این را باید به طریق اولی بپذیرد؛ زیرا اخذ خراج و سرپرستی آن خطر کمتری دارد. به ویژه مستحقان این حق در هر

عصری وجود دارند و اختصاص به قاضیان مجاهدان ندارد و اگر کسی از روی انصاف سیره بزرگان علمای شیعه چون: سید مرتضی، شیخ طوسی و علامه حلی را مطالعه کند در می‌یابد این راه را پیموده‌اند و این شیوه را برگزیده‌اند و در نوشته هایشان، آن چه را به صحت و درستی آن باور داشته‌اند، آورده‌اند.»

وی پس از نقل سخن کرکی نوشته است: «پیش از این آوردیم که سزآمد نیست کسی در جایز بودن دادن خراج به ولی فقیه شک کند. از این روی می‌توان خراج را به فقیه پرداخت کرد هر گاه با تقیه منافات نداشته باشد.» سخن صاحب جواهر در این باره عام است و شامل ولی فقیه‌ای که به قدرت دسته یافته باشد و آن که به حقیقت نرسیده باشد، می‌شود. ظاهر سخن کرکی نیز همین نظر را نشان می‌دهد. لیکن از عبارات استاد فقیهان کاشف الغطاء استفاده می‌شود که وی دادن خراج را تنها به فقیه‌ای جایز می‌دانسته است که مبسوط الید باشد و هر گاه چنین نباشد نباید خراج به وی داده شود. صاحب جواهر در این باره نوشته است: «لیکن در شرح استاد . . . در این باره چنین آمده است: و در صورت نبودن سلطان ستمگر مرجع در همه امور مربوط به مسلمانان فقیه امین است و این نظر که در این فرض مؤمنان می‌توانند همه منافع زمین‌های خراجی را بگیرند قول قوی‌تری است.» صاحب جواهر به نقد سخنان استاد خود پرداخته نوشته است: «ظاهر این سخن آن است که پرداخت خراج به ولی فقیه مترتب است بر نبودن سلطان ستمگر به همان سان که ظاهر آن ساقط شدن وظیفه پرداخت خراج است. این هر دو به روشنی نادرست می‌نماید و مطلب دوم استاد گر چه در خصوص انفال شواهدی دارد . . . اما درباره زمین‌های خراجی که از آن همه مسلمانان است. هیچ دلیلی بر آن نیست و خراج آن از کسی که از آن‌ها بهره می‌برد، ساقط نمی‌شود.»

از این روی جایز است آن زمین‌ها را از دست سلطان ستمگر تحویل گرفت و اگر تقیه اقتضاء کند منافع آن را به سلطان ستمگر دهد، مانعی ندارد و ذمه او بری می‌شود و اگر تقیه‌ای در کار نباشد آن را باید به حاکم شرع تحویل دهد که آن را در مصارف تعیین شده مصرف می‌کند و این ادعا که هر گاه سلطان جائز حکومت کند حاکم شرع ولایت ندارد - گر چه تقیه در این فرض اقتضا می‌کند خراج به وی داده نشود - بطلان آن پر واضح است. همان طور که در مطالب پیش آوردیم افزون بر آن که بی هیچ شکی هر گاه امام معصوم علیه السلام مبسوط الید نباشد می‌تواند خراج را دریافت کند - همان طور که برخی از روایات به صراحت آن را بیان کرده است - و هر اختیاری که در این موارد امام علیه السلام داشته باشد، نایب او که از طرف او منصوب شده است نیز دارد.» صاحب جواهر این مطلب را هم چنان پی می‌گیرد و روایات معارض با آن را بررسی کرده و دوباره یاد آور می‌شود. در این حکم نباید تردید داشت و در مطلب بعدی نوشته است خراج و مقاسمه مقدار معینی ندارد بلکه امام علیه السلام بر طبق ملاحظه مصلحت همه مسلمانان با مراعات با مراعات زمان و مکان اندازه آن را تعیین می‌کند، آن گاه به روایتی از امام علی علیه السلام اشاره کرده که آن حضرت نیز به این مضمون اشاره کرده و در تعریف خراج نوشته است: «و حینئذ فالخراج مقاسمة کان او غیره اجرة الارض علی حسب مقتضى المصلحة الجامعة بین الطرفين.»

«بر پایه آنچه آوردیم خراج چه مقاسمه باشد و چه غیر مقاسمه اجاره بهای زمین است بر طبق مصلحت میان دو طرف».

مجدد برای چندمین بار ضمن شرح مسایل دیگر خراج تاکید می‌ورزد که دادن آن به ولی فقیه بلامانع است و در پایان از چگونگی مصرف خراج سخن می‌گوید و در واقع وظیفه حاکم شرع را بیان کرده و نوشته است: «اگر خراج به دست‌حاکم برسد او باید آن را تنها در مصالح عمومی مسلمانان هزینه کند مصالحی از قبیل ساختن پل‌ها، حفاظت از راه‌ها، کمک به مجتهدان و امثال آن.» وی در پایان پس از نقل دیدگاه شیخ، کرکی و علامه نوشته است آنچه در این جا آوردیم افزون بر خراج، جزیه و امثال آن را، یعنی هر مالی که به همه مسلمانان تعلق داشته و حق گرفتن و تصرف در آن از آن امام‌علیه السلام بوده و سلطان ظالم آن را غصب کرده باشد، در بر می‌گیرد. این گزارش طولانی از روش صاحب جواهر و دیدگاه او درباره یکی از احکام مبتنی بر مصلحت از آن روی آورده شده که ادعاهای مربوط به دیدگاه او بی مستند نباشد. به طور فشرده این سخن که در متن جواهر الکلام نزدیک به 21 صفحه است. نکته‌های زیر را درباره مصلحت در جواهر الکلام نشان می‌دهد:

1. نخستین تحولی که صاحب جواهر در این باره آفرید آن است که وی مطالب مربوط به مصلحت را به گونه‌ای مشروح و مستدل آورده است. مقصود ما از مستدل آن است که دلایل فقهی آن از قبیل آیات، روایات و اجماع را نقل و بررسی کرده است این روش پیش از صاحب جواهر دست کم درباره مصلحت به این گستردگی نبوده است، و مشروح بودن مطالب او بدین معنی است که وی افزون بر توضیح مطلب به نقل و نقد و بسط نظریه‌های مختلف در این باره پرداخته، و آن‌ها را تحلیل کرده است.

2. با مبتنی ساختن این مساله بر ولایت فقیه به عنوان یکی از ثمرات آن، مشکل مسایلی از این دست را در زمان غیبت حل کرده و بدین سان پاسخی به گلایه امثال محقق اردبیلی که چرا فقیهان فروعاً مبتلی به را در این باره بررسی کرده‌اند، داده است. به نظر می‌رسد این مهم‌ترین دستاوردی است که پیش از صاحب جواهر در فقه رسوخ یافته ولیکن او آن را سامان داده، مستدل ساخته و زمینه را برای استنباط‌های بعدی در این باره فراهم آورده است

3. لازم است یاد آوری شود این تنها موردی نیست که وی احکام حکومت را بر بنیاد مصلحت مبتنی ساخته است، بلکه در موارد دیگری نیز وی همین راه را پیموده است. به عنوان نمونه درباره ارث کسی که وارثی ندارد پس از نقل و نقد انظار مختلف و بررسی گروهی از روایات نوشته است. "اولی آن است که میراث کسی را که وارث ندارد به دست نایب غیبت که امین باشد، برسانند و او آن را بر طبق آن چه به نظر او مصلحت‌سید و مولای اوست، مصرف کند" نگاهی به دیدگاه صاحب جواهر: همان طور که پیش از این آوردیم صاحب جواهر درباره مصلحت تحول چشمگیری پدید نیاورده است بلکه همان دیدگاه محقق را در شرایع شرح و بسط داده و مستدل کرده است. بدین سان که: اولاً - اقوال را نقل و نقد کرده است.

ثانیا - هر گاه لازم دانسته است مفاهیم و موضوع مورد بحث را توضیح داده است.
 ثالثا - استدلال هر قول را بررسی و خود نیز برای دیدگاه هایش استدلال کرده است و به همین دلیل آیات و روایات هر بخش را طرح و به لحاظ فقه الحدیث و گاه به لحاظ سند بررسی کرده است.
 رابعا - از آن جا که وی از طرفداران سر سخت ولایت فقیه است و ولایت فقیه ارتباط تنگاتنگی با مصلحت دارد تا آن جا که می‌توان آن را ولایت‌بر مصالح نامید، در برخی موارد صاحب جواهر مصلحت را با تکیه بر نظریه ولایت فقیه بررسی کرده است و از این رهگذر توانسته است رابطه مصلحت را با حکومت اسلامی در زمان غیبت‌به گونه‌ای بنیادین بررسی کند و نظریه مصلحت را از فروع ولایت و حکومت بداند

به نظر می‌رسد این مهم‌ترین نکته‌ای است که در جواهر الکلام به چشم می‌خورد . نکته‌ای که بذر آن را شهید اول پاشید و کرکی آن را در زمینه‌های آماده فقه شیعه کاشت . صاحب جواهر آن را شکوفا ساخت . اما نباید از نظر دور داشت که در این مرحله هنوز فقه شیعه تا به ثمر رسیدن این نهال نو پا فاصله بسیار دارد و تا رسیدن به یک طرح جامع از مصلحت راهی دراز . و چون بسیاری از کاستی‌هایی که در دیدگاه شهید اول بود در دیدگاه صاحب جواهر نیز هست از تکرار آن‌ها چشم پوشیده و به این جمله بسنده می‌کنیم که ابعاد مختلف مساله مصلحت که در روزگار ما حکومت اسلامی بدان نیازمند است و اگر در زمان صاحب جواهر هم حکومت اسلامی بر پا بود، تا حد قابل ملاحظه‌ای بدان‌ها نیازمند بود، بیان نشده است.

افتخار به ایرانی بودن شعری از دیوان محمودیه از محمود صانعی پور

قصه ایران، قصه مردمان سخت کوش	می‌برند یک عمر بار مسئولیت‌ها بدوش
قصه ایران ، قصه امثال سلمان پارسی	تا مشق گیرند از سرور صاحب سرش
قصه ایران بُوَد قصه کاوه آهنگران	تا داد خود گیرند، از زهاکان مار دوش
آن زهاکان اینک مال مردم خورده اند	بایدش نابود گردد این فرقه ایران فروش
رمز وراز بیداد گری دان این چنین	اذان بی هنگام مردم باشددایم گوشوار گوش
ایران بوده دایم سرزمین دانش گران	به گیتی شدند ز حکمت ، گوهر فروش
کاوشگران هر روزه بینندشهری دگر	از لاهیجان تا اردبیل زایشگران پرخروش
از قفقاز تا خراسان بزرگ آوازه دار	از کوه دماوند و تفتان وسهند دارد خروش
ذره ذره در شهر و صحاری دارد نگین	از این تمدن هر دم زاید ، صدها نقوش

مام ایران ده ها دارد در رحم در دزایمان
تا برانند زین وطن ، سلاطین زور و زر
صد هزاران سال زین سرزمین قهرمان
تا فجری آید و زایشی دگر گردد برون
زین فجر هرگز ندیده بودند بوفان کور
سلطه جویان ، حمله سخت کردند به ما
آری، انقلاب ما است، همان صراط مستقیم
گفتمان مهر بر دشمن خونخوار مخوان
گفت لشگری آرای از بسیجیان با وفا
ای بسامردم از دولت ها گشتند ملول
آنانکه موش بودند پیش مردان قهرمان
از سفره رنگین مردم چنان شد دریغ
ای تفا بر سلاطین زر و دلار و احتکار
این تمدن ، این صلابت ، این سرزمین
آقازاده ها کیف کنند با مرکب های شیک
مال ملت را نگرچنین به یغما رفته است
درد ما یک نیست که یکی در مانش کند
با قانون و مشی این دولتها مقدر نیست
این پاک سازی لازم تا سریش دشمنان
روزی این مشی گیرد تمام عرض و طول
گفتنی ها باید گفتن در اقتضای مصلحت
من افتخار دارم به اندیش مردان وطن

زایشی در هر عصر از زنان پر فروش
تا فرو ریزند در وطن هرچه میهن فروش
کی میهن تهی بوده از مردمان پر فروش
انفجار نور ، کان غافلان را برده ز هوش
لیک بیدار گشتند در جهان مظلومان خموش
ایران در دفاع ، لبیک گویان شد ، لاله پوش
چون خمینی داشت، تبرا براهمیان بدوش
دشمن اسلام از ما به تن دارد صدها خدوش
از خیراندیشان، صلابت مردان یک جیوش
آقازاده دیدند و شنیدند سخن های فرهت فروش
مردم گربه سانان را بدیدند در چنگال موش
مرد خانه از سطل آشغال گیرد باری بدوش
ای بدا بر سلاطین معرفت ، هستند خموش
که جای جای آن زر است و ارزش های خویش
فقیران در گرداب ذلت باشند با حال پریش
کاخ گردیده ، یا برج ، یا منابع خوردند ز پیش
لشگر شیاطین حصر کردند دزدیهای خویش
آنچه نهادینه شده در قالب دولت گردیده سریش
گنده گردد از کلونی های تجری در حال پیش
طوفانی سخت که نتوان کرد حل با تدبیر خویش
تو یا پند گیری تا مماشات باشد همچون سریش
که مرتب نقد گویند و ندارند خوفی از جان خویش

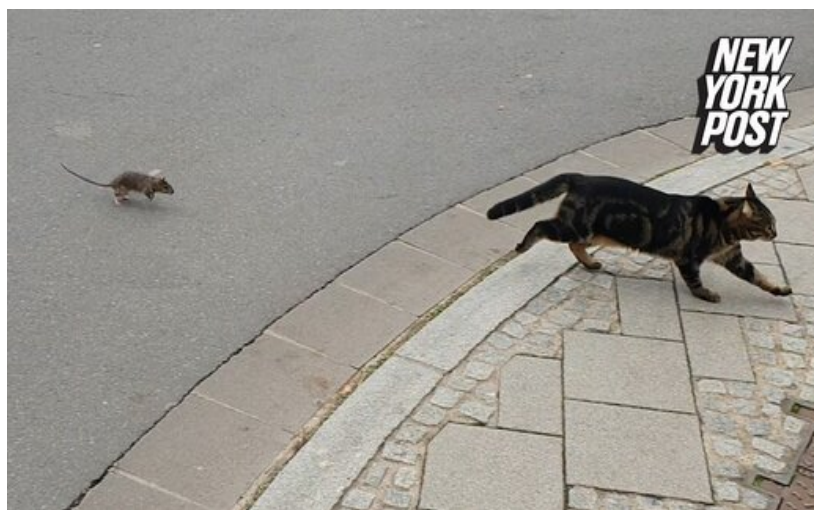
محمود مفتخر باشد به ایرانی-اسلامی خود زین سبب میکشد بار تکلیف و مسئولیت بدوش

محمود صانعی پور 20/9/1385

ر



کاوه اهنگر وشمشیر او



ببینید گربه ای را در تهران که بجای گرفتن موش از آن فرار میکند : خبر آنلاین

واقعاً جای عبید زاکانی خالی تا شاهد عصر سلطه موش بر گربه باشد (به مقاله طنز این مولف به عنوان مدرسه موش ها در خیابان ولی عصر مراجعه شود)



روزگاری فرار سیده که موش گربه را گاز میگیرد ، شاید گربه ای خانگی فیلم تکفیری موش و گربه نگاه میکنند و تاثیر می پذیرند همانطور که تحت تاثیر سلاطین زر و زور شدند







نامه این نویسنده و خبره میان رشته ای به سازمان صدا و سیما :

نامه سر گشاده محمود صانعی پور به ریاست محترم سازمان صدا و سیما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾، وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾، فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

جناب آقای دکتر عبدالعلی علی عسگری ، ریاست محترم سازمان صدا و سیما

موضوع: سازمان صدا و سیما در انتخاب گزینه های اولویت دار خود ، دچار تعلل و درنگ شده است

1. آنچه بر ما گذشت و اصولی که باید رعایت می کردیم

2. دکترین نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر محو شیطان بزرگ و نظام سرمایه داری و زمینه سازی برای ظهور صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که به امت شریف و پیرو امام امت از سوی خداوند متعال تکلیف شده است ظهور آقا قسری نیست و به قسرها سر تحقق نمی یابد ، بلکه به زمینه سازی نیاز است

3. امت وسط و مشخصات ویژه آنان دایر مدار دکترین نظام است و نیروی انسانی شایسته دکترین نظام جمهوری اسلامی ایران میباشد

4. قواعد مدیریت دانش مفید و پلتفرم جهانی آن با مرکزیت ایران ، سکوی تبیین و انتظار " اولنک یسار عون فی الخیرات و هم لها سابقون - آیه 61 سوره مومنون " که سابقون و هم پیمانان آنان مجری و میثاقدار این قواعد است.

1. آنچه بر ماگذشت و اصولی که باید رعایت می کردیم

آنچه بر ماگذشته ، حکایت راستینی است ، پس از سیاهی دوران ستم شاهی ، ظهور با شکوه انقلابی پرفتوح از فتوح الغیب و فتح الفتوح کتاب وحی و اخبار غیبی ائمه معصومین (علیهم السلام) که بر اساس گشایش حالی از سالک راستین ، بدست آمدنی غیر منتظره و موفق و برای شیطان پرستان معجزه ای باور نکردنی و وحشتی جانکاه بود ، این طلوع اعجاز زمان در تمدنی کهن و جایگاهی مملو از امواج و جریان ایحاء الهی به انبیاء و مرسلین ، که با رهبری حکیمی عالیقدر و شجاع و مخلص ، ذاکر و لبیک گوی دائمی خداوند متان ، موجب بروز آئین کشف شهود و آشکار شدن فطرت های سلیم و حضوری حیرت انگیز از کنش و انگیزش های باور نکردنی ملتی بپا خاسته بود **که در 22 بهمن 1357 تبلور یافته و وحدتی شگفت و معجزه آسا در آری گفتن به اسلام محمدی (ص) به اثبات رسانید** و بدین سان فقرات ستون سران کفر را لرزانده و در قلوب مردم ناامید جهان از داشتن آزادی ، استقلال و سروری بارقه امیدی دمیده و طرح نجات از بربریت و توحش نهادینه شده از سوی غرب را در پندار ، گفتار و کردار منور امتی بپا خاسته نافذ نموده و بدینسان فریاد این امت از اوسط زمین را بمثابه صوراسرافیل سراسر جهان را در نور دیده که **خمیره و بنیان آن از حلقوم الله گوی امام خمینی " قدس سرّه شریف" بگوش جهانیان رسید** و در دل اهالی کوخ ها در کنار چپاول گران کاخ نشین امیدی تازه داد و حق گویان و حق خواهان جانی تازه گرفته و حقیقت جویان دست به قلم شده و... و آنچه از ادبیات فرانقلاب اسلامی نوشته و پرداخته شده ، بیک نسخه نجات جهانی از چنگال شیطان بزرگ را در دنیای فرزندگان و فرهیختگان و مردم در اجحاف و حرمان ، مستند سازی نموده است.

در این طومار مستند شده مشهور همه چیز بوده و هست که میانه و مبنائی آن همان صحیفه نور و آنچه محققان ، فعالان سیاسی ، تصویر سازان ، برداشت کنندگان و سایر اهالی فرانقلاب و اصحاب خیر و شرّ از داخل و خارج تحریر نمودند ، این دوره حکیمانه و ملهم از استشراف انقلاب اسلامی و زمینه های مفهومی ، عقلی ، تصمیم گیری ، تئوری و عمل را برای وضع و تدوین قوی ترین و منطقی ترین قانون اساسی در قرن بربریت ، ظلم و تعدی نظام سرمایه داری ایجاد نمود ، که از نظر من یک روح القوانین مدرن محسوب میشود که در **سومین کتاب خود با 1500 صفحه به عنوان " روح میثاق و قراردادهای اجتماعی "** تحریر نمودم و نیز جامعه ایرانی را در جریان شناسی جدیدی از تفسیر اجتماعی شرعی قرار داد که در این انفجار نور ، نظام جمهوری اسلامی با آری ملت و تائید ملت و عنایات الهی شکل گرفت و هم سند گرانبهای قانون اساسی و متمم آن با رانی وزین ملت ، گوش دشمنان را گر و دیدگان آنها را تار نمود ولی مردم در انتظار جهان در برون داد این اثرتاریخی - انقلابی به عنوان یک الگوی جهانی ، آثاری از تئوری تا عمل را در تغییراتی وزین و فراگیر فرهنگی ، سیاسی ، اقتصادی صنعتی و سایر را در زدودن نظام کهنه و بازمانده از نظامات کهنه و غربی زده خود و هم وزن با این طلوع فجر ندیده و قانع نشده اند ، بسیاری از

بحران ها و چالش های دوران 41 ساله انقلاب اسلامی در رد یا تأیید این پرسمان تاریخی انقلاب اسلامی گذشته است (**پرسمانهای هزاره از من ، بخشی مهمی از نوشته من است که قسمتی از آنها پیوست نامه است**) و آنچه رسانه ها و در راس آنها ، سازمان صدا و سیما ، پیرامون این مجموعه پرسشهایی که برای یک مسئله بنیادین طرح شده است، داده نشده و جزء بعضی خبرهای که با پوشش های خبری که از انحاء از داخل و خارج ، مخدوش میشد ، بهره مقتضی نبردند و رسانه انقلاب اسلامی هنوز عده و عده لازم را در این مورد پیدا نکرده بود که به افشای این گنجینه قرن بپردازد.

انقلاب داشت به حالت خاصی از یک نواختی نهادینه میشود که گوئی ، تکالیف ما در قبال این نسخه نجات بخش جهانی از سردمداری شیطان بزرگ و وصایای امام امت(ره) به منصفه ظهور رسیده و آرد خود را بیخته، «الک» خود را آویخته است ، هر کس بکاری مشغول ، وجهات این اشتغالات در برخورد با هم از سوی دوست و دشمن ، یک آمیخته در هم و برهم را نظم خود یافته پیدا کرده بود که اگر عنايات خداوند منان نبود ، خود از درون متلاشی میشدیم و این همه خلاقیت ، اکتشاف ، اختراع ، نوآوری های دفاعی و امنیتی ، صنعتی و غیره را نداشتیم ، دایرمدار متنی بر اساس عرضه و تقاضا شد ، عرضه از کی و تقاضا از کی و چی ، به تدریج ظرف ایران (وایران گوئی وایران پرستی) بر فرامین الهی و علوم و حیاتی چیره (**ظرف بر مظروف چیره شد**) ، سیر نام نویسی از نام های محمدی و معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) به نام های کهن و مجوسیت تحریف شده و آتش پرستان تغییر هویت یافت " **وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ، آل عمران ۸۵**، " مطالبات مجاهدان و کسانی که در تحقق انقلاب اسلامی مال و جان فدا کردند و مطالبات مخالفان و کسانی که از رافت اسلامی سوء استفاده نمودند ، جای آنرا گرفت و عدم پاک سازی پر نفوذ و **دوری از کلیشه های غلط و حرام وحسی ابطالی از دیار شیطان بزرگ ، بصورت درس دانشگاهی ، سیاست های تصمیم سازی و تصمیم گری و قس علی هذا مهیا گردید و این در حالی بود که نهضت اسلامی ما ، یک شبیه سازی حقیقی از فرا انقلاب حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود** و یک ظرفیت عظیم و یک فرصت نادر برای پاک سازی و زودن چپاول گران و اوباش ، و رای 98 درصدی جمهور مردم ایران ، این شبیه و پوشیدگی امر را به ذهن متبادر ساخت که بیختگی و آویختگی صواب و سزاوار است و ممانشات مسئولین خدشه ای به ساختمان قیام امام امت بپا خاسته نمی زند، درست در زمانی که ارکان ساختار نظام و سیستم های آن ایجاد نشده و قوام بخشی نشده است.

همه چیز با تئوری عرضه و تقاضا (عرضه از کی و چی و تقاضا از کی و چی !) دایر مدار جریانات و امواج اجتماعی شد (که در تحقیقات من به عنوان یک تئوری شیطان بزرگ یاد شده و در ارکان نظام اسلامی ایران اثر نامطلوب آن نگاشته شده است) بیک عبارت ، عرضه کیان شاهنشاهی قرب و منزلت گرفت و بر اصالت اسلامی که همان حکومت و ولایت فقیه و حکمرانی با آئین اسلامی است ، چیره شد و بخش قالب آن در تمشیت امور قرار گرفت (**بر اساس چه مبنائی ، از کدام مرجع و با چه پایه استدلال عقلی و شرعی**) و رهائی شدن بسیاری از امور که مضر و سهمگین برای حیات انقلابی جامعه بوده و متناقض با حکومت اسلامی مطالبه شده ، نه شاهنشاهی که زمینه های رشد و نمو آن از زمان ستم شاهی نهادینه شده

بود و ما بایستی به **اصول سلبی و ایجابی** در این مورد میپردازیم و با تبلیغ پر محتوای خود و تکیه بر مطالبات انقلابیون اصلی و مخلص، در بکار گیری آنان در مصادر امور، از ایجاد این پدیده شوم فرهنگی جلوگیری می‌کردیم، وقعی ننهادیم، گمان نرود که چیرگی عرضه از سوی غیر انقلابیون و تقاضای بی حد و حساب آنها، فقط منحصر به این امر بوده است در همه ابعاد با صور مختلف صورت گرفته و گسترش می‌یافت، **حتی مطالبات غیر شرعی از افرادی که شارع را موعظه می‌کردند!**، من در مقالاتم، این سبک فرهنگی و خواستن های غیر اصولی و حرام را در بسیاری از فعالیت های کشور مشاهده کردم و یادداشت نمودم و نهایتاً شهود خود را این گونه موارد بیان کردم "که کشور رها شده است" این رها شدگی را در مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، صنعتی و غیره در نوشته خود تحریر کردم و همه آنها را با بهانه و زمینه سازی در تئوری غیر مقتضی زمان ما، یعنی عرضه و تقاضا به عنوان یک مرض و آگیر و اپیدمیک به بسیاری از عرصه سرایت نمود، صدا و سیما را هم از تمشیت امور بی نصیب نبود و از تکالیف ذاتی خود در قبال انقلاب با شکوه سرباز زده شد و با همین عرضه و تقاضا حبابی برای خود تکالیفی جزء از دولت عرضه و تقاضا و کسب و استقلالی برای مطالبات امور و حیانی و احکام اسلامی نداشت **مگر در حدی که همین مشی مقتضی بدانند و مدیریت اقتضائی (contingency management) از دروس دانشگاهی بر این اقتضائات، مهر تائید می‌زد، هرگونه اقتضاء را تاکید نمود.**

در تحقیقات من، همه چیز را می‌یابی و من جمله طرح آمایش سرزمین که کتابش نظیر هزاران طرح و برنامه کشور به آرشیوهای بایگانی سپرده شد، بعضی از آنها که مصرانه در آنها جستجویی داشته‌ام، بایستی تکان بدهی، تا خاک هایش زده شود، نظیر مهندسی فرهنگی، ایران 1404، سیاست های کلی نظام، طرح آمایش، طرح تبلیغ اسلام، و صدها استراتژی و غیره که در تدوین آنها، بطور فعال مشارکت کردم **(به کارنامه من مراجعه فرمائید)**، عمدتاً بایگانی گردید و برای ما که در لابلای طومار گرانبهای فرانقلاب اسلامی، رد پائی داشته و خطی نگاشته، سخنی گفته، قدمی برداشته و...، این چنین خواب آلودگی و راحت طلبی و خیال آسوده داشتن، تعجب آور بود، **نوشتیم و نوشتیم، 300 مقاله از من و حدود پانصد هزار صفحه، از وقایع و رویدادها، و چرایی گفتن ها، تعبیر ها و تفسیرهای من** که با دوستان متفاوت بود، یکی از تفاوت ها که هنوز هم پابر جاست، اینست که خداوند، دشمنان ما را، ماموران چُست و چالاکي ما برای برگشت به طومار فرانقلاب قرار داده است، یعنی با الهام از این حقیقت که در دنیائی که مملو از ظلم و تعدی است و باید با طلوع و ولایت عظمی به ساحت پاک قسط و عدل "يَمْلَأُ اللَّهُ بِه الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا" تغییر کند، دست خداوند متعال از آستین سنت الله خود آشکار شده و دشمن ایران اسلامی را مامور این بپا خاستی برای زمینه سازی تاریخی و ظهور بدون قسری **قائم آل محمد (ص)** " ارواحنا لئراب مقدمه الفداء " قرار داده و توسط دشمن طراحی و به مرحله اجراء گذاشته شد، تا نیروی اسلام و انقلاب اسلامی به جهان معرفی شود، دفاع جانانه ما، رزمندگان ما با دست خالی، مبارزه تمام عیار همه کشور های متخاصم با وحدت استراتژیک و قوی ترین تسلیحات نظامی آن زمان، علیه نظام نوظهور ایران، یک عنایت بی چون و چرای ذات پرودگار است که اراده کرده که با همت ملتی بپاخاسته در عصر ظلم و جور و فساد فراگیر، نظام سرمایه، کمونیستی، فلسفه ها و مکتب های باطل و علوم حسی - ابطالی، و **هر چه که برای انسان حکم لاضرر و لاضرار دارد**، از میان بردارد، یعنی

جنگ را خداوند متعال اراده کرد ، تا امت وسط و انقلابیون اصلی نظام آزمون شوند ، آزمون شدند و از این آزمون بزرگ ، موفق و سرافراز سر به آسمان سائیدند ، اقتدار انقلاب ظاهر و شکست دشمن و مستکبرین بر ملاء گشت، بعد از آن تعبیر و تفسیر محققان جهان ، متن های متفاوتی از اسلام دارند و جمهور کسانی که از داخل به جمع امت پیوستن ، بی سابقه است .

با رهنمود های امام امت (ره) و رهبرهای دادستانانه رهبر معظم انقلاب و شهادت طلبی جوانان رشید و از جان گذشته در راه خدا و قرآن و حکم خداوند منان ، دکترین دفاعی – امنیتی ، ایران اسلامی تبلور یافت ، یاد گرفتیم با فروش نفت به بشکه ای 5 دلار و قناعت و عدم اسراف و ایجاد یک نظام جیره بندی آبرومند ، با دفترچه های بسیج از تهران و الگودادن به سایر استان ها ، مردم را راضی و در صحنه های جنگ و پشتیبانی از میدین دفاع مقدس نگه داریم ، در هر لحظه از نظر منابع ، دخل و خرج ، پایداری ملی ، کوشش مسئولین و کنشگری های جوانان ، کمال فعالیت ها را مشاهده و معجزه دیدیم ، درک زیبایی ما از انفعال بودن دشمنان ، تنبلی و سستی و بی اراده بودن سربازان دشمن در مقابل اراده و شجاعت سربازان انقلاب اسلامی ، یک الگوی موفق برای جهان خواب آلود بود ، این مقاومت صادر شد و اثر گذاشت و الگوئی برای ملت های دیگر برای مقاومت در مبارزه با دشمنان نوامیس و حیثیت ملل بودند ، ما پیروز میدان نبرد شدیم و تائید جهانی را گرفتیم و خفت و ذلت دشمنان اسلام و ایران را تجربه کردیم ، این اراده خداوند منان و مکونات سنت الهی است ، در همان زمان ، موضوع ایران قدرتمند در جهان طنین انداز شد، ولی بعد آسودگی خاطر ، مارا فرا گرفت و برای خود ساحل آرام را پنداشتیم و موج بودن را فراموش کردیم ، حتی معلولین موج را .

قبل از اینکه به این موارد فرهنگ پاروداکسیکال و تضاد اجتماعی بپردازم ، مایل هستم نظر خودم در مورد نظام سرمایه داری غرب و شیطان بزرگ بیان کنم ، غرب پس از شکست در مقابل ایران در میدین گسترده جنگ ، پی برد که با جنگ گرم قادر به پیروزی با جبهه اسلام و شیعیان ایران نیست ، طلیعه امت وسط و ممتاز از متن وصایای امام امت و میدین دفاع آغاز شده و بقول فوکویاما ، با این عقاب تیز پرواز ، قدرت دسترسی و شکار ممکن نیست ، تمام تحلیل های غرب و آموزه های فراوان و متنوع آنها ، طرح استراتژیک ، تصمیم های سیاسی ، و غیره در قبال ایران نقش بر آب شد ، غرب و درراس آنها **مثلت شوم** " امریکا ، انگلیس و اسرائیل با منابع معاندین انقلاب اسلامی " به کمک مشاوران و محققان و تحلیل گران خود ، تصمیم گرفت ، جبهه فرهنگی و آئین سکولاریسم را جایگزین جبهه فیزیکی نمایند و از دین های دست ساخته خود مثل بهائیت و وهابیت **در تحریف مبانی و اصول اسلام ناب محمدی (ص) بپردازند** و برای رسیدن به پیروزی و فائق شدن به ایران شیعی یک یا چند مونتاز کاری در اسلام و مقاومت جبهه حق فراهم سازند و جعل راجای اصل نشان دهند، لذا ایجاد رشته اسلام شناسی یا اسلام شناسان بی سواد غربی در غرب ، اسلام زدائی در ایران و کشورهای اسلامی ، ایجاد جنگ های مذهبی در قالب داعش و گروه های مبارزین علیه دین ، و صدها نمونه دیگر بصورت هجمه فرهنگی آغاز شد، این جسارت از غرب علیه انقلاب اسلامی ، طرفداران زر و زوری داشت که در مام وطن، جان تازه گرفته بودند.

فراگرد این ترفند شیطان بزرگ چه شد؟ و از این طریق چگونه باز خورد می‌گرفت؟ و با این خوراک از داخل و خارج، چه طرح‌هایی را به اجراء گذاشت؟، **ضرورت‌های یقینی ما را که داشت منجر به پروژه یقینی میشد (که در غرب شروع شد به مقالات من مراجعه شود) از کیفیت تفکر یقینی-جزمی به مقدار زیادی جدا ساخت**، غرب تفکر را در اطاق‌های بسته و سازمان‌های تحقیقاتی خود آغاز کرده و تداوم گرفت، دکتترین جنگ و روبرو شدن مستقیم با انقلابیون ایران، کنار گذاشته شد و جنگ‌های نهانی بصورت نرم و ظاهراً اندیشمندانه با دینامیکی خطرناک و بادست جرثومه‌های فاسد مذاهب باطل و با صور غیر غربی در مصاف با ایران اسلامی بقرار شد و رسانه‌های پرنفوذی را برای ریزش توان ایران و رویش قوای غالب در غرب (**تشکیل اتحادیه‌های غربی علیه ایران**) آغاز کردید، در چنین وضعی ما فقط به دکتترین دفاعی - امنیتی بطور تئوری و عملی استحکام یافتیم و الحق، سازمان صدا و سیما در این مورد، خوش نقش بازی کرد و دست مریزاد گفتن داشت و در همین راستا معلوم میشود که اگر در اصول خود دارای دکتترین و راهبرد‌های ویژه و کاربردی باشیم از سرگرمی‌های بعضی تضاد‌های داخلی رها میشدیم، آنگاه با شدت و حدت اغازیه جوهر انقلاب ادامه میدادیم و نباید در مرحله تعلل می‌کردیم، لیکن اغلب مشی ما، نظیر کنش‌های دکتترین دفاعی- امنیتی نبود و چون آغاز چپاول‌گری را گسترده را در سال 1368 ملاحظه کردم، **کلاً از دولت استعفاء کردم و به فکر و چاره افتادم که چه باید کرد؟ تا ضررت‌های حقیقی- یقینی والگو وار پیدا شود (به کارنامه من مراجعه شود)**،

فعالیت‌های صدا و سیما در تمکین از دولت‌های وقت خود؛ اولویت بندی شده بود، ولی نقطه‌ای بوده، به بزنگاه‌های سیاسی دولت معطوف میشده است، اگرنگوئیم تمام وقت، بیشترین اوقات در راستای فوت و فن‌های دولت فعال بوده است تا ولایت مطلقه، مخ‌کار و اندیشه‌فر انقلاب امام امت و رهبری انقلاب، برای حکومت اسلامی و آنچه به جهان وعده داشته بود، نبود، **معاذیری وجود داشت که هنوز هم وجود دارد**، ولی راه کاهشی معذورات فراهم شده است، لکن این مشی تبلیغاتی که منحصر تبلیغات بزنگاهی و نقطه‌زنی است با اصول و چارچوب‌های نظام حکومتی و حیانی و مقاصد امام امت سازگاری نداشته و فرصت‌های ارزنده‌ای را که خود منحصر بفرد بوده از دست رفته است، آن فرصت مغتنم که یاران امام در طلایع انقلاب داشتند و جهادگرایی‌های حیرت‌آور والگوواره‌های جهادگرایانه رخ میداد و برای دشمن داخلی و خارجی کمر شکن بود، در فضای‌های بعدی که آقازاده‌ها و سلاطین زروزور و چپاول‌گران و کاخ‌نشینی‌های عزلت‌پناه در گوشه قصرهای خود خزیده بودند، از دست رفت که رفت، دنیا پرستان از آشیانه خود بیرون آمده و به تدریج با لطائف - الحیل و تدبیرها و چاره‌جویی‌های لطیف، از هزاران مسیر دینی، غیر دینی، غربی، شرقی، پارتی‌بازی، رانت‌خواری، مساجد ضارره و... که داستان راستین آن از کوه دماوند بلند و بالا تر است، یک شکاف عظیم بین آنچه حکومت اسلامی و قانون اساسی اقتضاء میکند و بند و بست‌های غربی، فرهنگ غربی، ظرفی با محتوای ایرانی بودن، اسلامیت را جایگزین حلال و حرام و سایر احکام گهر بار اسلام محمدی (ص) نمودند، صورت جای حقیقت را در بسیاری از فعالیت‌های ایران گرفت، بجای اینکه طرح منزوی امریکا ریخته و فعال شود، مذاکره با امریکا از سوی غافلان و دشمنان داخلی و خارجی دیکته میشد، راه مشاوران مدیریتی خارجی با ادبیات و هرمنوتیک خاص غرب، کنفرانس‌ها، شبکه‌ها، معاشرت‌های زن و مرد، مسافرت‌های میلیونی

هدف دار، محکوم ایران در مصادرامور جهانی ، و غیره ، یک قوتی حبابی به غرب داد وداکترین های متنوع واز نوع مماشاتی با ایران آغاز شد.

در همین دوره از 1368 تا کنون ، باشدت وضعف بطوری نسبی ، اقدامات مفیدی از سوی اقتصاد دانان ، سیاسیون درراه حقیقت ، محققان حق طلب ، وعمدتاً شخصیت های معتقدی که از سوی رهبر معظم انقلاب منصوب شدند ، دانشگاه ها ، مجمع تشخیص مصلحت نظام ، وحوزه های دینی ونظیراینها ، انجام گرفت که بیشتر دادن طرح های مفید در تبلیغات ، **ایران 1400(که با 5 نفر ما انجام شد ومستندات آن به مجمع تشخیص رفته وعنوان ایران 1404 به خود گرفت)** ، طرح های مهندسی فرهنگی ، آمایش سرزمین ، استراتژی های شرکت های بزرگ اقتصادی – صنعتی ، ایجاد مرکز تحقیقات برای تولید محصولات از نفت خام ونجات ایران از تک اقتصادی متکی به نفت، کنفرانس ها ، انتقال تکنولوژی های لیسانس به کشور ، توسعه زیر ساخت ها ، ونظایر اینها که **سهام من دراین فعالیت ها از نظر علمی وفناوری چشم گیر وبسیار گسترده بود وحدود 500 مجلد ودها زونکن وبالع بر 500 هزار نوشته ومستند آن در کتابخانه شخصی من برای بازدید آماده است** .واین در حالی بود که ذات غرب با گذشته وآینده او فرقی ندارد،حالا با دستکش مخملی بیاید یا غداره بستن بر کمر ، کاش با همان غداره بستن در کمر می آمد که دستکش مخملی ، دست وچنگال مخوف آمریکا را در نظر ساده اندیشان ،پوشیده نگه داشت .

درهمین دوره ، نقدینگی وچاپ اسکناس های بدون پشتوانه درایران با رشد متوسط سالانه 26 درصد از مقدار 355 هزار میلیارد تومان درسال 59 به 1.979.900 هزار میلیارد تومان درسال 1398 رسید وبیش از 5هزار وپانصد برابرشد ،که عامل اصلی کاهش شدید وغیر منتظره پول ملی گردید وچون رشد تولید در همین دوره با رشد 5درصد ، یعنی کمتر از 20 در صد کاهش در مقایسه با رشد نقدینگی (به بهانه عرضه وتقاضا از سوی دولت های این دوره) بود، باعث گرانی اجناس وخدمات گردید واین بزرگترین ضربه اقتصادی بر کشور ونارضایتی شدید مردمی بود که با دلار 7تومان انقلاب کردند واینک شاهد دلار 18هزار تومان ویا در کانال های محدود شده بین 14تا 12 هزار تومان میباشند ، این نکته بسیار واضح است که در بازار نبرد به اصطلاح "تقاضا وعرضه" وبا توجه به سطح درآمد وضریب جینی واقعی ، چه کسانی تقاضا برای 80 تومان سال 1368 و18هزار تومان در سال های 1396 و1397 بودند ، **من در نشت های تصمیم گیری در مورد نرخ ارز در سال 1367 از 10 تومان به 20 تومان مخالفت کردم ووقتی وزارت وقت دارانی واقتصادی ، لایحه 20 تومان را به مجلس برد با مخالف شدید مجلس روبرو شد .**

بین کسانی که متقاضیان ارز های گران کننده پول ملی شدند وکسانی که به عنوان پیمانکاران سد ساز ، جاده ساز ، برج ساز و...ونهایتاً کاخ ساز ودارای ویلاها وزمین های واملاک حرام در بستر رودخانه ها وخريد اتومبیل های لوکس ولاکچری (لوکس گرانی وزندگی اشرافی ، اسراف وضد اسلام)و....بودند، یک همگرانی معنا دار ویک هم افزائی شدید در گران سازی خدمات وکالاها وافزون شدن واردات وقاچاق وچپاول گری های بی حساب ، رشوه دادن وگرفتن ، آلوده کردن سازمان ها وکارکنان واقتصاد وسیاست وهکذا بوجود آمد، یک هم افزائی بی حد وحصر و کنزوتکاترکه سرچشمه فساد اجتماعی را فراهم آورده

است ، استثمار دلالات و بهره تا 43در صد در سال و هزاران اجحاف و حرمان در جامعه انقلاب کرده بوجود آمد ، یعنی یک تضاد و تناقض شدید بین چپاول گران از یک طرف و فرزانه‌گانی که هزاران مقاله و رساله و کتب مبنائی و اصولی و اسناد برای توسعه کشور نوشتند ، ایجاد شد ، تفکر قدرتمند جدا سازی این دوفرقه متضاد ملی ، یکی با رانت ها و مداخله گری های بی شمار و دیگری با عشق به اسلام و مام وطن ، نه در صداوسیما بود و نه در استقلال بانک مرکز به عنوان جیب دولت ، آنچه بود شعارهای سالیانه رهبر معظم انقلاب و نصایح دل سوزانه ایشان و احکام سیاست کلی که آنهم در آرشیوهای دولت و غیره بایگانی میشد ، من در طرح و تدوین این سیاست کلی در تشخیص مصلحت مشارکت داشته و یا در سخنرانی های خود از ماهیت سازنده شعارهای رهبری ، سخن گفته ام .

دو ساحت فکری کاملاً متضاد ، یکی بمعنی تام کلمه "طاغوتی" و دیگری "انقلابی و الهی" در مصاف با هم در کنشگری های پنهان و آشکار جامعه به جریان افتاد ، علی الظاهر برنده این صف کشی ها نابرابر با جبهه طاغوت و مماشات گران ، و کلاوقضات بدکار (**شعر گلهای جهنم از من**) و خنده گوئی ها و مجالست هائیکه به اسلام و روحانی توهین کردن و نام های اسطوره ای بر فرزندان خود گذاشتن (تا نیروی انسانی زمان مراد خود را مهیا کنند) و لاکچری زندگی کردن و.... بوده و **اجحاف و حرمان کثیری از مردم انقلابی مظلوم را از سوئی دیگر به دنبال داشت (اجحاف و حرمان شعری از من)** ، من این دوره را 25 سال از سال 1368 الی 1393 میدانم و برای آن هزاران صفحه قلم فرسائی ، شعر سرودن ، و.... نمودم ، به نظر من جبهه طاغوتی با تفکر فعال و جبهه انقلابی بصورت انفعالی و مماشات در مصاف هم بودند ، **مماشات هم در دکترین های چند ضلعی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران و بخصوص در زمان اوباما وجود داشت و هم در جریان های سیاست گذاری داخلی به جزء رهبری نظام نهادینه شده بود ،** در سال 1393 ، دکترین مبارزه با دولت انقلابی ایران شدت گرفت ، تحریم ها شدت گرفت ، حمله داعش به سوریه و عراق و مکان های مقدس بخصوص شیعی آغاز گردید (و هزینه 7 تریلیون دلار غرب از 2003 در سال 2014 تحت خلافت ابوبکر البغدادی آشکار گردید) ، **برجام به یک الگوی برتر جهانی** از جانب جمهوری اسلامی ایران در پایان دادن به تولید تسلیحات اتمی و کاهش آن در سال 1394 و امریکا در **روز 18 اردیبهشت 1397 از عهدنامه برجام خارج شد و جبهه خارجی و معاند نظام ولایت از جلد مماشاتی خود خارج و شمشیر مبارزه با نظام الهی ایران از روبرستند ،** در این **پرسمان اجتماعی و بخصوص از سوی دانشجویان خط امام امت** و رهبری نظام شروع شد من لیست مستوفائی از پرسمان آماده و به مبادی ذی ریض ارسال نمودم.

بعضی از تحلیل گران دوران مماشات بر این عقیده شدند که ملت ایران بسیار پیچیده و حضورهای خاصی در جریان فر انقلاب ایران دارند ، قابل سنجش و ارزیابی و معیار و مناط گذاری نیستند ، این گونه تحلیل ها از هر کس که باشد غلط است و توهین هائی که در این رابطه به ملت و مقدسات کردند ، دامن آنها را بیشتر گرفت ، من با توسل به آیات الهی و اخبار معصومین (ع) و نوشته های ارزشمند دانشمندان حوزوی و دانشگاهی ، **بحث مستوفائی را در باب امت وسط یا میانه** (که بهاءالدین خرمشاهی در توضیحات و واژه شناسی قرآن بهیمن نام ، از امت وسط به عنوان امت بهینه یاد میکند که ابهام دارد) دارم

و مضایقی که دیگران و بخصوص سازمان های تبلیغاتی و رسانه ها در این مورد داشتند ، بخشودنی نیست ، شمه ای از بحث امت در این نامه آمده است ، آنجا که پای عمل است و آثار ساز است و منجر به الگو های برین جمهوری اسلامی ایران در صحنه های جهانی شده است به برکت وجود امت وسط و میانه ای که در جوف و عرض و طول نظام ولایت ایران زمین بوده و هستند و گروه هائی از این خصیصه الهی و جهاد گرایانه در سراسر کره زمین از تلاش گران صدیق صاحب الامر ظهور (عج) میباشند .

2. دکترین نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر محو شیطان بزرگ و نظام سرمایه داری و زمینه سازی برای ظهور صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که به امت شریف و پیرو امام امت از سوی خداوند متعال تکلیف شده است ظهور آقا قسری نیست و به قسرقاسر تحقق نمی یابد ، بلکه به زمینه سازی نیاز است .

دکترین نظام جمهوری اسلامی ایران از متون ارزشمند رهبری داعیانه امام خمینی "قدس سرّه شریف" کشف و دایر مدار تمامی تصمیم گیری ها و مدیریت های نظام جمهوری اسلامی ایران در کلیه حوزه فکری ، حکمت ، فلسفی ، سیاسی و غیره مربوط میشود و سازمان وزین صدا و سیما از این قاعده مستثنی نیست ، بلکه محور آگاهی دادن ، بیداری و اشاعه رهنمود های آن قاعد اعظم و تاریخ ساز در مبارزه با شیطان بزرگ بوده و از این نظر ، بمنزله صدای جاویدان امام امت و سیمای زیبای اسلام محمدی (ص) محسوب میشود و بدیهتاً مرکز بیدار باش جهانی ، اشاعه اصول و فروع دکترین نظام را که طرفداران علاقمند آن در سراسر جهان انتظار استماع آنرا دارند ، میباشد ، تا کی و چگونه پدیده های شگفت ، این تکانه فعال کننده را به کالبد صدا و سیما تزریق نماید و نظیر پدیده شوم کرونا ، نظام پزشکی کشور را در جبهه صدی قرار دهد ، نکته جالب اینجاست که مرجعیت ما را علاوه بر رهبری مقام فرهیخته ولایت در ایران ، مبتنی بر رشحات پر برکت و ایحاء خداوند متعال و قواعد سنت الله اعظم است که مقصود ذات مقدسش ، جزء "کنّ فیکون" نیست " از ابی امامة رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: « اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ فِي سُورِ مِنَ الْقُرْآنِ ثَلَاثٌ : فِي " الْبَقَرَةِ " وَ " آلِ عِمْرَانَ " وَ " طهَ . » ابن ماجه (3856)" ، ما بالاترین سطح مرجعیت جهان هستی را داریم و اگر بدین اعتبار نامه حُسن ظنّ پیدا کنیم و دایم متذکر شویم " صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ صَدَقَ رَسُولُهُ النَّبِيُّ الْأَمِينُ الْكَرِيمُ وَ نَحْنُ عَلَى ذَلِكَ مِنْ شَاهِدِينَ وَ لَشَّاكِرِينَ وَ لِحَمْدِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ " مرجعیت ما ، همان قدرت لایزال الهی و اقیانوس برکات سبحانی و جایگاه امن خالق هستی است و در مقابل مرجعیت غرب مبتنی بر مثلث شوم " امریکا ، انگلستان و اسرائیل " با منابع حرام و هابیت و دکترین پوشالی صهیونیسم ، فراماسونری و سایر کف های دریا است ، که در مقابل ما بمثابه کف دریا با اقیانوس نهان (به تدریج آشکار میشود تا دشمن به مکر خدا دچار شود) در بطن جمهوری اسلامی ایران نهفته است ، و امت وسط ، چنین درکی از قدرت خود و ضعف دشمن دارد!؟ درکی است که ایران اسلامی با این خصیصه و انجام شرایط تبلور آن ، بزرگترین قدرت جهان بوده و کسی را یارای صدمه زدن به توانمندی لایزال نیست.

جمهوری اسلامی ایران (IRISD) ، شیطان بزرگ را فاقد این مرجعیت پرقدرت میدانند و لذا از گسترش دکترین پر نفوذ و طرفدار جهانی ایران اسلامی هراسی مهیب پیدا کرده و مرگ خود را در این

جریان توفنده سهمگین قطعی میداند ، در تضاد حداکثری ، ده ها دکترین نهران و آشکار علیه ایران بکار برده و تا سرنوشتی قطعی آن و چگالی و سنگینی این ضدیت را در تمام عرصه ها نظیر تجاوزات فرهنگی ، فیزیکی ، درون مرزی ، برون مرزی ، و... تشدید کرده و از هیچ حمله ای ، نظامی و غیر نظامی علیه منافع ایران منصرف نشده و **کلیت غرب را برای فعال کردن این مبارزه شدید و وحید ، با تمام تند و تیزی ، خشم و غضب ، همپیمان ساخته و به غرب سرمایه داری ظالمانه فهمانده است که بقای شما در نابودی نظام جمهوری اسلامی است (والسلام نامه تمام عجیب نیست که داعیان مذاکره با آمریکا ، این قوت و استعداد را نمی فهمند و یا می فهمند و خودشان نیز دنباله رو غرب هستند در جای جای این مملکت)** و چون آمریکا و اذنان او ، امتحان بد سرشتی و شیطانی خود را در نظام مخوف و انسان کش سرمایه داری به منصفه ظهور رسانده و کشورهای شرقی ، افریقا ، و سایر بلاد از آمریکا و غرب ضربه دیده از بی عدلی غرب ، ذهنیت های غمگین داشته و هزاران کتاب و میلیون مقاله ، داستان ظلم و تعدی نظام شیطان بزرگ آشکار ساخته و بداهت آن در فرهنگ های کشورهای استعمار و استثمار نهادینه شده ، قبول ذهنیت سریع الحضور در این مورد دارند و از این رو ، جمهوری اسلامی را دارای مقامی ممتاز در مدعی العمومی و دادستان جهانی را در این دادگاه جهانی باور نموده (**حتی محققین حقیقت یاب در غرب و بخصوص در آمریکا**) و در حقیقت ، آنچه مشاهده و کشف و شهود میشود ، دنیا در تمام ابعاد فیزیکی و معنوی به دودسته موافق و مخالف با نظام اسلامی ایران از درون و برون درآمده ، و چون جبهه حق همواره پیروز است و **حسن ظنّ امت واحده و وسط بر این عقیده پای می فشارد و قول خداوند متعال را صادق میداند " وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا، الإسراء 81"** اقبال راستین دارد و کسانی که مخالف هستند ، نه اینکه احمق هستند بلکه بقای خود را در مخالفت و ضدیت آشکار با این نظام میدانند و در این جریان بسیار هزینه میکنند ، راه روشن است ولی در دل های روشن و دیدگان بینا و بسیاری از اسرار و رموز خلقت و احکام الهی وجود دارد.

از منظر تکالیف بس دشواری که به عهده سازمان صدا و سیما است ، دو فرقه هوشیارانه به صحت و سقم در این مبارزه گوش و چشم دوخته و حتی به جزئیات آن توجه دقیق دارند و جولانگاه هائی برای این منظور تدارک دیده و به رصد کردن آنها مشغول هستند ، **امت وسط واحده در تمام جهان که فعلاً در تفریق مرزی هستند** ولی دلپاشان از شیطان بزرگ خون و زبانشان برای رساندن نیات پاکشان به مرکز تحریر و اشاعه در کام و لب های دوخته و دخمه های مخوف و زندان های کثیف صهیونیسم و فراری و در حال مبارزه ، **که نیاز به تشکیل وحدت این بپا خاسته و مقوم در علیه دشمن خونخوار شده** و فرقه مخالف نیز در سراسر جهان در لباس و هیبت های مختلف ، با دین علیه دین ، با سفسطه علیه فلسفه حقیقت یاب ، با علوم باطل حسی در مخالفت با حکمت متعالیه و حکیم های زمان خود ، و... آنها نیز وارد مبارزه شده ، قلم بدست ، شمشیر به کمر ، با وسایل و ابزار فراوان شبکه و رسانه های معاند که شیطان بزرگ در اختیار آنها قرار داده است ، سخت فعال هستند ، **بقیه مردم جهان که خدا و شیطان آنها را رها کرده است ، در خواب سنگین ، سرگرم بازی و لهو و لعب ، کاری به این مبارزه بی امان ندارند ، آنچه شنیده اند و یا در مجالست خنده گویی خود در ذهن انباشته کرده اند** ، برای خالی نبودن عریضه ، باز پس میدهند ، با یک تشر از کرده خود ، خود را پشیمان جلوه داده و اگر محتاج به امت وسط شدند ، یک شبه لباس موافقت و تقوی به

تن کرده و پس از سوء استفاده ، تعویض البسه میدهند ، **اینها و الضالین هستند** و اعضای حزب باد و ممکن است که هدایت شوند . **وجود مثلث "منعمین ، مغضوبین و ضالین "** برای سازمان صدا و سیما و ساختار **متشکل از ارگان‌های روشنفکران دینی در ایران (متعلق به حلقات زنجیره امام و امت) ، تعیین دکترین نمی‌کند** ، راضی نگه داشتن همه ، مثل اینست که در پی راضی کردن شیطان بزرگ بوده و جلسه مذاکره و گفت‌وگو برای اقناع این جرثومه فساد تدارک کنید! ، قدرت اینک در دست ما است و نحوه از این فرصت گرانبها به دکترین نظام در این مبارزه بی‌امان نیاز دارد.

سختی کار و انجام وظایف سازمان صدا و سیما هم در این مفاهیم و معانی است ، در این نیست که بودجه ندارد ، مشکل تحقیق دارد ، مشکل روش دارد ، مشکل فقدان مدل کار دارد ، مشکل ... دارد ، **طرح ایجابی و سلبی ندارد ، متن و محتوا ندارد** که فرموله شده آن برای همکاری و مشارکت های اجتماعی در اختیار قرارگیرد (منتظر است عده ای طرحی بیاورند و خودشان اجراء کنند) و ... ، فرزنانگان جهان به خوبی به تمیز این دوجریان تقابل پرداخته و در پی اخذ الگو و مدل هستند ، **تا در پلتفرم آن مشارکت کنند** ، حوصله شنیدن ، خواندن و نوشتن دارند ، از همین فرقه در امریکا ، آنقدر از خباثت ترامپ نوشته اند که بسیاری از مردم و حتی محققان ما از آنها بی‌خبرند ، کلیسا ها در اسلام شناسی و خیریه سازی و رصد کردن مطالب نجات بخش از مساجد قوی تر عمل میکنند ، ما چه دکترین و استراتژی در این همکاری چند جانبه داریم ، چقدر سفیر هماهنگ کننده داریم ، سران سرمایه داری از بدهی های بزرگ و عدم پرداخت تعهدات خود به طلبکاران در مانده و هراس دارند ، ولی اهل حق و حق شناس دنبال الگو و روش هستند ، این سکوهای راهنما چگونه شکل میگیرد و تکالیف صدا و سیما در این عرصه مبارزه و گفت‌وگو چیست؟ ، **مگر ما مسئله ای مهمتر از رویش عدالت و ریزش ظلم و تعدی در جهان داریم ، برای چی قیام کردیم!** ، مگر جلوه ای و یا خبری عظیم مهمتر قریب الوقوع از ظهور وجود دارد که نیازمند صرف وقت و هزینه باشد! ، زمینه سازی به صور مختلف هنری و برهانی برای مسئله ظهور است ، آیا جلوه های حضرت صاحب الزمان (عج) کم جاذبه دارد؟! ، آیا اخبار ظهور از امامان معصوم (ع) شوخی بردار است؟! ، **من جرج فریدمن ژنو پلیتیسست معروف را با همین اخبار شکست دادم**) ، **آینده برای ما معلوم و نیازی به آینده نگری نوع غربی نداریم** ، حربه و استدلال بزرگی در اختیار داریم ، قدرنمی شناسیم ، آنقدر که **آمریکا برای یافتن آقا صاحب زمان (عج) هزینه کرده ، ما نکرده و بی خبر هستیم** ، کمونیسیم که اساسش باطل بود در مقابل نظام سرمایه ، پس از 28 سال در جهان شرق و غرب ریشه دوانید و نظام خود را پیاده کرد و بلوک کمونیستی را پیاده کرد ، **در دنیا که ما مدعی عدالت گسترده شدیم ؛ هنوز کوکی گل و فضولات حیوانی میخورند ، در حالی که میلیارد ها تن جلبک طبیعی و قابل تغذیه در کشورهای مردم گرسنه وجود دارد!** ، ما برای دنیا ظلم و تعدی ، سخنان جاویدان داریم ، چرا صدا و سیما در این مورد بیشتر به حواشی میپردازد ، تصریح میکنم ، منظورم از حاشیه رفتن صدا و سیما ، به حاشیه رفتن موضوع اولی ظهور صاحب الزمان (عج) است ، موضوع این نیست که شمایل و بعضی اخبار حضرتش روی آنتن نمی رود ، به لحاظ تحقیقات جامع عرض میکنم ، که وقتی نظام سرمایه داری که از قرن هیجدهم ظهور کرده و به شالوده سازی آن مشغول شد ، **دنبال ساختن برج و بارو نبود** ، **دنبال سیستم گذاری این شالوده و ساختار آن تا بن دندان نظام بود (مثل هالیوود، بانکداری ، تجارت و... سیستم های جهانی آن)** ، با یک نگاه کل گرا

به کلیت سرمایه داری و قوام بخشی آن در همه ابعاد و انسجام مولفه ها و ارکان نظام آن ، به جزئی سازی این کل پرداخت و اعلام کرد که تا اجزاء کل مشخص نشود ، موضوع مبتلابه شناخته نشده و فهم نمی شود و سیستم یک پارچه برای سیطره نظام بر جهان ، صورت نمی گیرد ، **این یک دکترین عقلانی و جامع نگر در خردورزی نوع ادبیات و هرمنوتیک غرب بود** و مثل تاریخ ادبیات ما ، فقط به مداخل و مفردات بسنده نکرد ، بلکه این را فهمید که مداخل مسیح و یهود و فراماسیونری ، صهیونیسم و غیره ، باید در عبارات و جملاتی قرار گیرد که نماینده ادبی و فرهنگی نظام سرمایه داری شود ، **ما مستقیم قرآن را این طور معنی کردیم ، یعنی "راد و سهی" یعنی بی هدف ، ولی غرب رسیدن مستقیم را دایرکتالی اتخاذ کرد که به اهداف بزرگ و میانه و کوچک و ذره ای نقطه گذاری شود** ، مثلاً در مورد بانکداری و دادوستد ، هزاران واژه در ادبیات فاینانس ، معاملات ، انتقال پول و... در اقتصاد مسلط خود قوام بخشید که شاخص ها و استاندارد های دقیق شناسانده آن ، جهان را پر کرده است ، **اینجاست که صدا و سیما و غیره محکوم میشوند** ، من نمی گویم که صدا و سیما ، یا سازمان تبلیغات (**که در پروژه بزرگ اسلام شناسی ، ناظر عالی بودم و چهل مجلد بزرگ آن در کتابخانه شخصی من است**) و غیره ، دست بکار طراحی سیستم های واجب مملکت اسلامی بزنند و از برج سازی و حتی در وسط رودخانه جلوگیری کنند بلکه به اعتبار رسانه ای خود ، هزاران مطلب را نگفته و فریاد نکشیده و در رسانه و سازمان مبلغ ظهور و تکالیف امت در صاحب الزمانی عصر خود نشده است.

خداوند متعال ما را به خاطر ایرانیّت موکلف به زمینه قیام آل رسول (ص) نکرد ، ما تنها یک کشور شیعه حداکثری جهان هستیم ، یعنی همین عنوان که بر پیشانی خودمان ممهور کردیم ، **برای همه امور ما ادبیات مقوم دارد " و ما أمرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ، سوره بینه آیه 98** " با دین حقیف ابراهیمی ملازمه دارد در همه ابعاد و فعالیت های جماعی و اقتصادی و غیره و فقط مختص به نماز و روزه نیست ، فرمود در آن اعوجاج و انحرافی قرار نداده است ، بلکه این دین را قیّم قرار داده و **مقصود از «عوج» و «قیّم» در آیه در آیه 1 و 2 سوره كهف «الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب و لم يجعل له عوجاً قيماً»** اینست که از اعوجاج دنیا پرستی ، اشرافیت و لاکچری و پرستی بازی ، خوش گذرانی و سرگرمی های لهو و لعب پرهیز شود نه صدا و سیما به آنها بپردازد ، چرا که قرآن به قیّم توصیف شده است و این تکلیف به قیومیت و قیام و قوت های آن بستگی دارد ، غرب در ادبیات و هرمنوتیک خود ، سهم بزرگی به موضوع قیّم (**protector or proof**) دارد ، ساعتی که ساخت با استاندارد پروف درست کرد ، ماشین ، ابزار ، و.... بعدها مارکت پروف ، کمپانی پروف ، صد ها پروف و.... برای قوام بخشی ساختمان سرمایه داری که تخریب آن با موشک و شعار و اینها نیست ، در جنگ متقارن ، پروف در مقابل پروف است ، ما از نظر دکترین ، دین ، امت وسط ، ادبیات غنی ، **فرمایشات ائمه معصومین (ع) و ولایت مداری و نظام برتر از نظریه تفکیک قوا (به مقالات من مراجعه شود)** و بسیاری جهات دیگر و تکالیفی که در خور این شایستگی های بنیادین است ، لذا از همه آئین ها برتری یافته و چون با عنایت الهی بوده ، میزان وزین و مکیال دقیق دارد و از ضرورت بالقیاس است ، بدین معنی که باید در همه ابعاد و تکالیف الهی و برای همه سازمانها ، یک فعل واحد طرح شود ، که اولی بر همه افعال و حاکی از ضرورت تامه برای نظام و اهداف آنست ، **زیرا فعل یا از علل تحقیق نتیجه و ظهور**

معلول (شکر عملی - اَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ-آیه 13 سوره سبا) منظور است ، که بین علت و معلول ، قیاساً ضرورت بر قرار میشود و این افعال تا آنجا ادامه پیدا میکند که معلول یا معلول های هدف دار و مستغنی حاصل شود و به قوانین و مقررات تبدیل شود ، و فقط با جعل مجازات جرم بدون اینکه زمینه ها و شالوده های آن مبرهن و مشخص نشده ، اثر بخش نبوده است ، بخصوص که وقتی ما از ضرورت " علیت تراکمی " سخن بگوییم می آوریم که غرب در شکست کار و فعل به اجزاء دچار افراط و در کلیت سیستم های ضرور و حقیقی ، دچار تفریط شد (رساله نهم "افراط و تفریط غرب" از این نویسنده) .

ببینید از آنچه که باید انجام میدادیم و آنچه انجام شد ، فاصله از زمین تا آسمان است ، و این موضوع در همه ابعاد نظام است ، و همه مقصر هستند ، اگر فعلی مشخص شده تا فیها خالدین پیش نرفته و در میانه مانده است در میانه طرح مانده ، یا در انجام پروژه ، و یا در میان راه به بهانه های تحریم و بعضی معاذیر که ربطی به ادبیات و مجموعه ظرفیت ها و فرصت های نظام ناشی از قیام انقلابی امام و امت ندارد ، یا منفعل شدیم و یا غافل که ظرفیت و فرصت با اعوجاج در شالوده مورد نظام ، به برج و بارو سازی ، کاخ ها ، ساختمان های رفیع اداری ، و محمل های زندگی لاکچری و رفاه زدگی عده ای خاص شد ، آنچه ضرورت تام بود و الحق در مستند سازی کار شد ، بایگانی گردید ، و آنچه ضروری نبود و خوش آیند غرب و مردم رفاه خواه بود ، در صدر مطالبات و تصمیم سازی و تصمیم گیری قرار گرفت ، در این دوره غرب با استفاده از پیام و ریشه یابی در اسلام و مبانی آن مشغول پروژه های یقینی و استاندارد معنوی (به نامه من به سازمان استاندارد ملی مراجعه شود که وقعی نهاده نشد) و تغییر بنیادین در معادلات سیاسی - اقتصادی گردید و از این روند تغییر ، عده ای محققین حقیقت طلب در جهان جستجوگری ، نصیب حضرت مهدی (عج) گردید ، وقتی که یک نفر از من سوال کرد ، این همه نوشتی و میفرستی ، در امریکا که علیه ایران است ، چه کسی می خواند ، پاسخ دادم سربازان صاحب الزمان (عج) در امریکا ، مستقبل قدوم مبارک مولایشان امام زمان (عج) هستند ، برو از خواب ذهن زندانی خود رهائی یاب (به اشعار زندان ذهن ، زندان زمان و زندان دنیا از دیوان من مراجعه شود) ، بدیهی است که نه من و نه هیچ عاقلی انتظار ندارد ، که صد اوسیمای زیر بار سنگین این تکالیف عظیم برود ، کوه هیمالیا هم نمی تواند ، ما در بُعد رسانه ای ، تبلیغ ، تنویر افکار ، بیداری ملل ، آشنائی ملل جهان با مضامین و قواعد نظام نوظهور جمهوری اسلامی ایران و بیان خصوصیات و ضرورت های احکام عدالت توزیعی و قسط و عدل آینده آقایمان حضرت مهدی (عج) کار داریم که برای آن بسیار کار شده و نسخ آن تقریباً آماده است ، سخن و استدلال داریم.

3. امت وسط و مشخصات ویژه آنان دایر مدار دکترین نظام است و نیروی شایسته دکترین نظام جمهوری اسلامی ایران میباشند.

با زمینه سازی این قیام جهانی- الهی که خبر آن در 14 قرن پیش داده شده و در ادیان الهی آمده و در قرآن ، و ارثان زمین را در سوره قصص آیه 5 "و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ أُيْمَةً وَ نَجْعَلُهم الْوَارِثِينَ" معلوم نموده است ، می توان اسرائیل ، امریکا ، نظام سرمایه داری مسلط و همراهان شیطان بزرگ را منزوی و فاقد قوت و استعداد های ضد اسلام و ایران نمود ، بدینسان مرگ نظام

شوم آنها وانهدام مسببات و ابزار های مخوف آنها با اتکال به خداوند متعال میسور خواهد شد آیه 3 از سوره طلاق " **وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا**" هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را بس و مکفی است؛ همانا خداوند به خواست خویش می رسد و برای هر چیزی در این اراده عظمی، اندازه ای قرار داده است، یعنی **بین قوت و استعداد امت وسط** که در حادثه تاریخی در دوران انقلاب از جانب خداوند متعال تکانه ای ایجاد کرد ، **باید یک موازنه و تراز در شالوده و ساختار و بخش های صدا و سیما طراحی و تعبیه شود (در همه امور هم ، همچنین) ، هم تراز ی و هماهنگی دائمی و تعمیمی صدا و سیما با ذات انقلاب در تمام اضلاع رسانه ای** ، موضوع دادستانی کل نظام به تعبیر امام و امت است ، این بحث فراگیر و جامع و از مواضعات تعمیمی ذات انقلاب است ، **بموقع یقه میگیرد** ، روزی چپاول گران از زمان رژیم منحوس گذشته که به مصادره میکشاند ، روزی به تکانه های تجاوزات به خاک و وطن ، روزی گرفتار شدن محترکین در احتکار کالا و.... و این سیر پاک سازی از ساحت مقدس ایران اسلامی ادامه دارد ، ظاهرش مقطعی و نقطه ای است ، ولی باطنش جریان ی و موج ، با سریال سرگذشت حل و فصل نمی شود ، با چاپ اسکناس بهبود نمی یابد ، با فعالیت بسیجی و انقلابی ممکن است و دنیا وضعی بهتر از ما ندارد ، بلکه بدتر و بدتر (**به هزاره ثلاثی من در بحران ها و چالش های ویا 100 مشکل آمریکا مراجعه شود**) ، با مقاومت و مشارکت همگان ، این مشکلات مرتفع میشود ، مردم منفعل غرب ، این خاصیت مقوم را از دست داده اند، قدرت فعال از کف دریای جهان منفعل ، برتر و بر آن سیطره ذاتی دارد.

زمینه سازی یک دکترمند از سوی رهبری نظام ، دولت ، قوا . رسانه ها و امت بپا خاسته است ، و موجب قوام بخشی و عقب نشینی دشمن ، هم رانی ملل مظلوم و کشور های هم گرا و نزول برکات الهی ، بخاطر این بسیج ملی است (**این تجربه بدست آمده است که در هر مورد ضروری که بسیج ملی استقرار یافت ، برنده نهائی و ممتاز کشور ایران بوده است**) ، **بزرگترین ظرفیت جهانی و فرصت های الهی از طریق شکل گیری امت وسط در ایران و شعبات آن در اقصاء نقاط جهان ، در اختیار ما است ، هر چه از این ظرفیت و فرصت های استفاده نکنیم ، جبهه را در اختیار دشمن خونخوار قرار دادیم ، سلاح برنده ما منطق ما ، گویش مستدل ما و عدالت خواهی ما و به عدالت رفتار کردن ما ، پاک سازی ملی از چپاول گران ، دشمنان داخلی و نظیر اینها است ، اینها اولی بر هر چیز دیگر است** ، خود راه می گشاید و مساعی مردم کوشا ، کسبه منصف ، خلاقان و شرکت های دانش بنیان و جوانان و پیران در راه اسلام و عظمت ایران اسلامی را هزار چندان بر میتاباند ، شک نکنید که کار خدا ی عزیز شکل ندارد، آیه اول دوم از سوره بقره " **ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ، هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ** - این کتاب که هیچ شک در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است."

امت وسط گواهان سایر امم در جهان و آخرت است آیه 143 سوره بقره " **و كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا**" ، فقط مربوط به امت وسط حضرت ابراهیم (ع) نیست ولی دین حنیف ابراهیمی است ، بلکه این پدیده ای است از جانب خداوند متعال در قیام های سنت الهی که ذات حق ، اراده میکند، که به منش الهی و خصلت انسانی ملهم از قرآن ممتاز میشود **و باید این**

خصوصیات بیان شده در قرآن و سخنان اهل بیت (ع) مرتباً تبلیغ شود که دشمنان داخلی و خارجی را دچار ترهون (ترسان و لرزان) کند، و مجال تفکر عنادی و ضربه زدن از آنها سلب و به اشتباه کاری و اعوجاج دچار شوند، که عینیتی از " **وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ**" سوره آل عمران ۵۴ است، که با خُسن ظنّ به صاحب سخن که آفریده جهان هستی است، جهان عینیت آنرا خواهد دید و زمنیه ها برای بسیاری فرصت های بین المللی فراهم میشود، در پیش بینی های من، فرار سرمایه داران امریکائی از ینگه دنیا به سایر نقاط جهان، آمده است، شروع شده است دنبال جاهای امن میگردند، سرمایه هم فراهم میشود، اطاق سوئیفت هم راه می افتد تا طرح های اسلامی ناب الگو سازی و صادر شود، به خدا قسم باورها ضعیف است، اگر هزار معجزه رخ دهد، باز یهود و بنی اسرائیل و طرفداران داخلی و خارجی، آنها را عملیات ساحران و جادوگران میدانند (مبانی این حکمت متعالیه نجات بخش با تحقیق دانشگاه ومدل های این طرح و حیانی با آلفای کرنباخ و از این سوال کردن، بدست نمی آید، در طرح پلتفرم من به تفصیل آمده که ملخص آنرا در همین نامه و پیوست مشاهده می نمائید.

ولی امت وسط در حکم حجت و افرادی چون خُججی است، یکی از اینها به هزار غیر امت وسطی می ارزد، نظیر سردار سلیمانی در امت وسط و چرخه ولایت پذیری ظهور میکند، در تمام نقّادان غیر امتی، یکی محض رضای خدا پیدا نمی شود، امت وسط عدالت خواه و عدالت پرور است، با لقمه حلال فرزندان صحیح العمل و طالب شهادت تولید میکنند، امامان معصوم (ع) در معیت امت وسط است، همانطور که خداوند متّان در معیت هستی و مخلوقین خود است، امت وسط از هوش و ذکاوت و فطرت سالم و ممتاز برخوردار هستند و آخرت را بر دنیای و مافیها ترجیح میدهند، در حوادث روزگار و حوادث های تلخی که بر انقلاب اسلامی و ایران اسلامی آمده، این امت وسط بوده که باصور گوناگون و چهره های متنوع و رفتارهای جذاب و خیره کننده برای فروکش کردن آشوب ها، فتنه ها، بر طرف های مشکلات، ساختن خرابی های وطن و اعتلای اسلام و دفاع از میهن عزیز مساعی خود را بکار برده است و الگوها ساخته و جهانیان را مبهور خود نموده است، ما باید در بالندگی پایداری این امت، بسیار کوشا و پیش برنده باشیم، شاکر باشیم و در زندگی و معیشت آنان که دست به چپاول و گران فروشی و حق کشی نمی زند، نگاهی منصفانه داشته باشیم و لذا درگیر کردن امت وسط در سرنوشت محتوم این نظام، یک ضرورت تمام است در تمام عرصه، جوان و پیر نمیشناسد، با مبانی نظام سازگار و همونوا وهم دل است، درگیر کردن این جمهور از مردم، موجبات وحدت کلام در بین مسئولین نظام و تنظیم راه حل های بنیادین نظام است.

این امت وسط است که لبیک گوی رهبری حق خواه نظام در صحنه های مبارزه و قیام علیه دشمنان داخلی و خارجی هستند و با صدای رسا، میگویند که صف ما از صف فتنه گران و اوباش جدا است، اگر این جمهور اوسط ملی نبود، خیلی چیزها بر باد میرفت، خداوند در این مورد معجزه کرده و ما از فرصت ها و ظرفیت های این گونه معجزات در تصمیم های سازمانی خود غافل هستیم، امت وسط شکل گرفت که وعده الهی که از حلقوم الله گوی امام خمینی (ره) به سمع و نظر امت رسید، با این عده و عده تا ظهور حضرت مهدی (عج) تحقق یابد، یاری کنیم این جمهور خاص را، این دریای خروشان علیه ظلم و ستم

جهانی را ، با قلم ، بابیان ، با تحقیق ، با تفکر ناب ، با قرآن ، با اخبار معصومین (ع) ، با مقام معظم رهبری ، و سایر پتانسیل های تولید شده مربوطه که باید شناسائی و بکار گرفته شود و بلاخره امت وسط ، امت اعتدال ، شاخص ووزین تعالیم اسلامی است و منظور ما از مهندسی فرهنگی و سایر مهندسی سازی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط به این سبقه عالی و صبغه الهی است ، یادمان باشد که امت وسط بر مبنای آیات الهی (129- 127سوره بقره) ، شاهدان دنیا و آخرت مردم هستند، برگزیده هستند ، کار لجستیک عدالت توزیعی ، آمایش سرزمین ، رونق تولید ، رجعت اعتبار و ارزش پولی کشور و صدها کار بزرگ با کمک امت وسط میسر است ، قدرت یادگیری و بکار گیری آنها را دارند ، من نیز با مطالعه دو ترابایت در هیاهوی جهانی ، خوفی عجیب در دل دارم ، اسلام گریزی بعضی وطن فروشان و مغرضین داخل ایران ، یا اسلام گرائی و حق باوری جمهور محققان راستین جهان ، که می بینند و می فهمند که طرح های شیطان بزرگ دایم شکست می خورد و اینکه چرا آینده نگری و محاسبات آن در تجارت ، در سیاست ، در رفع بیکاری و صدها موضوع اساسی دیگر ، هیچ فایده ندارد ، ما را مجاب میکند که نباید به فریختگان جهانی ، از داشتن و عرضه یک سکوی راهنمایی دریغ کنیم ، نه فقط بصورت مقلدانه با لعاب اسلامی ، که همان نقش رسانه ای محض را ایفاء کنیم که دشمن جاذبه های بیشتری را در این مورد، چاشنی تبلیغات خود میکند .

در توصیف امت وسط آمده است که امتی شایسته و ممتاز ، بدون افراط و تفریط ، مصون از هرگونه حق کشی و چپاول اموال مردم و مدافع حقوق حقه مردم ، و گرفتار مادیات و دنیا پرستی نیستند، در ایجاد روابط و مشارکت های اجتماعی و اتصال با سایر کشورها پیشتاز و استوار هستند، اینان باید رئیس ، مدیر و مسئول والگویی مردم قرار گیرند ، ولایت پذیر و مراعات کننده قوانین و مقررات کشور هستند، امت وسط ایران اسلامی ، مصداق امم وسط گذشته هستند و تا کنون همین ها بودند که ارکان نظام را ننگبانی و حفظ نمودند، راه یافته و قوت اسلام هستند، مطالبات آنان ، همان مطالبات اسلام و نظام است ، این امت بطور ذاتی دارای دکتترین نهائی جمهوری اسلامی بوده و پذیرای و فاکاری در ایفای نقش برین آن میباشند ، تمام این مطالب فوقانی و مطالبی که متعاقباً خواهد آمد و منبعث از 500 هزار صفحه تحریر من در این باب است و از وصایای امام امت (ره) ، تدبیر در قرآن و مطالعه بیانات نجات بخش ائمه معصومین (ع) ، چالش های و بحران های جهان ، سخنان حکیمانه اهالی حکمت و.... میباشد ، ایجاب میکند بیک دکتترین کاملاً متمایز از محتوای گران سنگ انقلاب اسلامی ایران ، سیاست های کلی ، رهنمود های مقام معظم رهبری و ده ها اثر موثر و معالج در تشکیل این دکتترین و راهبردهای و سیاست های در تمام زمینه فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و غیره به متن و محتوا تبدیل شده و سکوی تبلیغات ، نه فقط در محدوده و دیوار کشیده شده سازمان صدا و سیما ، بلکه از طریق محققان و فرزندان امت وسط که بحمدالله تشکیل شده و جولان گرفته ، از هر شبکه رفیق راه و هر خانه دوستدار قرآن و اهل بیت که دعای کمیل و ادعیه اسلامی بودند و هستند و هر مسجد مکلف به این امر ایجابی و هر محقق دانا و دین دار و میان رشته ای و.... در مقابل هجمه دشمن غدار و فریبنده ، چون سونامی عمل کنند و از یک سکوی هدایت برخوردار شوند و وحدت کلام در طرح مسائل ضرور ، حقیقت یابی ، لزوم برقراری پروژه های سلبی و ایجابی ، و غیر اینها ، برقرار گردد.

دها دکترین شکست خورده و دکترین تضعیف شده آمریکا برای نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران ، طرح شده و ادامه دارد ، شدت وحدت پیدا میکند ، لذا تنها نباید به دکترین دفاعی – امنیتی ایران اکتفاء کرد و از عده و عده تمامی اهالی امت وسط ، بی بهره بود ، بخش اعظمی از شناخت این عده و عده (نفرات و تجهیزات) ، در راه تبلیغ و صیای امام امت و دادستانی رهبریت کشور ، **به عهده صدا و سیما است** ، بسیاری از حملات و یاهه گویی ها و تضعیف ایران دسلامی از سوی دشمنان داخلی و خارجی و موفق نشان دادن امریکا در اعمال تحریم و سایر زور گویی ها ، برای اینست که القاء توجیه کننده رسانه ای دارند که مدعی هستند که مردم نظام جمهوری اسلامی را نمی خواهند و بدینوسیله از داخل به خیانت کردن به اساس و ارکان آن مشغول هستند و از گل آلود کردن آب زلال اسلامیت و ایرانیت ، همچنان برای خود و اربابان خود ، به استحکام ، آیش خور های آنان ادامه میدهند و **این همه خیانت آشکار را افراد خرد سال هم میفهمند** و موضوع واضح و به صغری و کبرای پیچیده ای نیاز ندارد ، در جریان های سیاسی با روش غربی ، تشریفات مماشات ، پلیس خوب و بد و بودن و یک سری آموزه پنهان کاری و مغلطه گویی وجود دارد که در سیاسیون ما هم بکار میرود ، جمهور شرکت های بینان به سبقه دین دارای و اعتقاد به ارکان نظام ، باید در طرح جایگزینی و گزینه ها جاری و ساری شود .

موضوع دانش بنیان ها ، آنقدر که مدیریت مهم است در سخت و نرم افزار روتین فعلی نیست ، همانطور که ما در باب خلاقیت های کشاورزی ، صنایع ، تجارت ، سیاست و غیره نیاز داریم **در کشف و شهودهای مدیریتی که در پلتفرم قواعد مدیریت دانش مفید الزامی است** ، همانطور که من سالها کوشش نمودم که مفیدیت علم و دانش را از لقلقه زبان خلاص کرده و به دانش عینی در باب مدیریت ، ابداع نمایم ، این گونه ابداعات به برکت نظام جمهوری اسلامی ایران ، منجر به پایان عصر آمریکا ، مرگ دشمنان و تصاحب قدرت های درنهان است .

لازم میدانم ، بعضی از روش های غرب را در هم دردی و هم دلی های غرب که در کلیسا ها و اوپراها ، کنفرانس ها و غیره که بنام دین ، دریک آهنگ همنوایی و ارکستر سمفونیک های دل نواز و جذاب ، برای جلب مسیحیان ، یهودیان ، و سایر اهالی ادیان و حتی بهائیت و وهابیت و بیت پرستی با زرق و برق های مطلوب برای حضار و تماشاچیان و مدعوین ، راه انداختند ، یادآوری کنم ، آنان با این وسیله ، جبهه خود را قوی نشان داده و اسلام را در تئوری و عمل ضعیف و ناکارآمد جلوه میدهند ، ولی من مدعی هستم روزی که باید در میدان نبرد حاضر شوند ، این ابدان خوش گذران و در معیت **روح درمانده با این اجسام** ، کاری از پیش نمی برند ، ولی همنوایی مردم ما در ایران ، بمناسبت های گوناگون ، با نت و ملودی های دلنشین ، با معرفت و ادبیات اسلامی دست جمعی ، بمثابة سرود آزادی بخش مردم جهان از دست شیطان بزرگ است که باید شدت گرفته و توسعه یابد ، در این مسابقه نیز چون رنگ و طنین صدای ما در آمیزه ای از روح و تجسم تجلیگاه عشق به خدای سبحان است ، کارکردی جذاب دارد و قدرت تفکیک حق و باطل از یکدیگر را ایفاء میکند ، **چون آنچه ما در این هم آوایی و هم آوازی سرمیدهم ، مشحون از عدالت خواهی ، زودن فقر و گرسنگی ، حق خواهی و دفاع از مظلومان جهان و وعده به ارث بردن مستضعفان از زمین و دریافت سهام عدالت توسط آنان است** ، این پیام و آهنگ های روحانی آن را به حکم ضرورت زبان های جاری و معتبر جهان به سمع و نظر مردم جهان ، جاری و ساری سازید و **صدا و سیما ، بهترین رسانه برای این اقدام موثر و نیل به اهداف نظام است** .

4. قواعد مدیریت دانش مفید و پلتفرم جهانی آن با مرکزیت ایران ، سکوی تبیین و انتظار " اولنک یسارغون فی الخیرات و هم لها سابقون- آیه 61 سوره مومنون " که سابقون و هم پیمانان آنان مجری و میثاقدار این قواعد است.

بدیهی است که من باید تفکر و انباشت اطلاعات و متون تحقیقاتی جامع و چند جانبه و نیز عشق به امام امت(ره) و اهمیت دادن به موضوع ولایت مداری (**به عنوان اصلاح ساختاری و ماهیتی بر روح القوانین منتسکیو ورد بعضی از نظریه های وی در یک مقاله مفصل**) و تجربیات فراوان و کشف و شهود های زیاد در امور نهانی و آشکار فراانقلاب اسلامی ایران ، از پای ننشسته و تمام مساعی و همت خود را پس از استعفاء از دولت ، مصروف این دفاع از انقلاب از طریق ارائه سخنرانی های پر جمعیت (نظیر سالن سخنرانی و نمایشگاهی صداوسیما)، دانشگاه ها ، سازمان های شهرستان ها و غیره ، تدریس و مشاوره در ارائه استراتژی های سازمان بزرگ اقتصادی ، صنعتی ، خدماتی و کشاورزی ، دینی و غیره ، تدریس در دانشگاه و مراکز آموزشی و صدها اقدام دیگر که **در کارنامه به عنوان "1850 اثر ملی"** آمده تفصیلی از کوشش در پرتوی رحمت الهی است و در وب سایت من به آدرس www.elmemofid.com ضبط و ربط شده است ، **تمام این دست آورده های یگانه در عنوان یکتائی قواعد مدیریت دانش مفید(UKRM) به عنوان یک طرح و ابداع جهانی** ، ضمن تبلیغ و اشاعه آن به هزاران محقق جهانی از ایرانی و غیر ایرانی(از طریق ایمیل) و مکاتبه و منظره با بسیاری از آکادمی های جهان و ارسال بیش از 300 مقاله و چند رساله در این باب ، از مدتی قبل (از 5 سال پیش) طرح پلتفرم و سکوی این اثر ابداعی را که تاکنون بالغ بر 500 هزار صفحه در مضامین مختلف و مرتبط با این سکوی پرتاب است ، تحریر شده و از داده پردازی در پایگاه داده ها نظیر اکسل جای گرفته ، و در جداول تحقیقاتی مفصل تکوینی ، تشریحی و علمی و مدیریتی و غیره تنظیم شده و رسم پلتفرم مفهومی آن به شرح زیر آغاز گردید (**که تفصیلی بیشتر در لوح فشرده پیوست است**) و برای طراحی تفصیلی این اقدام بزرگ جهانی ، نیازمند به طراحان در معماری این شکو و شبکه ها و رسانه ها ، شعبات و گروه های تخصصی شده که سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برای استقرار این سیستم ، به مصلحت تشخیص دادم .

کلیت طرح از چهار رکن اصلی بنام های :

1. دانش نامه قواعد مدیریت دانش مفید

2. احصاء کلیه مفیدیت های جهان

3. احکام و قواعد مدیریت دانش مفید

4. مرکز جهانی ukrm.com

تشکیل میشود، هر کدام از ارکان فوق به چهار بخش بزرگ به شرح سطوح و سلسله مراتب UKRM و پلتفرم جهانی آن در جهان اسلام به تفصیل کشانده شده و به 16 مورد و هریک از این 16 مورد به چهار سطح زیرین آن جزئی (breakdown) شده و به مثلث مواضع ما (ثلاثی های قواعد مدیریت دانش مفید) تقسیم بندی میگردد، و هر کدام از ثلاثی ها به 10 یا بیشتر شعبه تفصیلی و هر کدام از شعبات تفصیلی به 100 و بیشتر از مفردات و مداخلیل ، ادبیات و هرمنوتیک تبدیل میگردد و پس از آن به شاخص ها و مناط ها و تبدیل شاخص ها و مناط ها به استاندارد های معنوی و فیزیکی پرداخته شده و با داده های کیفی و کمی ، **سیستم های تعاملی و پویا (dynamic)** توسط متخصصان علاقمند به این حوزه جهانی به طراحی

ومعماری این سکوی پرتاب پرداخته و برای زودن لاضرر ولاضرار بمعنی عام، رد علوم و فنون باطل ، هرگونه چپاول گری واجحاف وحرمان وحق کشی و... مدیریت نظارت وکنترل سیستماتیک در مبداء اقدام ورفع هزاران چالش وبحران جهانی بکار میرود ،اینست زمینه سازی جهانی برای ظهور صاحب العصر والزمان ، بقیه الله الاعظم روحی وارواحنا له الفداء که اینک با قدوم مبارک خود به همراهی حضرت مسیح علیه السلام ، حضرت خضر (ع) و سایر اولیاء و اوصیاء الهی در روی زمین به طرح و برنامه ریزی مشغول بوده ومنتظر ، استغاثه مردم دنیا از خداوند منان برای ظهور معظم له را به موجب " یَمْلَأُ اللهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرًا" بلند شوند وناجی خود را طلب کنند .

پیش بینی میشود که این دانشنامه ، بزرگترین دانشنامه پویا و تعاملی جهان (بر خلاف گوگل که دارای نواقص فراوان و ایستا است) بوده و با علوم جدید مولایم حضرت مهدی (عج) تکمیل و به مرحله تکامل نائل شود ، شکل های زیر را ملاحظه فرمائید:

دعا برای سلامتی امام زمان (سلام الله علیه)

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ ناصِراً وَ دليلاً وَ عَيْناً حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طويلاً.

It is arriving from the human, s inflaming heart

شاعر : محمود صانعی پور

Poet: Mahmoud Saneipour

میرسد فریادی از دل سوزان بشر

نغمه ای دلسوز از ناجی ما، درسحر

آنکه نشنود این داد، از راه دور

بیگمان خواب است در هنگام سحر

It is arriving from the human, s inflaming heart

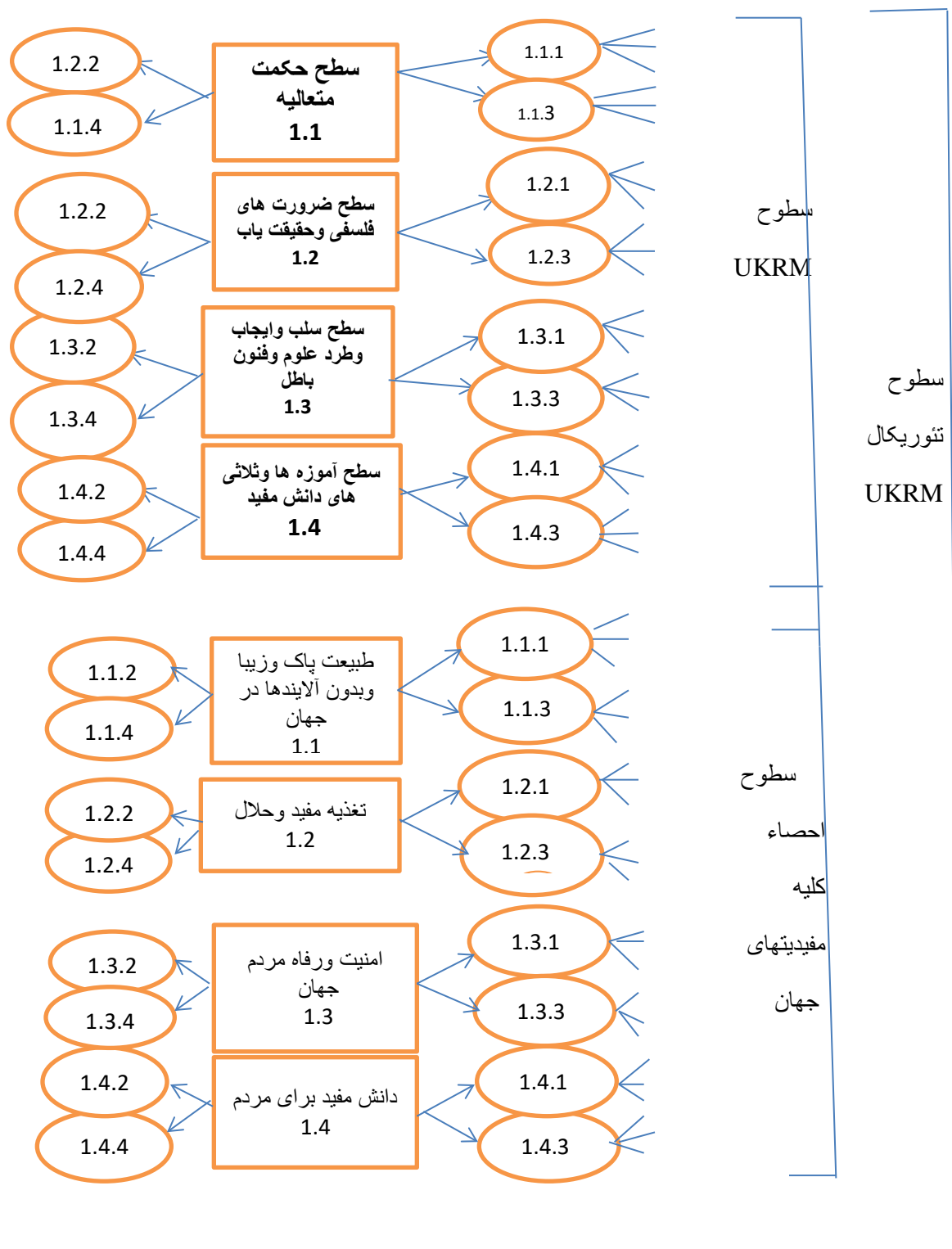
A sorrowfulness Song from our Savior at dawn

this burner from Long distance? Whoever hears

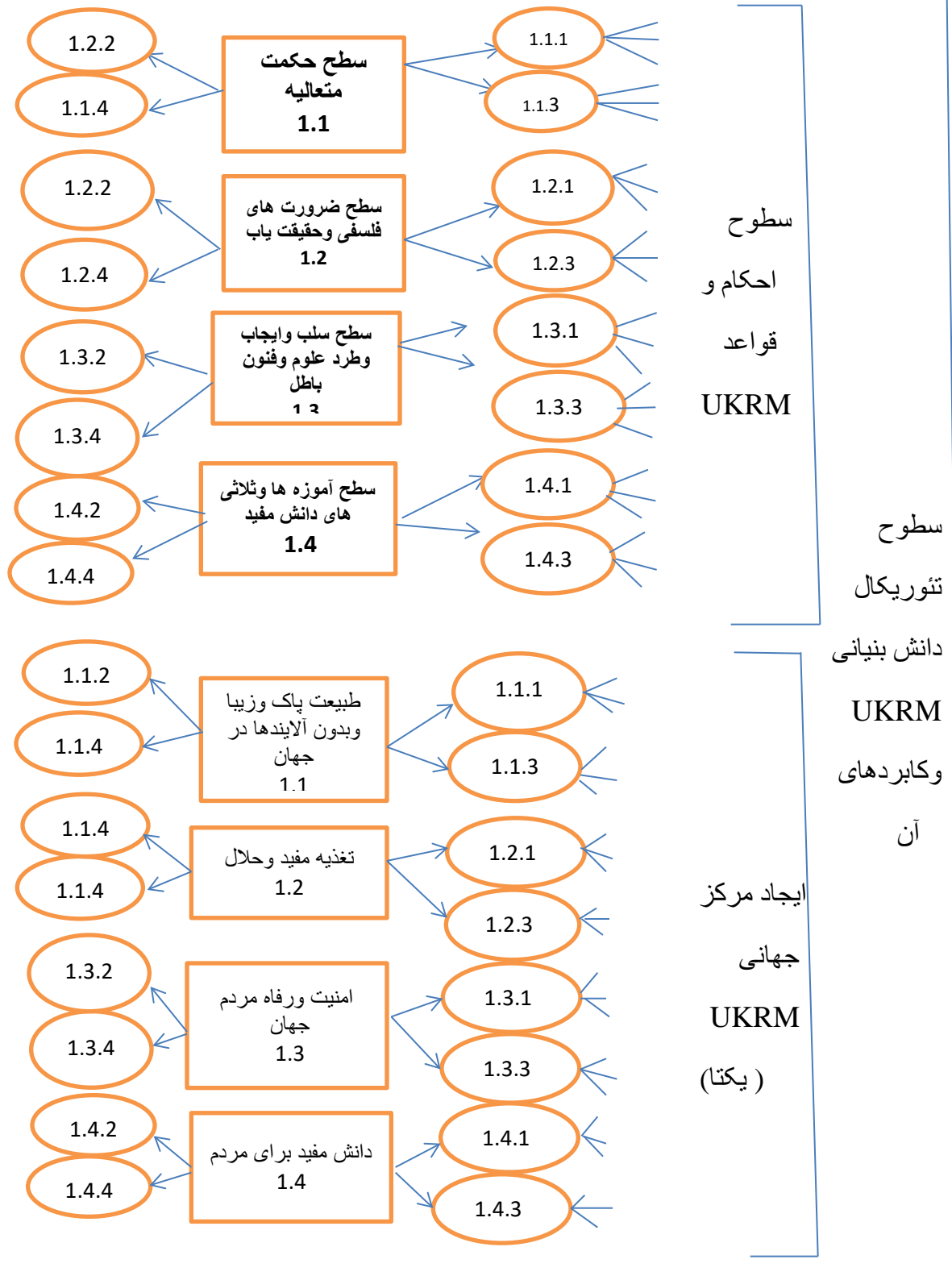
He is sleeping when in dawn undoubtedly

توجه: لطفاً به تصویر های مدل مفهومی پلتفرم در UKRM مراجعه شود

ویلتفرم جهانی آن در جهان اسلام UKRM سطوح و سلسله مراتب



سطوح و سلسله مراتب UKRM و پلتفرم جهانی آن در جهان اسلام



مواضع ما ، متن جدید واقتباس از شهید دکتر بهشتی

سطح آئین و مقررات و
دستور العمل های دولت
دستگاه نظارتی ، شاخص
واستاندارد های فیزیکی
و معنوی

سطح قانون گذاری
شورای نگهبان قانون اساسی
سیاست های کلی



این طرح مبتنی بر دانش میان رشته ای است

1.1.1.1. روش های قرآنی مدیریت دانش مفید در حکمت متعالیه

1.1.1.1.1. آموزه های مدیریتی حکمت متعالیه

1.1.1.1.2. راهبردهای مدیریتی حکمت متعالیه

1.1.1.1.3. مولفه های سیاسی - مدیریتی حکمت متعالیه

1.1.1.1.4. تصمیم سازی و تصمیم گیری از منظر حکمت متعالیه

1.1.1.1.5. ضرورت های بالقیاس وبالغیر در مدیریت در حکمت متعالیه

1.1.1.1.6. طراحی مدیریت عمومی حکمت متعالیه (شمول مدیریت عمومی)

1.1.1.1.7. برنامه ریزی از منظر حکمت متعالیه

1.1.1.1.8. تبیین شاخص ها و مناطق ها هدایت قرآنی حکمت متعالیه

1.1.1.1.9. موضوع تفکر انسان و خلاقیت در مدیریت دانش مفید در منظر حکمت متعالیه (خلاقیت و دانش بنیانی)

1.1.1.1.10. لزوم بروز و ظهور تهذیب نفس در مدیریت قرآنی (خود سازی انسان و خروج از حالات حیوانی به انسانی)

1.1.1.2. روش های برهانی مدیریت دانش مفید در حکمت متعالیه

1.1.1.2.1. اصول و فروع برهان در حکمت متعالیه

1.1.1.2.2. روش های کمک کننده باین طرح در فلسفه مشائی

1.1.1.2.3. روش های کمک کننده باین طرح در فلسفه اشراق

1.1.1.2.4. روش های کمک کننده باین طرح در علم کلام یا عقائد دانشی در محدوده جهان بینی اسلام

1.1.1.2.5. روش هایی که میتوان از قرآن و احکام و حیاتی دریافت کرد

1.1.1.2.6. روشهای مدیریتی در سنت و اخبار معصومین (ع)

1.1.1.2.7. هستی شناسی براهین حکمت متعالیه در مدیریت

1.1.1.2.8. انسان شناسی براهین حکمت متعالیه در مدیریت

1.1.1.2.9. مبانی منطقی برهان در حکمت متعالیه که در این طرح الزام پیدامیکند

1.1.1.2.10. احکام یقینی حکمت متعالیه در باب مدیریت

1.1.1.3. روش های عرفانی مدیریت دانش مفید در حکمت متعالیه

1.1.1.3.1. تشخیص ظرفیت های روش های عرفانی در باب مدیریت (اشراق عقل)

- 1.1.1.3.2. تبیین انسان سازمانی در علم النفس حکمت متعالیه (روش شناسی)
- 1.1.1.3.3. روش فلسفه اولی صدر المتألهین در مدیریت (وجدان و مکاشفه)
- 1.1.1.3.4. روش مکتبی صدر المتألهین در مدیریت (باب العقل والجهل)
- 1.1.1.3.5. انسان سالم از نظر روح در مدیریت
- 1.1.1.3.6. انسان سالم از نظر ذهن در مدیریت
- 1.1.1.3.7. انسان سالم از نظر جسم در مدیریت
- 1.1.1.3.8. انسان سالم از نظر نفس در مدیریت
- 1.1.1.3.9. کشف روش های وصفی- تحلیلی از مکتب ملاصدرادر مدیریت
- 1.1.1.3.10. بررسی عرفان نظری و عملی در مدیریت

مدارک پیوست در لوح فشرده :

1. نامه به ریاست محترم سازمان صدا و سیما
2. طرح مفهومی پلتفرم قواعد مدیریت دانش مفید
3. کارنامه طراح و مولف
4. رزومه طراح
5. مسئولیت ها و تصدی ها
6. احکام طراح و ابداع کننده
7. بعضی نامه ها (نامه به استاندارد و مسئولین)
8. بعضی مقالات
9. بعضی رساله ها
10. بعضی اشعار
11. بعضی هزاره ها (چالش ها و بحران های جهانی + سخنان حکیمان)
12. پرسمان دانشجوی و اشکالات الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت و نامه های آن
13. حدیث کلام
14. عکس با امام امت (ره)
15. تجزیه و تحلیل ظرف و مظروف
16. سایر مواردی که در لوح فشرده پیوست است

این ضمانم حکمرانی ادامه دارد